إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا

الحمد لله والمنة که سه رسائل امام محمد بن عبد الوهاب رح در مذمت شرک و بیان کبائر المسمات به

اصول الایمان
فضل الاسلام
کتاب الکبائر

بحسب فرمایش شیخ حافظ بہادر الدین صاحب عفی اللہ عنہ باہتمام محمد دو

در مطبع محمدی واقع لاہور مطبوع گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

این کتابست موسوم باصول الایمان مولفه شیخ امام محمد بن عبد الوهاب که زیاده شود در روی یا از پسران او زیادتی خوب بگفت رحمت کند بر او خدای تعالی باب در بیان معرفت خدا

روایتست از ابو هریره گفت او گفته است رسول خدا صلی الله علیه وسلم من غنی‌ترین شریکانم از شرک کسی که کند عملی را که شریک مقرر کند در آن عمل با من میگذارم او را با شرک وی روایت کرده است این حدیث را مسلم و روایتست از ابو موسی گفت خبر داده است رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ما به پنج سخن گفت الله تعالی خواب نمیکند و نه لایق است او را خواب که دون تنگ میکند رزق را و فراخ میکند آنرا بالا میرود بنزد او عمل شب پیش از عمل روز و عمل روز پیش از عمل شب حجاب او نور است اگر بردارد آن پرده را البته خواهد سوخت انوار روی او چیزی را که میرسد بآن چشم او از مخلوق او روایت کرده است این حدیث را مسلم روایتست از ابو هریره رسیده برسول الله که دست راست خدا [illegible] و را آیا دیدید آنچه [illegible] از وقتی که پیدا کرده است آسمانها و زمین را [illegible] اوست ترازو و فرود [illegible] دیگر او [illegible] آنرا [illegible] روایت کرده است این حدیث را بخاری و مسلم و روایتست از ابو هریره گفت [illegible] رسول خدا [illegible] دو گوسفند [illegible]

[illegible]

وازابو هریره [illegible]

[illegible]

ابن عمر [illegible]

[illegible]

باران مگر خدا و نمیداند هیچ نفس که در کدام زمین خواهد مرد وی مگر الله و نمیداند کی قائم خواهد شد
مگر الله مبارک و بلند است و روایت کرده است این حدیث را بخاری و مسلم و از انس بن مالک است
راضی شود خدا از و گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه خدا زیاده خوش شونده است بتوبه بنده خود
وقتیکه توبه میکند از یکی شما که باشد بر شتر خود پس بگریزد از و و بر آن خوردنی و آشامیدنی او باشد
پس نا امید شود و از یافتن آن پس بیاید بدرختی پس خسپد در سایه آن تحقیق نا امید شده باشد از
شتر خود پس در آنوقت او بر همان حال باشد ناگاه وی بر شتر خود باشد ایستاده نزدیک وی پس گیرد
مهار وی را پس بگوید از نهایت خوشی ای خدایا تو بنده منی و من پروردگار تو خطا شد
از کثرت خوشی روایت کرده است این حدیث را بخاری و مسلم و از ابو موسی است راضی شود خدا از و
آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود هر آینه خدای تعالی کشاید دست خود را بشب تا توبه کند گناه کننده روز
و میکشاید دست خود را در روز تا توبه کند گنهگار شب تا وقتی که طلوع کند آفتاب از مغرب روایت
کرده است این را مسلم و از عمر رضی الله عنه است گفت آورده شد بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم بندیان هم و از
پس ناگاه یک زن از قیدیان میدوید ناگاه یافت یک کودک را در میان قیدیان پس گرفت او را
پس چسپانید او را بشکم خود و پس شیر داد او را پس گفت نبی صلی الله علیه وسلم آیا می بینید این زن را افگننده
پسر خود در آتش گفتیم نه قسم بخدا پس فرمود الله خدا زیاده مهربان است بر بندگان خود از
زن بر پسر خود و از ابی هریره است راضی شود خدا از وی گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم
وقتی که پیدا کرد خدا مخلوق را نوشته کرد در کتاب پس آن کتاب نزد او بالای عرش است هر آینه
مهربانی من غالب آمده است بر غضب من روایت کرده است این را بخاری و مسلم است و از ابو هریره
آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود کرده است الله تعالی رحمت را صد حصه پس نگاه داشت نزد خود نود و نه
حصه و گذاشت در زمین یک حصه را پس از آن حصه باهم مهربانی میکنند مخلوقات تا آنکه برمیدارد
حیوان سم خود را از بچه خود از ترس رسیدن ایذا باو و مسلم راست از روایت سلمان
و در نهایت هر رحمت قدر [illegible] زمین است پس چون [illegible] خود در روز قیامت کامل کند آنرا

ان الله يبسط يده بالليل ليتوب مسيء النهار ويبسط يده بالنهار ليتوب مسيء الليل حتى تطلع الشمس من مغربها رواه مسلم

عن عمر رضي الله عنه قال قدم على رسول الله صلى الله عليه وسلم سبي فاذا امرأة من السبي ... فقال لنا النبي صلى الله عليه وسلم اترون هذه طارحة ولدها في النار ... فقال الله ارحم بعباده من هذه بولدها

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لما قضى الله الخلق كتب في كتابه فهو عنده فوق العرش ان رحمتي غلبت غضبي

وعن انس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الكافر اذا عمل حسنة اطعم بها طعمة في الدنيا واما المؤمن فان الله يدخر له حسناته في الآخرة ويعقبه رزقا في الدنيا على طاعته رواه مسلم

با این مهربانی و از انس است راضی شود خدا از و گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه کافر چون کند
نیکی داده شود او را بعوض آن طعامی در دنیا و اما مومن پس هر آئینه خدا ذخیره میکند او را نیکیهای
او برای آخرت و میدهد او را رزق در دنیا بر طاعت او روایت کرده است این را مسلم و مر مسلم راست از انس
رسیده برسول الله هر آئینه خدا البته راضی میشود از آن بنده که میخورد لقمه را پس حمد میگوید خدا را
بر آن و مینوشد آب را پس حمد میگوید خدا را بر آن و از ابی ذر است راضی شود خدا از وی گفت او
فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم آواز کرد آسمان و سزاوار است او را آواز کردن نیست در آنجای چهار انگشت
مگر و آن فرشته سجده کننده است خدای بلند را و اگر میدانستید چیزی را که میدانم من البته میخندید کم
و میگریستید بسیار و لذت نمیگرفتید بزنان بر فرشها و البته بیرون میرفتید بصحراها فریاد میکردید
بطرف خدای بلند روایت کرده است این را ترمذی و گفته حدیث حسن است و قول رسول الله اگر میدانستید
چیزی را که من میدانم البته میخندیدید کم و میگریستید بسیار در صحیحین است از روایت انس و مر مسلم راست
از جندب است رسیده بآنحضرت گفت یک شخص قسم بخدا نخواهد آمرزید خدا فلان را پس فرمود خدای
بلند و بزرگ کیست که قسم میخورد بنام من که نخواهم بخشید فلان را هر آئینه من بخشیدم او را و حبط
کردم عمل تو را و از ابوهریره است رسیده برسول خدا صلی الله علیه وسلم اگر میدانست مومن آنچه نزد خداست از
عذاب طمع نمیکرد در جنت او هیچ کس و مر بخاری راست از ابن مسعود راضی شود خدا از و گفت او فرمود
رسول خدا صلی الله علیه وسلم بهشت نزدیکتر است بهر یکی از شما از بند چپلی او و آتش مانند آن و از ابوهریره
است رسیده برسول خدا هر آئینه یک زن زانیه دید سگی را در روز گرم میگشت بر چاهی تحقیق کشیده
بود زبان خود را از تشنگی پس کشید آن زن موزه خود را پس آب نوشانید آنرا پس بخشش کرد خدا آن
زن را بآن فرمود رسول الله صلعم و داخل شد بدوزخ زنی بسبب گربه که بند کرده بود آنرا نه طعام
میداد آنرا و نه میگذاشتش که بخورد از حشرات زمین گفت زهری تا که توکل نکند کسی و نه ناامید شود
کسی بدو هیچ کرده است این را شیخان و از ابوهریره است مرفوعا تعجب میکند پروردگار ما از
قومی که کشیده میشوند به آن بهشت بزنجیرها روایت کرده است این حدیث را احمد و بخاری و از ابوموسی

اشعری ست راضی شود خدا از و گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم نیست کسی صابرتر از خدا بر اذی که
میشنود آنرا مقرر میکنند او را ولد باز عافیت میدهد ایشانرا و رزق میدهد ایشانرا روایت کرده است
این حدیث را بخاری و مسلم و در بخاری است از ابو هریره راضی شود خدا از و گفت او فرمود رسول خدا
هر آئینه خدای مبارک و بلند وقتیکه دوست دارد بنده را آواز میدهد که ای جبرئیل هر آئینه خدا
دوست میدارد فلانرا پس دوست بدار او را پس دوست میدارد او را اهل آسمانها و نهاده میشود
او را قبول در زمین و آنچه در صحیح بخاری است تمام تر ست و را از ان آن لیتبدأ و تا تست از ابو هریره
رض از رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت او وقتیکه دوست دارد الله تعالی بنده را آواز میدهد جبرئیل را که هر آئینه
خدا دوست میدارد فلانرا پس دوست بدار او را پس دوست میدارد او را جبرئیل پس آواز میدهد
جبرئیل در اهل آسمانها که هر آئینه خدا دوست میدارد فلانرا پس دوست بدارید او را پس دوست میدارد او را
اهل آسمان باز نهاده میشود او را قبول در زمین و از جریر بن عبد الله بجلی ست راضی شود خدا از و
گفت او بودیم ما نشسته نزدیک رسول خدا صلی الله علیه وسلم تا که نظر کرد بماه در شب چهاردهم گفت هر آئینه
شما خواهید دید پروردگار خود را چنانچه می بینید این ماه را ازحمه نخواهید کرد در دیدن او پس اگر
طاقت دارید آنکه مغلوب نشوید بر نمازی که پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از غروب آنست پس بکنید
روایت کرده است این حدیث را جماعه و از ابو هریره رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم گفت هر آئینه خدای
مبارک و بلند گفته است کسیکه دشمنی کند دوستی را با من پس تحقیق خبر داده ام او را بجنگ و نزدیکی
نمیجوید بمن بنده من بچیزی که دوست تر باشد بمن از آنچه فرض کرده ام بروی و همیشه
باشد بنده من نزدیکی میجوید بمن به نوافل تا آنکه دوست بدارمش پس وقتیکه دوست دارمش
شوم من شنوای او آنکه میشنود بآن و چشم او آنکه می بیند بآن و دست او آنکه میگیرد بآن و پای
او آنکه میرود بآن و اگر سوال کند از من البته خواهم داد او را و اگر پناه جوید از من البته پناه خواهم داد
او را و متردد نمیشوم در چیزی که من کننده آن باشم مانند تردد من از قبض روح بنده مومن
من مکروه میدارد مرگ را و مکروه میدارم ناخوشی او را روایت کرده است این را بخاری ..

عه من الانقطاع بمعنى التقدم اى فى نسخة من المضامة بمعنى المزاحمة وفى نسخة بضم التاء وتخفيف الميم من الضيم وهو الظلم ١٢ مرقات

اینحدیث را آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده نزول میکند پروردگار ما که مبارکست و بلندست در هر شب وقتیکه
میماند سوم حصه آخر شب میگوید کیست که میخواند مرا تا اجابت کنم او را و کیست که سوال کند از من
تا بدهم او را و کیست که بخشش طلب کند از من تا ببخشم او را روایت کرد بخاری و مسلم است اینحدیث را و از
ابو موسی اشعری است رض گفت و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم دو بهشت است از زر آوندها آن و آنچه در آن
است و نباشد درمیان بهشتیان و درمیان نظر کردن به پروردگار خود مگر چادر بزرگی بر روی
مبارک او در بهشت همیشگی روایت کرده است این را بخاری باب در بیان قول خدای
بلندست تا آنکه دور کرده شود از دلهای ایشان گویند چه فرمود پروردگار شما گویند سخن حق و او
بلند و بزرگ از ابن عباس است رض گفت و حدیث بیان کرد مرا مردی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم
در آن وقت ایشان نشسته بودند یکشب با رسول خدا صلی الله علیه وسلم ناگاه زده شد ستاره پس روشن شد پس گفت
او چه میگفتید وقتیکه زده میشد به مانند این گفتند بودیم ما میگفتیم زائیده شده است امشب شخص
کلان یا مرده است کلان پس فرموده هر آئینه آن زده نمیشود برای مرگ کسی و نه برای زندگانی
او و لکن پروردگار ما وقتی که کند حکمی را تسبیح گویند بردارندگان عرش تا آنکه تسبیح گویند اهل
آسمان آنچه قریب ایشان است تا آنکه میرسد تسبیح باهل آسمان دنیا پس گویند کسانی که قریب
حمله عرش اند چه فرمود پروردگار شما پس خبر میدهند ایشان را بآنچه فرموده است پس طلب خبر
میکنند اهل آسمانها بعض ایشان از بعضی تا آنکه میرسد خبر باهل آسمان دنیا پس می ربایند
جن شنیدن را پس می اندازند آنرا بدوستان خود پس آنچه بیارند بر وجهی که شنیده اند پس آن
حقست و لکن ایشان خلط میکنند در آن دروغ را و زیاده میکنند در آن روایت کرده
اینحدیث را مسلم و ترمذی و نسائی و از نواس بن سمعان است رض گفت و فرمود رسول الله
صلی الله علیه وسلم وقتیکه اراده کند خدا آنکه وحی کند بکاری سخن کند بوحی میگیرد آسمانها را از آن زلزله یا
فرمود لرزش از جهت خوف خدا عز وجل پس چون بشنود آن سخن را اهل آسمانها بیهوش شوند
و بیفتند خدا را سجده کنان پس باشد نخستین کسیکه بالا کند سر خود را جبرئیل پس سخن میکند با وی

از وحی خود و بانچه اراده کرده است باز میگذرد جبرئیل بر فرشتها هرگاه که میگذرد بر آسمانی
سوال کنند از و فرشتهای آن که چه فرمود پروردگار ما ای جبرئیل پس گوید فرمود حق و
او است بلند و بزرگ پس گویند همه ایشان مانند آنچه گفت جبرئیل پس میرساند جبرئیل
وحی را بانجا که امر کرده است او را خدای عزوجل روایت کرده است این حدیث را ابن
جریر و ابن خزیمه و طبرانی و ابن ابی حاتم و لفظ حدیث ابن ابی حاتم راست باب
در بیان قول الله تعالی و تعظیم نکردند خدا را حق تعظیم وی حال آنکه زمین همه در مشت او
باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده شده باشد در دست راست او پاک است او و بلند است
از آنچه شریک مقرر میکنند با وی از ابو هریره است گفت او شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم میفرمود
در مشت خواهد گرفت خدا زمین را و بپیچد آسمانها را در دست راست خود گوید منم پادشاه
کجاست پادشاهان زمین روایت کرده است این را بخاری و از ابن عمر است روایت میکرد
از رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود هر آینه خدا در مشت خواهد گرفت زمین ها را روز قیامت و باشد
آسمانها در دست راست او و باز گوید منم پادشاه و در دیگر روایت است از ابن عمر آنکه رسول خدا
صلی الله علیه وسلم فرمود این آیت را یکروز بر منبر و تعظیم نکردند خدا را حق تعظیم وی حالانکه زمین همه
در مشت او باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده شده در دست راست او پاک است او و برتر
و بلند است از آنچه شریک میکنند با وی حالانکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم میکرد اینچنین میجنبانید دست خود یعنی
میجنبانید آنرا و پیش و پس میبرد و آنرا بزرگی بیان میکند رب نفس خود را میگوید منم جبار
منم بزرگ روایت کرده است این را احمد روایت کرده است مسلم از عبید الله بن مقسم
نظر کرد بسوی عبد الله بن عمر که چگونه حکایت میکند از رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود رسول الله
بگیرد خدا آسمانها و زمینها خود را در دست خود پس گوید منم پادشاه و میبندد انگشتان
خود را و بکشاید آنرا پس گوید منم پادشاه تا آنکه نظر کردم بمنبر که می جنبید زیرترین جزو
تا آنکه هر آینه من میگفتم آیا افگنده است منبر رسول خدا را صلی الله علیه وسلم و در صحیح است مسلم از ابن مقسم

گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم قبول کنید مژده را ای بنی تمیم گفتند تحقیق مژده دادی ما را

پس چیزی بده ما را فرمود رسول الله قبول کنید مژده را ای اهل یمن گفتند تحقیق قبول

کردیم ما پس خبر ده ما را از اول این امر فرمود بود خدا و پیش از هر شیء و بود عرش او بر آب و

نوشت در لوح محفوظ بیان هر شیء گفت عمران پس آمد مرا یکی آینده پس گفت ای عمران رها

شد ماده شتر تو از زانو بند خود گفت عمران پس رفتم در پس آن پس نمیدانم که چه بود پس از

من و آن جبیر بن محمد بن مطعم است که روایت میکرد از پدر خود و پدرش از جد او گفت او

آمد یک صحرانشین بر رسول الله صلی الله علیه وسلم پس گفت ای رسول الله در تکلیف افتادند نفسها و ضایع شدند

عیال و هلاک شدند مالها پس باران طلب کن برای ما از پروردگار خود هر آینه ما شفیع میکنیم

ترا بخدا و خدا را بتو پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم افسوس ترا آیا میدانی که چه میگوی و تسبیح

فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس همیشه بود که تسبیح میگفت تا آنکه شناخته شد هیبت آن در روهای

اصحاب وی باز فرمود افسوس ست ترا هر آینه شان این نیست که شفیع کرده میشود خدا بکسی از

مخلوق او شان خدا بزرگ ست از شفیع شدن افسوس ست ترا آیا میدانی هر آینه عرش او بر آسمانهای او

البته همچنین ست و اشارت کرد بانگشتان خود مانند خیمه بر آسمان و هر آینه عرش آواز

میکند بخدا مانند آواز پالان سوار روایت کرده ست این را ابو داود و از ابو هریره رضی الله عنه

گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم میفرماید خدای تعالی دروغگو میسازد مرا پسر آدم و لائق نیست او را این

و دشنام میدهد مرا و لائق نیست او را این پس چه دروغگو ساختن او ست مرا پس گفتن او ست

هرگز دوباره نخواهد کرد مرا چنانچه اول پیدا کرده است مرا و حالانکه نیست اول پیدایش

آسانتر بر من از دوباره پیدا کردن و اما دشنام دادن او مرا پس گفتن او ست گرفته است

خدا ولد را و منم یگانه بی نیاز آنکه نزائیده است و نه زائیده شده ست و نیست مر او مانند کسی

و در یک روایت ست از ابن عباس رضی الله عنه و اما دشنام دادن او مرا پس گفتن او مرا ولد ست و پاک ست

مرا از آنکه بگیرم زن یا فرزند را روایت کرده ست این را بخاری و مر بخاری و مسلم راست

از ابوهریره گفت او فرمود رسول خدا صلعم فرموده است خدا تعالی ایذا میدهد مرا پسر آدم
دشنام میدهد زمانه را و منم زمانه در دست ماست کار میگردانم شب و روز را باب در بیان
ایمان بقدر و قول الله تعالی هر آینه کسانی که گذشته است برای ایشان از طرف ما بهشت ایشان
از دوزخ دور شده گانند و قول خدا تعالی و خدا پیدا کرده است شما را و آنچه میکنید و قول
خدا تعالی هر آینه ما هر چیز را پیدا کردیم باندازه و در صحیح مسلم است از عبد الله بن عمرو بن
العاص که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه خدا اندازه کرده است تقدیر های مخلوقات را
پیش از پیدا کردن آسمانها و زمین به پنجاه هزار سال فرمود رسول الله صلعم و عرش او تعالی بر آب
بود و از علی بن ابیطالب است رض گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یکی از شما مگر
نوشته کرده شده است جای او از آتش و جای او از جنت گفت اصحاب رسول خدا آیا اعتماد
نکنیم بر نوشته خود و بگذاریم عمل را فرمود رسول الله عمل کنید پس هر یک توفیق داده میشود چیزی
را که پیدا کرده شده است مر آن چیز را اما آنکه باشد از اهل نیک بختی پس توفیق داده خواهد شد
عمل اهل نیک بختی را و اما آنانکه باشد از اهل بد بختی پس توفیق داده خواهد شد مر عمل اهل
بد بختی را باز خواند رسول الله پس هر که داد در راه خدا و پرهیزگاری کرد و تصدیق
کرد کلمه توحید را پس توفیق خواهیم داد او را برای عمل کردن شریعت آسان اتفاق
کرده شده است بروی از مسلم بن یسار است گفت و سوال کرده شد عمر بن الخطاب
از این آیت پس گفت عمر شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که سوال کرده شد ازین آیت پس فرمود
او هر آینه خدا پیدا کرد آدم را باز مسح کرد پشت او را بدست راست خود پس بیرون کرد
از و اولاد را پس فرمود خدا پیدا کردم اینکسان را برای جنت و بعمل اهل جنت عمل
خواهند کرد باز مسح کرد پشت او را پس بیرون کرد از و اولاد را پس گفت پیدا
کردم این کسان را برای دوزخ و بعمل اهل دوزخ عمل خواهند کرد پس گفت یکمرد ای رسول خدا
پس در چه چیز است عمل پس فرمود او هر آینه خدا چون پیدا کند بنده را برای جنت

دیگر واند او را بعمل اهل بهشت تا وقتیکه بمیرد بر عملی از اعمال اهل جنت پس داخل میشود
بسبب آن بهشت را و چون پیدا کند بنده را برای دوزخ عامل میگرداند او را بعمل اهل
دوزخ تا وقتیکه بمیرد بر عملی از اعمال اهل دوزخ پس داخل میشود بسبب آن در دوزخ
روایت کرده است این را مالک و حاکم و گفته است که بر شرط مسلم است و روایت کرده
است این را ابو داود از وجه دیگر از مسلم بن یسار از نعیم بن ربیعه از عمر و گفته است
اسحق بن راهویه حدیث گفت مرا بقیه گفت او خبر داد مرا زبیدی که محمد بن الولید است او
راشد بن سعد از عبد الرحمن بن ابی قتاده که روایت میکرد از پدر خود و او از هشام بن
حکیم بن حزام آنکه شخصی گفت ای رسول خدا آیا کرده میشود اعمال یا اتمام کرده شده
است حکم پس فرمود او هر آینه خدا چون بیرون کرد اولاد آدم را از پشت او گواه کرد
ایشان را بر نفس ایشان باز انداخت ایشان را در دست خود پس گفت این کسان برای بهشت اند
و اینکسان برای دوزخ اند پس اهل بهشت توفیق داده میشوند مر عمل اهل بهشت را و اما
اهل دوزخ توفیق داده میشوند مر عمل اهل دوزخ را و از عبد الله بن مسعود است که گفت
او حدیث فرمود ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم که او راست گو تصدیق کرده شده هر آینه یک
از شما جمع کرده میشود پیدائش او در شکم مادر خود چهل روز نطفه باز میشود خون بسته مانند
آن باز میشود قطعه گوشت مانند آن باز میفرستد الله تعالی او بسوی فرشته بچهار سخن پس نوشته
میکند عمل او را و اجل او را و رزق او را و بدبخت است یا نیک بخت باز میدمد در وی روح را
پس قسم بآن ذات که نیست لائق عبادت غیر او هر آینه یک از شما البته عمل میکند بعمل اهل
بهشت تا آنکه میماند در میان وی و در میان بهشت مگر یک ذراع پس غالب میشود بر وی
کتاب پس عمل میکند بعمل اهل دوزخ پس داخل میشود بدوزخ و هر آینه یک از شما البته
عمل میکند بعمل اهل نار تا آنکه میماند در میان وی و بهشت مگر یک ذراع پس غالب میشود
بر وی کتاب پس عمل میکند بعمل اهل بهشت پس داخل میشود در آن و از حذیفه بن

١٠

اسید است پس رسانید این حدیث را بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم که فرمود رسول الله داخل میشود فرشته
بر نطفه پس از آنکه قرار بگیرد در رحم چهل یا چهل و پنج شب پس میگوید ای پروردگار من آیا نیک
بخت است یا بد بخت پس نوشته کرده میشود یکی از آن دو پس میگوید ای پروردگار من آیا
مرد است یا زن پس نوشته کرده میشود یکی از آن دو و نوشته کرده میشود عمل او و عمر او و اجل او و
رزق او و باز پیچانیده میشود کاغذها پس زیادت کرده نمیشود در آن و نه نقصان کرده میشود
در آن روایت کرده است این حدیث را مسلم و در صحیح مسلم است از عائشه رض گفت و خوانده شد
رسول الله صلعم بجنازه بچه از انصار پس گفتم خوشی است او را گنجشکی است از گنجشکان بهشت
نه کرده است گناهی را و نیافته است او را گناه پس فرمود رسول الله آیا اعتقاد داری این را
ای عائشه و حال آنکه حق غیر اینست بر آینه خدا پیدا کرد بهشت را اهلی پیدا کرده بود ایشان را
برای بهشت و حال آنکه ایشان در کمرهای پدران خود بودند و پیدا کرد دوزخ را اهلی پیدا
کرده بود ایشان را برای دوزخ و حال آنکه ایشان در کمرهای پدران خود بودند و از ابن
11 عمر است رض گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر چیز باندازه است تا آنکه عاجزی و هوشیاری
و از قتاده است در قول الله تعالی فرود می آید فرشتها و جبرئیل در آن شب برای سر انجام
هر کار باذن پروردگار خود گفت او حکم کرده میشود در آن شب هر چیزی که میشود در آن
سال تا سال مانند آن روایت کرده است این را عبد الرزاق و ابن جریر و تحقیق روایت کرده
شده است معنی این از ابن عباس و حسن و ابو عبد الرحمن سلمی و سعید بن جبیر و مقاتل و غیره
ابن عباس است رض گفت او بر آینه خدا پیدا کرد لوح محفوظ را از مروارید سفید است و
دو تایه او از یاقوت سرخ است قلم او نور است و کتاب او نور است عرض او بقدر آنچه
در میان آسمان و زمین است نظر میکند در آن هر روز سه صد و شصت نظر پیدا میکند و
هر نظر و زنده میکند و میمیراند و عزت میدهد و ذلیل میکند و میکند آنچه خواهد پس اینست معنی
قول خدا تعالی هر روز در کار است روایت کرده است این را عبد الرزاق و ابن منذر و طبرانی و حاکم

منتقط من المرقات

گفته است ابن قیم رح بعد ذکر این احادیث و آنچه در معنی اینست پس این تقدیر یومی است
و آنچه پیش از وی است تقدیر حولی است و آنچه پیش از وست تقدیر عمری است نزدیک
تعلق روح بوی و آنچه پیش از وست همچنین است نزد اول پیدایش او و بودن او پاره
گوشت و آنچه پیش از وست تقدیر پیش بودن او لکن پس از پیدا کردن آسمانها و زمین
به پنجاه هزار سال و هر یک ازین تقدیرات مانند تفصیل است از اندازه پیش و درین دلیل است
بر کمال علم رب قدرت او و حکمت او و زیادت تعریف خودست ملائکه را و بندگان مومنان
خود را بنفس خود و نامهای خود باز گفته است و پس متفق شد این احادیث و مانند این احادیث
منع نمیکند عمل را و نه واجب میکند تکیه کردن بر قدر بلکه واجب میکند جد و کوشش را و ازین
سبب چونکه شنید بعضی صحابه این احادیث را گفت نبودم من زیاده تر کوشش کننده
از کوشش کردن من الحال و گفت ابو عثمان نهدی سلمان را هرآینه من باول کار زیاده خوشتر
از خوشی خود باخر آن و این بسبب آنست که چون باشد که بتحقیق پیش گذشته است او را
مرتبه بلند و تیار کرده است او را و توفیق داده است او را برسیدن بآن مرتبه باشد خوشی او
بآنکه پیش نوشته شده است او را از طرف خدا زیاده تر از خوشی او بآن اسبابی که می آرد
آن مرتبه را و از ولید بن عباده است گفت او که داخل شدم بر پدر خود و حال آنکه او بیمار بود می
پنداشتم در وی مرگ را پس گفتم ای پدر من وصیت کن مرا و کوشش کن در وصیت من پس گفت
بنشانید مرا پس چون نشانیدند او را گفت ای پسرک من هرآینه تو نخواهی یافت مزه ایمان را
و نخواهی رسید بحقیقت علم بخدای مبارک و بلند تا آنکه ایمان آری به نیک و بد قدر گفتم
ای پدر من و چگونه باشد مرا آنکه بدانم نیک و بد قدر را گفت او بدان آنکه چیزی که خطا
کرده است ترا نیست که برسد بتو و چیزی که رسیده است بتو نیست که خطا کند ترا ای پسرک من
هرآینه من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میگفت اول چیزی که پیدا کرده است آنرا خدا قلم است
گفت بنویس پس جاری شد در همان ساعت بآنچه بودنی است تا روز قیامت ای پسرک من.

قال ابن القيم رح بعد ذكر هذه الاحاديث وما في معناها فهذا تقدير يومي والذي قبله تقدير حولي والذي قبله تقدير عمري عند تعلق النفس به والذي قبله كذلك عند اول تخليقه وكونه مضغة والذي قبله تقدير سابق على وجوده لكن بعد خلق السموات والارض بخمسين الف سنة وكل واحد من هذه التقادير كالتفصيل من القدر السابق وفي ذلك دليل على كمال علم الرب وقدرته وحكمته وزيادة تعريفه الملائكة وعباده المؤمنين بنفسه واسمائه ثم قال فاتفقت هذه الاحاديث ونظائرها على ان القدر السابق لا يمنع العمل ولا يوجب الاتكال عليه بل يوجب الجد والاجتهاد وهذا

لما سمع بعض الصحابة ذلك قال ما كنت باشد اجتهادا مني الآن وقال ابو عثمان النهدي لسلمان لانا باول هذا الامر اشد فرحا مني بآخره وذلك لانه اذا كان قد سبق له من الله سابقة وهيأه ويسره للوصول اليها كان فرحه بالسابقة التي سبقت له من الله اعظم من فرحه بالاسباب التي تأتي بها وعن الوليد بن عبادة قال دخلت على ابي وهو مريض اتخايل فيه الموت فقلت يا ابتاه اوصني واجتهد لي فقال اجلسوني فلما اجلسوه قال يا بني انك لن تطعم طعم الايمان ولن تبلغ حقيقة العلم بالله تبارك وتعالى حتى تؤمن بالقدر خيره وشره قلت يا ابتاه وكيف لي ان اعلم ما خير القدر وشره قال تعلم ان ما اخطأك لم يكن ليصيبك وما اصابك لم يكن ليخطئك يا بني اني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ان اول ما خلق الله القلم ثم قال اكتب فجرى في تلك الساعة بما هو كائن الى يوم القيامة يا بني

١٢

اگر مردی و نبودی براین عقیده داخل شوی بدوزخ روایت کردست اینحدیث را احمد و
از ابی خزیمه است که روایت میکرد از پدر خود که گفت و گفتم ای رسول خدا صلعم خبر ده مرا
از فسونی که فسون میکنیم بآن و دوائی که دوا میکنیم بآن و سپری که نگاه میکنیم خود را بآن آیا
رد میکند از قدر خدا چیزی را فرمود این اسباب قدر خداست روایت کرده است اینحدیث را
احمد و ترمذی و حسن گفته است او را و از ابی هریره است رض که فرمود رسول خدا صلعم مؤمن قوی
بهتر و دوست تر است بخدا از مؤمن ضعیف و در هر یک خیر است حرص کن بر آنچه نفع رساند به
تو و مدد خواه از خدا پس اگر رسید ترا چیزی پس مگو اگر میکردم من میشد چنین و چنان و لیکن بگو
مقدر کرده بود خدا آنچه خواست کرد پس هر آئینه تو میکشاید عمل شیطان را روایت کرده است
اینحدیث را مسلم باب ذکر فرشتها بر ایشان باد سلام و ایمان آوردن بایشان و قول خدای تعالی
نیست نیکی آنکه بگردانید رویهای خود را بطرف مشرق و مغرب و لیکن صاحب نیکو کاری است
که باور دارد خدا و روز قیامت و فرشتگان را و کتاب و پیغمبران را و قول او تعالی هر آینه
کسانیکه گفتند پروردگار ما خداست باز استقامت کردند نازل میشوند بر ایشان فرشتگان
که مترسید و اندوه مخورید و خوشحال شوید به بهشتی که شما را وعده داده میشد و قول او تعالی
ننگ ندارد عیسی از آنکه باشد بنده خدا و نه فرشتگان مقرب ننگ دارند و قول او تعالی و او
راست هر که در آسمانها و زمین است و آنانکه نزدیک او هستند سرکشی نمیکنند از عبادت او
و مانده نمیشوند تسبیح میگویند شب و روز سستی نمی نمایند و قول او تعالی گرداننده فرشتگان را
پیغامبران گردانیده ایشان را خداوند بازوها دوگان دوگان و سه گان سه گان و چهار گان
چهارگان و قول او تعالی آنانکه برمیدارند عرش را و آنانکه گرداگرد عرش اند تسبیح میگویند
همراه ستایش پروردگار خویش و ایمان می آرند باو و آمرزش میخواهند برای مومنان تا آخر
آیه و از عائشه رض است که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم پیدا کرده شده است فرشتها از نور
و پیدا کرده شده است جن از شعله آتش و پیدا کرده شده است آدم از آنچه بیان کرده شده

١٣

بحمد ربهم ويؤمنون به ويستغفرون للذين آمنوا الآية وعن عائشة رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه

روایت کرده است این را مسلم و ثابت شده است در بعض احادیث معراج آنکه رسول الله صلعم
را ظاهر کرده شد بیت المعمور آنکه در آسمان هفتم است گفته شده است در مسلم که در مرتبه کعبه است در
زمین و او در برابر کعبه است عزت او در آسمان بلند عزت کعبه است در زمین و ناگاه شد از بود
که داخل میشود در آن هر روز هفتاد هزار فرشته باز نمیگردند بآن تا آخر آنچه بر آن است و از عائشه
است رض گفت او فرمود رسول خدا صلعم نیست در آسمان دنیا بقدر جای یک قدم مگر بر آن ملکیست
سجده کننده یا ملکی ست ایستاده پس این است مضمون قول فرشتگان و هر آینه ما صف کنندگانیم
و هر آینه ما تسبیح گویندگانیم روایت کرده است این را محمد بن نصر و ابن ابی حاتم و ابن جریر و
ابو الشیخ و روایت کرده است طبرانی از جابر بن عبد الله رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه
وسلم نیست در آسمانهای هفتگانه بقدر جای یک قدم و نه یک بلشت مگر در آن فرشته است ایستاده یا فرشته
است سجده کننده یا فرشته است رکوع کننده پس چون شود روز قیامت گویند عبادت نکردیم
تو را حق عبادت تو مگر آنکه شریک مقرر نکردیم با تو چیزی را و از جابر است که گفت او فرمود رسول خدا
صلی الله علیه وسلم دستوری داده شدم آنکه بیان کنم حال یک فرشته از فرشتگان خدا از بردارندگان
عرش درمیان نرمه گوش او تا گردن او مسافت هفتصد سال است روایت کرده است
این را ابو داود و بیهقی در کتاب اسماء و صفات و ضیاء در مختاره پس از سرداران ایشان
جبرئیل است ع و تحقیق وصف کرده است او را خدای تعالی بامانت و وجوب طاعتی و قوت
پس گفته است خدای تعالی آموخته است او را فرشته با قوت صاحب حسن پس راست ایستاد آن فرشته
و از شدت قوت خود برداشت شهرهای قوم لوط علیه السلام را و بودند هفت با آنچه در آن شهرها
بودند از گروهها و بودند قریب چهار لک و آنچه همراه ایشان بود از دواب و حیوانات و آنچه در
آن شهرها بود از زمینها و عمارات بر طرف بازوی خود تا آنکه رسانید آنرا بآسمان تا آنکه
شنیدند فرشتگان آواز سگان و مرغان ایشان پس نگونسار کرد پس گردانید بالای آنرا زیر آن پس
نیست ملکی با قوت و قول خدای تعالی صاحب حسن ای صاحب صورت خوب و تازگی و درشتی گفته است

۱۴

علی انه یعنی را ابن عباس و گفته است غیر ابن عباس صاحب مرة ای صاحب قوت گفته است خدا تعالی
نور صفت او هر آینه این قرآن سخن فرشته بزرگست صاحب قوت نزدیک صاحب عرش با مرتبه است آن
یعنی او را قوت در جنگ سخت است و او را جاه و مرتبه بلند و بزرگیست و از این سبب جبرئیل ایلچی میان
خدا و میان پیغمبران اوست و به تحقیق می آمد برسول خدا صلی الله علیه وسلم در صفات گوناگون و بتحقیق دیده
بود پیغمبر او را بر آن صفتی که پیدا کرده است او را خدا بر آن دو بار و او را شش صد بازو بود
روایت کرده است این را بخاری از ابن مسعود و روایت کرده است امام احمد از عبد الله گفت
او دید رسول الله صلی الله علیه وسلم جبرئیل را در صورت اصلی او که شش صد بازو بود او را هر بازو از آن
بند کرده کنار آفتاب را و از بازوی او مروارید و یاقوت آن قدر که به آن عالم است اسناد این حدیث
قویست و از عبد الله بن مسعود است که گفت او دید رسول خدا صلی الله علیه وسلم جبرئیل را در حله سبز
تحقیق پر کرده بود میان آسمان و زمین روایت کرده است این را مسلم و از عائشه است رض
آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دیدم جبرئیل را فرو آینده تحقیق پر کرده بود هر دو طرف آسمان و
زمین را بر او کالای ابریشم نازک بود آویزان بود بآن جامه مروارید و یاقوت روایت
کرده است این را ابو الشیخ و ابن جریر راست از ابن عباس که گفت معنی جبرئیل و میکائیل هم
بنده خداست و هر اسمی که در آن ایل باشد پس آن بمعنی بنده خداست و مر ابن جریر
راست از علی بن حسین مانند آن و زیاده کرده است او و اسرافیل بمعنی بنده رحمن و
روایت کرده است طبرانی از ابن عباس که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم آیا خبر نکنیم شما را
به بهترین فرشتها جبرئیل است و از عمران جونی است آنکه او رسید او را آنکه جبرئیل آمد نزد
رسول خدا صلی الله علیه وسلم و حال آنکه میگریست او پس فرمود او را پیغمبر صلی الله علیه وسلم چه چیز میگریاند ترا
گفت او و چیست مرا که نگریم پس قسم بخدا خشک نشده است چشم من از وقتیکه پیدا کرده است
خدا دوزخ را از ترس آنکه نافرمانی کنم او را پس بافگند مرا در دوزخ روایت کرده است
این را احمد در زهد و مر بخاری راست از ابن عباس رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم جبرئیل را

٤٥ جبرائیل

آیا زیارت ما نمیکنی زیاده از آنچه زیارت میکنی ما را پس نازل شد و فرو نمی آییم مگر بامر پروردگار تو و از سرداران ایشان میکائیل ست و او گماشته شده بر باران و گیاه و روایت کرده است امام احمد از انس رضی الله عنه آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود جبرئیل را چیست مرا که نمی بینم میکائیل را خندان گاهی فرمود او خنده نکرده است میکائیل از وقتیکه پیدا کرده شده است آتش و از سرداران ایشان اسرافیل است بروی باد سلام و او یکی از بردارندگان عرش است و او است که میدمد در صور روایت کرده است ترمذی و حسن گفته است او را و حاکم و از ابی سعید خدری رضی الله عنه گفت او فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم چگونه خوشی کنم و حال آنکه صاحب صور دهان گرفته است صور را و زیر کرده است پیشانی خود را و متوجه کرده است گوش خود را انتظار میکند که کی امر کرده خواهد شد پس که بدمد گفتند اصحاب پس چه گوییم ما ای رسول خدا فرمود او بگویید بس است ما را خدا و نیک کارساز است و از ابن عباس رضی الله عنهما است آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود هر آئینه یک فرشته از برداشتگان عرش گفته میشود او را اسرافیل یک کناره از کنارهای عرش بر شانه او ست تحقیق گذشته است هر دو قدم او از زمین هفتم زیرین و گذشته است سر او از آسمان هفتم بالا روایت کرده است این را ابو الشیخ و ابو نعیم در حلیه و روایت کرده ابو الشیخ از اوزاعی گفت او نیست هیچ یک از مخلوق خدا بهتر از روی آواز از اسرافیل پس وقتیکه شروع کند در تسبیح میبرد بر اهل هفت آسمانها نماز ایشان و تسبیح ایشان و از سرداران ایشان ملک الموت ست علیه السلام و نه آمده است تصریح بنام او در قرآن و نه در حدیث صحیح و تحقیق آمده است در بعضی آثار نام نهادن او بعزرائیل پس الله عالم ست گفته است این را حافظ ابن حجر و گفته است او هر آئینه فرشتها نسبت بآنچه تیار کرده است خدا ایشان را برای آن چند قسم ست پس از ایشان برداشتگان عرش اند و از ایشان کروبیان اند آنانکه ایشان گرداگرد عرش اند و ایشان با برداشتگان عرش بزرگ ترین فرشتگان اند و ایشان اند نزدیک کردگان چنانچه گفته است خدا تعالی یاکی یاد میکنند خدا را و شب و روز سستی نمیکنند و از ایشان آنانند که بنوبت می آیند

۱۹

ما جاء التصريح باسم ملك الموت في القرآن ولا في الأحاديث الصحيحة لكن جاء في بعض الآثار تسميته بعزرائيل

به بیت معمور گوییم ظاهر است آنانکه نوبت بنوبت می آیند به بیت معمور باشندگان آسمانهاست
و از ایشان موکلان بهشت اند و بر تیار کردن اسباب عزت اهل آنرا و تیار کردن مهمانی مر
باشندگان آنرا از پوشاکها و خوردنیها و آشامیدنیها و کوشکها و مکانها و غیر آن از آنچه نه
چشم دیده است و نه گوش شنیده است و نه گذشته است بر دل کسی و از ایشان موکلان دوزخ
اند پناه دهد ما را خدا از آن و ایشان زبانیه اند و افسران ایشان نوزده اند و خازن دوزخ
مالک است و او مهتر است بر خازنان و ایشانند مذکور در قول خدای تعالی و گویند آنانکه در دوزخ
اند خازنان دوزخ را بخوانید پروردگار خود را که سبک کند از ما عذاب یک روز و گفته است
خدای تعالی و آواز دهند اهل دوزخ که ای مالک باید که بمرگ حکم کند بر ما پروردگار تو و گفته است
خدای تعالی بر آن آتش موکل اند فرشتگان درشت خوی سخت رو نافرمانی نمیکنند خدا را و میکنند هر چه
حکم کرده میشود ایشانرا و گفته است خدای تعالی بر آن دوزخ موکل اند نوزده کس و نساختیم موکلان
دوزخ را مگر فرشتگان و نمیداند لشکرهای پروردگار ترا مگر او تعالی و از ایشان
موکلان بر نگهبانی بنی آدم اند چنانچه گفته است خدای تعالی برای آدمی فرشتگانند از پی یکدیگر آینده
میان دو دست او و پس پشت او نگاه میدارند او را بحکم خدا گفته است ابن عباس فرشتگان
اند که نگاه میکنند او را از پیش و پس او پس وقتیکه بیاید حکم خدا دور شوند از او و گفته است مجاهد
نیست هیچ بنده مگر فرشته موکل است بر او نگاه میدارد او را در خواب و بیداری او از جن
و آدمی و گزندگان پس نیست هیچ یک از این که بیاید او را مگر گوید آن فرشته او را پس شو مگر چیزی
که اذن داده است خدای تعالی در آن پس میرسد او را و از ایشان موکلانند به نگهبانی اعمال بنی آدم
چنانچه گفته است خدای تعالی آنگاه یاد میگیرند دو یادگیرنده به پهلوی راست و چپ نشیننده
و گفته است خدای تعالی و هر آیینه بر شما گماشته شده اند نگهبانان گرامی قدر نویسندگان روایت
کرده است بزار از ابن عباس رض گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آیینه خدا منع میکند شما را
از برهنه شدن پس حیا کنید از فرشتگان خدا آنکه همراه شماست آن بزرگان نویسندگان که جدا

نمیشوند از شما اگر در شده وقت قضای حاجت و جنابت و غسل میت وقتی که غسل کند
یکی از شما بر میدان پس باید که پرده کند بجامه خود یا به نیم دیوار یا بغیر آن گفته است حافظ
ابن کثیر و معنی کرام آنکه حیا کرده شود از ایشان پس نرسانیده شود با ایشان آن اعمال بد که مینویسند
آنرا پس هر آینه خدای تعالی پیدا کرده است ایشانرا بزرگ در صورت و خوب باز گفته است آنکه
معنای کلامش اینست که از بزرگی ایشانست آنکه ایشان نمیروند در خانه که در آن سگ باشد
یا صورت یا جنب یا مکر و همراه نمیشوند با گروه مسافر که همراه ایشان سگ باشد باز نگاه
روایت کرده است مالک و بخاری و مسلم از ابی هریره آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم
فرمود که در پی یکدیگر میآیند در شما فرشتگان در شب و فرشتگان در روز و جمع میشوند در نماز بامداد و
نماز دیگر باز بالا میروند آن فرشتگان که شب مانده بودند در شما پس سوال میکند از ایشان پروردگار
ایشان و او داناتر است بایشان چگونه گذاشتید بندگان مرا پس گویند گذاشتیم ایشانرا و ایشان
نماز میخواندند و آمدیم بایشان و ایشان نماز میخواندند و در روایتی است آنکه ابو هریره
گفت بخوانید اگر خواهید و لازم گیرید نماز فجر را هر آینه نماز فجر حاضر میشود او را فرشتگان
و روایت کرده است امام احمد و مسلم حدیثی جمع نمیشود هیچ قوم در خانه از خانهای خدا که میخوانند
و آن کتاب خدا را و با هم سبق میدهند آنرا در مابین خود مگر نازل میشود بر ایشان آرامی و می
پوشد ایشانرا رحمت و گرد میشوند ایشانرا فرشتگان و یاد میکند ایشانرا خدا در کسانیکه نزد وی
هستند و کسیکه سست کند او را عمل او چابک نخواهد کرد او را نسب او و در مسند و سنن هست که هر آینه
فرشتگان البته می نهند بالهای خود را مر طالب علم را از جهت خوشی بآنچه او میکند و احادیث
در ذکر ایشان بسیار است **باب** در بیان وصیت کردن بکتاب خدای تعالی بزرگ و در
بیان قول او تعالی پیروی کنید چیزی را که فرو فرستاده شده است بشما از پروردگار شما و
پیروی مکنید دوستانی را که سوای خدا اند اندکی پند میگیرید و در روایتست از زید بن ارقم

انکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم خطبه خواند پس ستایش بجا آورد خدا را و تعریف او کرد باز گفت بعد
از حمد و ثنا است ای مردمان خبر این نیست من آدمی هستم نزدیک است که بیاید مرا فرستادهٔ
پروردگار من پس اجابت خواهم کرد و هر آئینه من گذارنده ام در شما دو چیز نفیس اول آن هر دو
کتاب خداست در آن هدایت و نور است پس بگیرید کتاب خدا را و چنگ زنید باو پس برانگیخت
مردمان را بر کتاب خدا و رغبت در عمل کردن بآن باز گفت و اهل بیت من است و در یک روایت آمده
است کتاب خدا او ریسمان خداست کسیکه پیروی او کرد هست بر هدایت و کسیکه ترک کرد آنرا
هست بر گمراهی روایت کرده است این حدیث را مسلم و مراد مسلم است در حدیث کلان جابر آنکه
رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود در خطبه روز عرفه و تحقیق گذاشتم در شما چیزی را که اگر چنگ زنید بآن هرگز
گمراه نخواهید شد بعد آن چنگ زدن کتاب خداست و شما سوال کرده خواهید شد از من
پس چه خواهید گفت گفتند ایشان گواهی خواهیم داد آنکه تحقیق تو رسانیدی و ادا کردی
و نصیحت کردی پس اشارت کرد بانگشت سبابه بالا میکرد آنرا بطرف آسمان و زیر میکرد
آنرا بطرف مردمان و گفت سه بار ای خدا گواه باش و روایت است از علی رض گفت او
شنیدم از پیغمبر صلی الله علیه وسلم که میفرمود هر آئینه قصه این است زود است که پیدا خواهد شد فتنها
پس گفتم چیست بیرون شدن از آن ای پیغمبر خدا فرموده کتاب خداست در آن خبر آنچه
پیش از شما است و پس از شما و حاکم است در آنچه واقع شود در میان شما او هست جدا کننده
نیست مسخره که گذاشت آنرا از سرکشی شکستانند او را خدا و کسیکه طلب کند راه را در غیر آن کتاب
گمراه کند او را خدا او ریسمان خدا است محکم و او هست بنصحا حکمت و او هست راه راست
او هست آنکه تغییر داده نمیتوانند او را اهل هوا و مختلط نمیشود با او زبانها و سیر نمیشوند از و علما
و کهنه نمیشود از بسیار تکرار و تمام نمیشود عجائب او او هست آنکه توقف نکردند جن وقتیکه
شنیدند آنرا تا آنکه گفتند هر آئینه ما شنیدیم قرآن عجیب را که دلالت میکند براه راست پس ایمان
آوردیم کسیکه سخن کرد بآن راست گفت و کسیکه عمل کرد بآن ثواب داده شد و کسیکه حکم کرد

۱۹

کرد بآن انصاف کرد وکسیکه خواند بطرف او هدایت کرده شد براه راست روایت کرده است این را ترمذی وگفته این حدیث غریب است و در روایت از ابو الدردا رسانیده برسول خدا که فرمود آنچه حلال کرده است خدا در کتاب خود پس آن حلال است و آنچه حرام کرده است پس آن حرام است و آنچه سکوت ورزیده است از آن پس آن عفو است پس قبول کنید از خدا عفو او را پس هر آئینه خدا نیست که فراموش میکند چیزی را باز خواند و نیست پروردگار تو فراموش کننده روایت کرده است این را بزاز و ابن ابی حاتم و طبرانی و در روایت از ابن مسعود رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود بیان کرده است خدا مثالی را راه راست بر هر دو طرف آن راه دو دیوار در آن دو دیوار دروازها گشاده شده و بر آن دروازها پردها افگنده شده و نزد سر راه خواننده است که میگوید برابر آئید براه و کج نشوید و بالای آن خواننده است که میخواند هرگاه که قصد کند بنده آنکه کشاید چیزی را ازین دروازها گوید او افسوس است ترا مکشا دروازه را پس هر آئینه اگر کشادی داخل شوی در آن باز تفسیر کرد آن مثال را پس خبر داد آنکه آن راه اسلام است و آنکه دروازها حرام کرده خداست و پردها افگنده شده حدهای خداست و خواننده بر سر راه قرآن است و خواننده از بالای او وعظ خداست در دل هر مومن روایت کرده است این حدیث را رزین و روایت کرده است این را ترمذی و نواس بن سمعان مانند آن و در روایت از عائشه رض گفت او خواند رسول خدا صلی الله علیه وسلم او است آنکه نازل کرده است بر تو کتاب بعضی از آن آیات واضح المعنی است پس خواند تا قول او و پند نمیگیرد مگر صاحبان خرد گفت عائشه فرمود او پس وقتیکه ببینند کسانی را که پیروی متشابهات قرآن میکنند پس آنان کسانند که نام نهاده است ایشان را خدا پس بترسید از ایشان اتفاق کرده شده است بر این حدیث و روایت است از عبد الله بن مسعود رض گفت او خط کشید برای ما رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود این راه خداست باز کشید خطها از طرف راست و چپ او و فرمود این راهها است بر هر راه

۲۱

از آن شیطان است که میخواند مردمان را بآن راه و خواند و هر آئینه این راه ماست برابر پس پیروی
کنید آنرا و پیروی راهها مکنید پس پراگنده کنند شمارا از راه خدا این حکم کرده است شمارا تا که
پرهیزگار شوید روایت کرده است این حدیث را احمد و دارمی و نسائی و روایت است از
از ابوهریره که گفت او بود مردمان از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه وسلم نوشته میکردند از توریت پس ذکر
کردند این را برسول خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود هر آئینه جاهل ترین اهل جهالت و گمراه ترین اهل
ضلالت قومیست که رو گردانی کردند از چیزیکه آمده است بآن پیغمبر ایشان بایشان بطرف
نبی غیر نبی ایشان و بطرف امتی غیر امت خود باز نازل کرد خدا آیا کافی نیست ایشانرا آنچه
ما نازل کردیم بر تو کتابیکه خوانده میشود بر ایشان هر آئینه درین البته رحمت و پند است مر قومی را
که ایمان می آرند روایت کرده است این حدیث را اسماعیلی و در معجم خود ابن مردویه و روایت
است از عبدالله بن ثابت بن حارث انصاری که گفت او در آمد عمر به پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بکتابیکه
که در آن بعض از توریت بود پس گفت عمر این کتاب را گرفتم از مردی از اهل کتاب بعرض
میکنم آنرا بر تو پس متغیر شد روی مبارک رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نازل شود موسی و تابع
داری گردید او را و گذاشتید مرا گمراه خواهید شد من حصه شما ام از پیغمبران و شما حصه منید از امتها
روایت کرده است این حدیث را عبدالرزاق و ابن سعد و حاکم در کنی باب در بیان حقوق نبی صلی الله علیه وسلم
و قول خدا تعالی ای مومنان فرمانبرداری کنید خدا را و فرمانبرداری کنید رسول را و صاحبان
امر را تا آخر آیه و قول خدا تعالی و برپا کنید نماز را و بدهید زکوة را و فرمانبرداری پیغمبر کنید
تا که رحم کرده شوید و قول خدا تعالی و آنچه بدهد شمارا رسول پس بگیرید آنرا و آنچه نهی کند شمارا
از آن پس نهی شوید از آن تا آخر آیه و روایت است از ابوهریره رض که گفت او فرمود رسول خدا
صلی الله علیه وسلم امر کرده شده ام که جنگ کنم با مردمان تا که گواهی دهند آنکه نیست لائق عبادت مگر خدا و
ایمان آرند بمن و بآنچه آمدم بآن پس چون کنند این را نگاه کرده اند از من خونهای خود را و مالهای خود را
مگر بحق آن کلمه و حساب ایشان بر خدا تعالی است ذکر کرده است این را مسلم و بخاری

از انس رض گفت او فرمود محمد صلی الله علیه وسلم سه خصلت است کسیکه باشد آن هر سه در وی

یابد شیرینی ایمان را آنکه باشد خدا و رسول او دوست تر با و از آنچه غیر ایشانست و آنکه دوست

دارد آدمی را دوست نمیدارد او را مگر برای خدا و آنکه ناخوش میدارد رجوع کردن در کفر

بعد از آنکه خلاص کرد او را خدا از آن چنانچه ناخوش میدارد آنکه افگنده شود در دوزخ

و مر هر دو روایت از انس رسیده برسولخدا ایمان نمی آرد یکی از شما تا آنکه شوم من دوست

تر به او از پسر او و مادر او و پدر او و مردمان همه و روایت است از مقدام بن معدیکرب کندی

رض آنکه رسولخدا صلی الله علیه وسلم فرمود نزدیک است که باشد آدمی تکیه کننده بر تخت خود و شنوانیده

میشود او بحدیثی از حدیث من پس گوید در میان من و در میان شما کتاب خدای غالب و

بزرگ است پس آنچه یابیم درو از حلال حلال شماریم آنرا و آنچه یابیم از حرام حرام شماریم آنرا

خبردار و هر آینه آنچه حرام کرده است رسولخدا مانند آنست که حرام کرده است خدا روایت

کرده است این حدیث را ترمذی و ابن ماجه باب در بیان باعث کردن رسولخدا صلی الله علیه وسلم

بر لازم گرفتن سنت و ترغیب در آن و گذاشتن بدعات و تفرق و خلاف و ترسانیدن ما

از آن و قول خدای بلند هر آینه تحقیق هست شما را در رسولخدا پیروی نیک کسی را که توقع

میداشت ثواب خدا و توقع میداشت روز آخر و یاد کرد خدا را بسیار و قول خدای بلند

هر آینه کسانی که پراگنده کردند دین خود را و گروه گروه شدند نیستی از ایشان در هیچ حساب تا

آخر آیه و قول خدای بلند مقرر کرد برای شما از آئین آنچه امر کرده بود باقامت آن نوح را

و آنچه وحی فرستادیم بسوی تو و آنچه امر کردیم باقامت آن ابراهیم و موسی و عیسی را باین

مضمون که قائم کنید دین را و متفرق مشوید در آن تا به آخر آیه و روایت است از عرباض

بن ساریه رض که گفت او وعظ کرد ما را رسولخدا صلی الله علیه وسلم وعظی کامل جاری شد از آن چشمها

و ترسید از آن دلها پس گفت گوینده گویا این وعظ جدائی کننده است پس چیست آنچه وصیت

میکنی ما را آن پس فرمود وصیت میکنم شما را به پرهیزگاری خدا و به شنیدن حکم امیر فرمانروا

۲۲

اگر چه باشد او غلام حبشی پس هر آئینه شان این است که هر که زنده ماند از شما پس از من پس خواهد
دید اختلاف بسیار را پس لازم گیرید سنت مرا و سنت خلفا راه یابندگان هدایت کرده شدگان را
چنگ زنید بآن و بگزید آن را به دندانها و نگاه دارید خود را از کارهای نو پیدا پس هر آئینه
هر نو پیدا بدعت است و هر بدعت گمراهی است روایت کرده است این حدیث را ابو داود و
ترمذی و صحیح کرده است این را و ابن ماجه و در روایتی است گذاشتم شما را بر راه سفید که شب
آن مانند روز است کج نمیشود از آن مگر هلاک شده ازل کسیکه
ماند از شما پس خواهد دید اختلاف بسیار پس از زیان کرد حدیث را مانند آن و در مسلم است از
جابر رضی الله عنه که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم هر چه پس از حمد است پس بهترین سخن کتاب خدا است
و بهترین طریقه طریقه محمد است و بدترین کارها نو پیدای آنست و هر بدعت گمراهی است و در
بخاری است از ابو هریره که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم همه امت من داخل خواهند شد
به بهشت مگر کسیکه انکار کرد گفته شد و کیست آنکه انکار کرد فرمود کسیکه فرمانبرداری من کرد
داخل شود به بهشت و کسیکه نافرمانی من کرد پس تحقیق انکار کرد و در بخاری و مسلم است از انس
که گفت او آمد سه نفر بزنان رسول خدا صلی الله علیه و سلم سوال میکردند از عبادت رسول خدا پس چون
خبر شدند بآن گویا ایشان کم دانستند آن را پس گفتند کجا هستیم ما از رسول خدا صلی الله علیه و سلم و حال
آنکه بخشیده است او را خدا آنچه پیش گذشته است از گناه او و آنچه پس است پس گفت یکی
از ایشان هر چه هستم پس نماز خوانم در شب همیشه و گفت دیگر من روزه گیرم در روز همیشه و افطار
نمیکنم و گفت دیگر من کناره میشوم از زنان پس نکاح نمیکنم همیشه پس آمد رسول خدا صلی الله علیه و سلم بایشان
پس فرمود شما آنانید که گفته اند چنین و چنان خبردار باشید پس هر آئینه من ترسنده ترین شما
ام مر خدا را و پرهیزگارترین شما ام مر او را لکن من روزه میگیرم و افطار میکنم و نماز می
خوانم و خواب میکنم و نکاح میکنم با زنان پس کسیکه نفرت کند از سنت من پس نیست از
من و از ابو هریره رضی الله عنه از آنکه پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم فرمود پیدا شده است اسلام غریب

٢٣

گمراه گردد و غریب چنانچه پیدا شده است روایت کرده است این حدیث را مسلم و روایت از عبدالله
بن عمرو که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم مومن نیست یکی از شما تا آنکه شود هوای او تابع چیزی را
که آمده ام من با آن روایت کرده است این حدیث را البغوی در شرح السنه و صحیح کرده است آن را
نووی ... و روایت است که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم البته بیاید بر امت من چنانچه آمده بود بر بنی
اسرائیل مانند برابری پیزار به پیزار تا آنکه اگر بود در میان ایشان کسیکه می آمد مادر خود را علانیه
باشد در امت من کسیکه کند آن را و هر آئینه بنی اسرائیل متفرق شدند به هفتاد و دو فرقه
که متفرق شود امت من بر هفتاد و سه راه همه ایشان در دوزخ باشند مگر یک گروه گفتند
کدام است آن گروه ای رسول خدا فرمود آنچه من و اصحاب من برآنند روایت کرده است آن را
ترمذی و مسلم است از ابوهریره رسیده برسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه خواند بسوی راه راست هست مر او را
از ثواب مانند ثواب های کسیکه پیروی او کرد ناقص نمیکند از ثوابهای ایشان چیزی را و کسیکه
خواند بطرف گمراهی هست بر او از گناه مانند گناهان کسیکه پیروی او کرد ناقص نمیکند آن از گناهان
ایشان چیزی را و روایت است از ابو مسعود انصاری که گفت آمد یک شخص برسول خدا صلی الله علیه وسلم
شان این است که ماند کرده شده ام پس سوار کن مرا پس فرمود رسول الله نیست نزد من پس گفت
یک شخص ای رسول خدا من دلالت خواهم کرد او را بر کسیکه سوار کند او را پس فرمود رسول
الله کسیکه دلالت کند بر نیکی پس او را مانند ثواب کننده است و روایت است از عمرو بن عوف
برسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه زنده کند سنتی از سنت من که مرده شده باشد پس از من پس هر آئینه مر او را
است از ثواب مانند ثواب کسیکه عمل کند بآن ناقص نمیکند از ثوابهای مردمان چیزی را و کسیکه
پیدا کند بدعت که خوش نمیدارد آن را خدا و رسول او پس هر آئینه ...... بر او مانند گناه
کسی است که کند آن را از مردمان ناقص نمیکند آن از گناهان ایشان چیزی را روایت کرده
است این حدیث را ترمذی و حسن گفته است او را و ابن ماجه این لفظ اوست و روایت است
از ابن مسعود رضی الله عنه آنکه او گفت چگونه باشید وقتیکه بپوشد شما را فتنه که پیر شود در آن

۲۴

خورد و پیر شود و در آن کلان و گرفته شود آن سنت بسیر و دو مردمان بر آن پس وقتیکه تغیر
داده شود از آن چیزی گفته شود تغییر داده شد سنت گفته شد کی باشد آن ای ابا عبد
الرحمن گفت وقتیکه بسیار شود قاریان شما و کم شود فقیهان شما و بسیار شود امیرهای شما و کم شود
امینان شما و طلب کرده شود دنیا بعمل آخرت و طلب علم شود برای غیر دین روایت
کرده است این حدیث را دارمی و از زیاد بن حدیر است که گفت او فرمود مرا عمر آیا می شناسی که
چه چیز ویران میکند اسلام را گفتم نه فرمود او ویران میکند او را لغزش عالم و مجادلهٔ منافق
به کتاب و حکم پادشاهان گمراه کننده روایت کرده است این حدیث را هم دارمی و روایت است از
حذیفه رض که گفت او هر عبادت که نکرده باشد آنرا اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس نکنید آنرا پس هر آینه
اول نگذاشته است آخر را جای سخن پس بترسید از خدا ای گروه قاریان و بگیرید عبادات از
کسانیکه پیش از شما بودند روایت کرده است این حدیث را ابوداود و روایت است از ابن مسعود رض
گفت او کسیکه اقتدا کننده باشد پس اقتدا کند بکسیکه بتحقیق مرده است پس هر آینه زنده
گمان ایمن ماندن نمیشود بر او از فتنه ایشانند اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم بودند بهترین این امت نیکو
ترین امت از روی دل و نیز ترین ایشان از روی علم و کمترین ایشان از روی تکلیف
برگزیده بود ایشانرا خدای تعالی بصحبت نبی خود صلی الله علیه وسلم و برای راست کردن دین خود پس
بشناسید ایشانرا افضل ایشان و بروید بر قدمهای ایشان و چنگ زنید بآنچه می توانید از
اخلاق ایشان و خوی ایشان پس بتحقیق ایشان بودند بر راه راست روایت کرده است
این حدیث را رزین و روایت است از عمرو بن شعیب از پدر خود از جد او که گفت او شنید رسول خدا
صلی الله علیه وسلم اختلافی قومی در قرآن پس فرمود جز این نیست که هلاک شدند کسانیکه پیش از شما بودند
باینکه زدند بعض کتاب خود را ببعض و جز این نیست که نازل شده است کتاب خدا تصدیق
میکند بعض او بعض را پس تکذیب مکنید بعض او را ببعض پس آنچه دانید از آن پس گوئید
آنرا و آنچه ندانید پس بسپارید بداننده آن روایت کرده است این حدیث را احمد و ابن ماجه

٢٥

باب در بیان برانگیختن بر طلب علم و کیفیت طالب درین باب ست حدیث صحیحین در
عذاب قبر که هر آینه عذاب داده شد میگوید شنیده بودم از مردمان که میگفتند چیزی را پس
میگفتم آنرا و در صحیحین ست از معاویه که رسول خدا صلعم فرمود کسی را که اراده خیر کند خدا از برای
میکند او را دانا در دین و در صحیحین ست از ابو موسی رض که گفت او فرمود رسول خدا صلعم مثال آنچه
فرستاده است مرا خدا بآن مانند باران بسیار است که رسید زمینی را پس باشد از آن یک قطعه
خوب جذب کند آب را پس برویاند گیاه خشک و تازه بسیار و باشد از آن یک قطعه سخت که
نگاه کند آب را پس نفع رساند خدا بآن مردمان را پس بنوشند آنرا و بنوشانند و زراعت
کنند و رسید از آن زمین یک قطعه دیگر را جز این نیست که آن هموار است نه نگاه میکند
آب را و نه میرویاند گیاه را این است مثال کسیکه زیرک شد در دین خدا و نفع رسانید
او را آنچه فرستاده است مرا خدا بآن پس دانست و آموخت و مثال کسیکه بالا نکرد بآن سر را و
قبول نکرد هدایت خدا را آنچه فرستاده شدم بآن و در صحیحین است از عائشه رسیده برسول خدا که
که ببینید کسانرا که پیروی میکنند متشابهات قرآن را پس ایشان آنانند که نام نهاده است ایشانرا
راخدا پس بترسید از ایشان و روایت است از ابن مسعود رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم
نبود هیچ پیغمبر که فرستاده بود او را خدا در امت خود مگر بود او را از امت او دوستان و یاران
که میگرفتند سنت او را و اقتدا میکردند بامر او باز هر آینه [illegible] است که پیدا میشدند پس
[illegible] نیان [illegible] میگفتند آنچه نمیکردند و میکردند آنچه [illegible] پس کسیکه جهاد کند
با ایشان بدست خود پس او مومن است و کسیکه جهاد کند با ایشان بزبان خود پس او مومن
ست و کسیکه جهاد کند بدل خود پس او مومن است و نیست پس ازین ایمان بقدر یک دانه سپندان
[illegible] ابو ثعلبه خشنی رسیده برسول خدا که هر آینه خدا فرض کرده است
[illegible] پس ضایع مکنید آنرا و مقرر کرده است حدها پس تجاوز مکنید از آن و حرام
[illegible] چیزها پس [illegible] آنرا و خاموش شده است از [illegible] از روی رحمت بر شما

بامیر غرضی پس بحث نکنید از آن انجه نهی ست حسن روایت کرده ست این را دارقطنی و غیر
او و در صحیحین ست از ابو هریره رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود آنچیزی که منع کنم شما را از آن
پس پرهیز کنید از آن و آنچیزی که امر کنم شما را آن پس بیائید بان هر قدر که توانید پس جز این
نیست که هلاک شد کسیکه بود پیش از شما بسبب بسیار سوالها و اختلاف بر انبیا خود و در روایت
ست از ابن مسعود رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم خوش دارد خدا بنده را که شنید
سخن ما را و یاد کرد آنرا و نگهداشت آنرا و رسانید آنرا پس بسا بردارنده علم زیرک نباشد و
بسا بردارنده علم رساننده باشد بسوی کسی که داناتر باشد از وی سه چیز ست که خیانت نکند در آن
دل مسلمان خالص عمل ست مر خدا را و خیرخواهی مسلمانان را و لازم گرفتن جماعت ایشان ست پس
هر آئینه دعا ایشان میرسد کسی را که پس ایشانند روایت کرده ست این را شافعی و بیهقی و در مدخل
و روایت کرده ست انحدیث را احمد و ابن ماجه و دارمی از زید بن ثابت و در روایت ست از عبد الله
بن عمرو که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم علم دین سه چیز ست آیت محکم ست یا سنت ثابت
یا فریضه برابر ست روایت کرده ست این حدیث را ابو داود و ابن ماجه و در روایت ست از ابن
عباس رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه گوید در قرآن بفکر خود پس باید که تیار کند جای خود را
در دوزخ و در روایتی ست کسیکه گوید در قرآن بغیر علم پس باید که تیار کند جای خود را در
دوزخ و در روایت ست از ابو هریره رض که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه فتوی داده شد
فتوی بی اصل پس جز این نیست گناه او بر کسی ست که فتوی داده ست و کسیکه اشارت کند
بسوی برادر خود به کاری که میداند که بهتر در غیر آنست پس بتحقیق خیانت کرد روایت
کرده ست انحدیث را ابو داود و در روایت ست از معاویه که رسول خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرده ست
از اغلوطات مشکل روایت کرده ست این را ابو داود و در روایت ست از کثیر بن قیس که گفت او
بودم نشسته با ابو الدرداء در مسجد دمشق پس آمد بوی مردی پس گفت ای ابو الدرداء هر آئینه من آمدم
پیش تو از مدینه رسول صلی الله علیه وسلم برای حدیثی که رسیده است بمن از تو که تو بیان میکنی آنرا از رسول خدا صلی الله علیه وسلم

نه آمدم پیش تو برای حاجتی گفت ابوالدردا پس هر آئینه من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم
میفرمود کسی که میرود بر راهی که طلب میکند در آن علم روان کند او را خدا بر راهی از راه
های بهشت و هر آئینه فرشتهها می نهند بازوها خود را برای خوشی طالب علم و هر آئینه عالم
بخشش میخواهد او را کسیکه در آسمان و زمین اند و ماهیان در میان آب و هر آئینه بهتری
عالم بر عابد مانند بهتری ماه چهاردهم است بر همه ستارهها و هر آئینه عالمان وارثان پیغمبرانند
و هر آئینه پیغمبران میراث نگذاشتند دینار و نه درهم را و هر آئینه میراث گذاشتند علم را پس
کسیکه گرفت آنرا گرفت حصه تمام را روایت کرده است این حدیث را احمد و دارمی و ابوداود
و ابن ماجه و در روایتیست از ابوهریره رسیده برسول خدا صلی الله علیه وسلم کلمه دینی گم کرده مومن است پس هر جا
که یافت آنرا پس او سزاوارتر است بآن روایت کرده است این حدیث را ترمذی و گفته غریبست
و ابن ماجه و در روایتیست از علی رض که گفت او فقیه کامل کسیست که نا امید نکند مردمانرا از مهربانی
خدا و نه رخصت دهد ایشانرا در گناهای خدا و نه ایمن کند ایشانرا از عذاب خدا و نگذرد قرآن
را از روی رغبت از آن بغیر آن هر آئینه نیست خیر در عبادت که نباشد علم در آن و نیست خیر
در علمی که نباشد فهم در آن و نیست خیر در قرائت که نباشد فکر در آن و در روایتیست از حسن رض
که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه آمد او را موت در حال آنکه او طلب علم میکند تا که زنده
کند بآن اسلام پس در میان او و در میان پیغمبران یک درجه است در بهشت و روایت کرده است
هر دو حدیث را دارمی

باب

در بیان گرفتن علم روایتیست از ابوالدردا رض که
گفت او بودیم با رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس بالا کرد چشم خود را بطرف آسمان باز فرمود این وقتیست که
ربوده میشود درآن علم از مردمان تا آنکه قدرت نخواهند یافت بر هیچ چیز روایت کرده
این را ترمذی و در روایتیست از زیاد بن لبید رض که گفت او ذکر کرد رسول خدا صلی الله علیه وسلم چیزیرا
پس فرمود این نزدیک وقت رفتن علم است گفتم ای رسول خدا چه طور خواهد رفت علم و ما می
خوانیم قرآن را و می آموزیم پسران خود را و خواهند آموخت پسران ما پسران خود را تا بروز قیامت

گم کند ترا مادر تو آیا نیست این یهود و نصاری که میخوانند توریت و انجیل را و عمل نمیکنند
بچیزی از انچه در آن هر دو ست روایت کرده است اینحدیث را احمد و ابن ماجه و روایت
از ابن مسعود رض که گفت او لازم بگیرید علم را قبل از گرفتن آن و گرفتن آن رفتن اهل آنست
لازم گیرید علم را پس هر آینه یکی از شما نمیداند که کی محتاج خواهند شد بآن یا احتیاج کرده شود بانچه نزد اوست
و شتاب خواهید یافت قومها را که گویند آنکه ایشان میخوانند مردمانرا بکتاب خدا و حال
آنکه انداخته است آنرا بپس پشت خود لازم گیرید علم را و پرهیز کنید از بدعات و از خوض در
لایعنی و لازم گیرید دین قدیم را روایت کرده است اینحدیث را دارمی و در صحیح است از
ابن عمر رسیده برسول خدا که هر آینه خدا قبض نمیکند علم به کشیدن که بکشد آنرا از سینهای مردمان
و لیکن میگیرد علم را بمردن علما تا آنکه نماند عالم بگیرند مردمان پیشوایان نهایت جاهلان پس
سوال کرده شوند بی علم پس گمراه شوند و گمراه کنند و روایت است از علی رض که گفت او فرمود
رسول خدا صلی الله علیه وسلم قریب است آنکه بیاید بر مردمان زمانه که نماند از اسلام مگر نام آن و نماند از قرآن
مگر رسم آن مساجد ایشان آباد باشند و حالانکه خالی باشند از هدایت عالمان ایشان بدترین
کسانند که زیر روی آسمانند از ایشان بیرون میشود فتنه و در ایشان میگردد در روایت کرده
است اینحدیث را بیهقی در شعب الایمان **باب** در بیان تشدید در طلب علم برای ستیزه
کردن و مجادله نمودن روایت است از کعب بن مالک رض که گفت فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم
کسیکه طلب کند علم تا که مقابله کند بآن با علما و تا که مجادله کند بآن با بیخردان یا بگرداند
بآن روی مردمانرا بجانب خود داخل کند او را خدا در دوزخ روایت کرده است اینحدیث را
ترمذی و روایت است از ابو امامه رسیده برسول خدا گمراه نشده است هیچ قوم پس از هدایت که
بودند بر آن مگر چونکه داده شدند جدال باز خواند بیان نکردند آنرا با تو مگر مکابره بلکه ایشان
قومی خصومت کنندگانند روایت کرده است اینحدیث را احمد و ترمذی و ابن ماجه و
روایت است از عائشه رض که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه دشمن ترین مردمان بخدا

۲۹

رواه احمد والترمذی وابن ماجة وعن عائشة رض قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان ابغض الرجال الی الله
الالد الخصم

سخت تیزه کننده است اتفاق شده است بر آن و در روایت است از ابو وائل که دید و [illegible]
از عبد الله که گفت هر کسیکه طلب کند علم برای چهار چیز داخل شود در آتش مانند این چیز
تا که فخر کند بآن با علما یا مجادله کند بآن با بیخبران یا بگرداند بآن روی مردمانرا
بخود یا بگیرد بآن از پادشاهان روایت کرده است این حدیث را دارمی و در روایت است
از ابن عباس رضی الله عنه که گفت مر قومی را که شنید از ایشان که مجادله میکردند در دین آیا
نمیدانید که آنکه خدا را بندگان اند که بر روی افگنده است ایشانرا ترس خدا بغیر کری و گنگی و
هر آینه ایشان البته ایشان اند علما خوشگویان دانشمندگان بزرگان داتایان بوقایع
خدا وقتیکه یاد کنند بزرگی خدا را و عقلهای ایشان شکسته شود و دلهای ایشان و بند
شود زبانهای ایشان تا وقتیکه بهوش آیند از آن شتابی کنند بخدا به کارهای پاک می شمارند
نفسهای خود را با تقصیر کنندگان و هر آینه ایشان اند زیرکان زورآوران و همراه گمراهان
خطاکاران و هر آینه ایشان اند نیکوکاران بیزاران بسیار نمیدانند او را بعبادت بسیار
و راضی نمیشود او را باندک و نمی افگنند بر او عملهای خود را هر جا که یابی ایشانرا باشند هم
ترسندگان بیم کنندگان خوف کنندگان روایت کرده است این حدیث را ابو نعیم گفت
حسن و شنید ابن عباس از قومی که مجادله میکردند پس گفت این قومیست که سست شدند از
عبادت و سبک شده است بر ایشان سخن و کم شده است تقوی ایشان و سخن کردند **باب**
در بیان کم گفتن و گذاشتن تکلف و مبالغه کردن روایت است از ابو امامه رسیده برسول
خدا که حیا و تحیر در سخن دو شاخ است از ایمان و بیحیائی و بیباکی در سخن دو شاخ است از
نفاق روایت کرده است این حدیث را ترمذی و در روایت است از ابو ثعلبه آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود
دوست ترین شما بمن و نزدیک ترین شما بمن در روز قیامت بهترین شماست از روی
اخلاق و هر آینه دشمن ترین شما بمن و دور ترین شما از من بزشت شماست از روی اخلاق
بسیار سخن کنندگان بی باکی کنان در کلام کشاینده گان دهن بسخنان روایت کرده

بیهقی در شعب و ترمذی رست مانند آن از جابر و روایتست از سعد بن ابی وقاص رض که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم قائم نخواهد شد قیامت تا وقتیکه بیرون شوند قومی که بخورند بزبانهای خود چنانچه میخورد گاو بزبان خود روایت کرده است این حدیث را احمد و ابو داود و ترمذی و روایتست از عبد الله بن عمرو رض رسیده برسول[ط] خدا که هر آئینه خدا بد میداند فصیح را از مردمان آنکه میگرداند زبان خود را چنانچه میگرداند گاو زبان خود را روایت کرده است اینحدیث را ترمذی و ابو داود و روایتست از ابو هریره رض که گفت فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه آموخت انواع سخن را که سلب کند بآن دلهای مردان یا مردمان قبول نشود از وی روز قیامت فرض و نه نفل روایت کرده است اینحدیث را ابو داود و روایتست از عائشه رض که گفت بود سخن رسول خدا صلی الله علیه وسلم واضح میفهمید آنرا هر شخصی که میشنید آنرا و گفت عائشه رض بود رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود بار سخن اگر میشمرد آنرا اشمار کننده البته میشمرد آنرا و گفت عائشه رض که رسول خدا نمی راند سخن را مانند راندن شما روایت کرده است ابو داود و بعضی اینحدیث را و روایتست از ابو هریره آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود وقتیکه می بینید آن بنده را که داده شده است او بی رغبتی در دنیا و کم گفتار پس نزدیک شوید از او پس تحقیق او داده میشود حکمت روایت کرده است اینحدیث را بیهقی در شعب الایمان و روایتست از ابو هریره رض که گفت او شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود هر آئینه بعض از بیان جادو است و بعض از علم جهل است و بعض از شعر حکمت است و بعضی از گفتار بار و بال است و روایتست از عمرو بن العاص رض آنکه او گفت روزی و حال آنکه خطبه میگفت شخصی پس گفت عمرو اگر اختصار میکرد در گفتن خود البته بهتر بود او را شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود البته دیدم یا امر کرده شدم آنکه اختصار کنم در سخن پس هر آئینه اختصار همان است بهتر روایت کرده است هر دو حدیث را ابو داود

تمت

والله الموفق والمعین هو حسبی و نعم الوکیل ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

تمت الکتاب بحمد رب العالمین والحمد لله اوله وآخره

٣١

ط یعنی زبان خود را وسیله خوردن کنند و صف مردان کنند باطل را حاصل کنند طریق اند دنیا و فرق درمیان حلال و حرام نکنند چنانچه گاو

بسم الله الرحمن الرحيم

باب در بیان فضیلت اسلام و قول خدا تعالی امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین برای شما و قول خدا تعالی بگو ای مردمان اگر هستید در شک از دین من پس نمی پرستم کسانی را که می پرستید سوای خدا ولیکن می پرستم آن خدا را که میمیراند شما را تا آخر آیة و قول خدا تعالی ای آنانکه ایمان آوردند بترسید از خدا و ایمان آرید به پیغامبر تا بدهد شما را دو حصه از رحمت خود و بدهد شما را نوری که راه روید بآن و تا بیامرزد شما را و خدا آمرزگار مهربانست و در صحیح ست از ابن عمر آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود مثال شما و مثال یهود و نصاری مانند مردیست که بگیرد مزدوری را پس فرمود کیست که کار کند برای من از صبح تا نصف روز بر یک قیراط پس عمل کردند یهود باز فرمود کیست که کار کند برای من از نیم روز تا نماز عصر بر یک قیراط پس عمل کردند نصاری باز فرمود کیست که کار کند برای من از نماز دیگر تا غائب شدن آفتاب بر دو قیراط پس شما آنانید پس بغضب شدند یهود و نصاری و گفتند چیست ما را که بسیار تریم از روی عمل و کمتریم از روی مزد فرمود خدا آیا ناقص کردم شما را از حق شما چیزی گفتند نه فرمود او این مهربانی منست میدهم آنرا بکسی که میخواهم و در صحیح ست هم از ابو هریره رض گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم گمراه کرد خدا از جمعه کسانرا که پیش از ما بودند پس بود مر یهود را روز شنبه و نصاری را روز یکشنبه پس آورد ما را خدا پس هدایت کرد ما را بروز جمعه و همچنین ایشان تابع ما اند در روز قیامت ما پسینان اهل دنیا ایم و پیشینیان در روز قیامت و در صحیح ست بغیر ذکر سند از رسول خدا صلی الله علیه وسلم آنکه او فرمود دوست ترین دینها بخدا دین خالص آسان باخر رسید و روایت از ابی بن کعب گفت او لازم گیرید راه قرآن و سنت پس هر آئینه نیست بنده بر راه و سنت که یاد کند خدا را پس جاری شود دو چشم او از ترس خدا پس که رسد او را آتش و نیست بنده بر راه

وقوله تعالى يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وآمنوا برسوله يؤتكم كفلين من رحمته ويجعل لكم نورا تمشون به ويغفر لكم والله غفور رحيم

عن ابن عمر ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال مثلكم ومثل اهل الكتابين

۳۲

سنت کند و گرگند رحمن را پس موی خیز اند پوست او و از ترس خدا اگر باشد مانند درختی که خشک
شده باشد برگهای او مگر بریزد از وی گناهان چنانچه میریزد از این درخت برگهای او
هر آینه میانه روی در سنت بهتر است از کوشش در خلاف راه و سنت و روایت است از ابو الدرداء
که گفت او ای خوب خواب هوشیاران و روزه خوردن ایشان چگونه خواهش میکنند بیداری
بیخردان را و روزه داشتن ایشانرا هر آینه قدر یک ذره نیکی با تقوی و یقین بزرگتر است و بهتر و بر
گزیده تر از عبادت مغروران باب ۵ بیان وجوب اسلام و قول خدا تعالی و کسیکه طلب
کند سوای اسلام دینی را پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از وی و او در آخرت از زیان کاران است
و قول خدا تعالی هر آینه دین معتبر نزدیک خدا اسلام است و قول او تعالی و آنکه این راه من است راست پس
پیروی آن کنید و پیروی راهها دیگر نکنید پس پراگنده کند شما را از راه وی تا آخر آیت گفته
است مجاهد آن راهها بدعات و شبهه ها است و روایت است از عائشه رض آنکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود
کسیکه نو پیدا کند در این کار ما چیزی را که نباشد از آن پس آن رد است روایت کرده است
این حدیث را بخاری و مسلم و در روایتی است کسیکه کند عملی که نباشد بر آن امر ما پس آن رد است
و مر بخاری راست از ابو هریره که گفت او فرموده است پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم امت من داخل
خواهند شد در بهشت مگر کسیکه انکار کرد گفته شد کیست که انکار کرد فرمود کسیکه پیروی کرد مرا
داخل شود در بهشت و کسیکه نافرمانی کرد پس بتحقیق انکار کرد و در صحیح است از ابن عباس
آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دشمن ترین مردمان بخدا سه شخص است ظلم کننده در حرم و طلب
کننده در اسلام طریقه جاهلیت را و طلب کننده خون مرد مسلمان بنا حق تا که بریزد خون
او را تا داخل شود در آن هر جاهلیت شامل باشد یا مقیدای در شخصی و در شخصی کتابیت باشد
یا وثنیت یا سوای این و از هر مخالفت آنچه آمده است آن پیغمبران و در صحیح است از
حذیفه رض فرمود او ای گروه قاریان راه بروید بر سنت پس بتحقیق پیشی کرده شدید
پس اگر گرفتید راست و چپ را پس بتحقیق گمراه خواهید شد به گمراهی دور از حق و روایت است

٣٤

بن وضاح که بود او داخل شد در مسجد پس استاده شد بر حلقهای مردمان پس گفت
و گفت او خبر داد مارا ابن عیینه از مجاهد از شعبی از مسروق که گفت عبدالله یعنی ابن مسعود
نیست هیچ سالی مگر آن سال که پس آنست بدتر است از آن نگو که سالی ستاره زار تر از
سالی و امیری بهتر از امیری لیکن رفتن علما و بهتران شماست باز پیدا شوند قومهای
که قیاس امور دین کنند بفکرهای خود پس ویران کنند اسلام را باب در بیان تفسیر
اسلام و قول خدا تعالی پس اگر مجادله کنند با تو پس بگو که منقاد کردم روی خود را و کسانی
که پیروی من میکنند مر خدا را الا آخر آیه و در صحیح است از ابن عمر آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود
اسلام آنست که گواهی دهی آنکه نیست لایق عبادت سوای خدا و آنکه محمد رسول خدا است
و قائم کنی نماز را و بدهی زکوة را و روزه رمضان گیری و حج خانه کنی اگر طاقت راه داشته
باشی بآن و در صحیح است از ابوهریره رض مرفوع که مسلمان کسی ست که سلامت باشند مسلمانان
از زبان و دست او و در روایتیست از بهز بن حکیم از پدر خود از جد او و آنکه شان وی هست که
سوال کرده شد رسول خدا از اسلام پس فرمود و آنکه منقاد کنی دل خود را برای خدا و
آنکه بگردانی روی خود را بطرف خدا و آنکه بخوانی نماز فرض کرده شده را و داده کنی
زکوة فرض را روایت کرده است این حدیث را احمد و روایتیست از ابوقلابه از مردی از اهل
شام از پدر خود آنکه شان این ست که سوال کرده شد رسول خدا صلعم که چیست اسلام فرمود
آنکه متوجه کنی دل خود را بخدا و سلامت مانند مسلمانان از زبان تو و دست تو گفت سائل
کدام خصلت اسلام بهتر است فرمود ایمان گفت سائل چیست ایمان فرمود آنکه ایمان آری
بخدا و فرشتگان او و کتابهای او و پیغمبران او و برانگیختن پس از مرگ باب در بیان
قول خدای تعالی و کسیکه طلب کند غیر اسلام دینی را پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از وی و
روایتیست از ابوهریره رض گفت او فرمود رسول خدا صلعم بیایند عملها در روز قیامت
پس بیاید نماز پس گوید ای پروردگار من منم نماز پس گوید خدا همانا تو بر خیری بیاید روزه

بگوید ای پروردگار من منم روزه پس گوید خدا هر آیینه تو بر خیری باز بیاید عملها بر این طور
پس گوید خدا هر آئینه تو بر خیری باز بیاید اسلام پس گوید ای پروردگار من منم اسلام
و توئی اسلام پس گوید خدا هر آئینه تو بر خیری بتو میگیرم امروز و بتو میدهم فرموده است خدا تعالی
وکسیکه طلب کند سوای اسلام دینی را پس هرگز قبول کرده نخواهد شد ازو و او در آخرت
از زیانکارانست روایت کرده است اینحدیث را احمد و در صحیح ست از عائشه رض آنکه رسول
خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه عمل کند عملی که نباشد بر آن حکم ما پس آن رد ست روایت کرده است
این را احمد **باب** در بیان مستغنی شدن به پیروی قرآن از هر ما سوای آن و قول خدا تعالی
و نازل کردیم بتو کتاب را بیان کننده مر هر چیز را روایت کرده است نسائی و غیر او
از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آنکه او دید در دست عمر بن الخطاب رض ورق توریت پس گفت آیا متحیر شدید
ای پسر خطاب البته آوردم شما ملت سفید صاف اگر بود موسی عم زنده جائز نیست او را
الا پیروی من پس گفت عمر راضی شدم بخدا از روی رب و باسلام از روی دین و بمحمد از
روی نبی **باب** در بیان آنچه آمده است در بیرون شدن از دعوی اسلام و قول خدا تعالی
او نام نهاده است شما را مسلمان پیش ازین و درین روایتست از حارث اشعری رض از
رسول خدا صلی الله علیه وسلم آنکه او فرمود امر میکنم شما را به پنج چیز خدا امر کرده است مرا بآن شنیدن
و فرمان بردار کردن و جهاد و هجرت و جماعت پس هر آیینه شان اینست کسیکه جدا شود از
جماعت بقدر یک بلشت پس تحقیق کشید رسن اسلام را از گردن خود مگر آنکه رجوع کند و کسیکه
خواندن کند بخواندن جاهلیت پس هر آیینه او از جماعت دوزخ ست پس گفت شخصی ای
رسول خدا اگر چه روزه گیرد و نماز خواند فرمود اگر چه نماز خواند و روزه گیرد پس بخوانید
بآن خواندن خدا که نام نهاده است شما را بآن ای بندگان خدا مقصود و ارم از آن
مسلمانان و مومنان روایت کرده است اینحدیث را احمد و ترمذی و گفته حسن صحیح ست
و در صحیح ست کسیکه جدا شد از جماعت بقدر یک بلشت پس مردن او بر حالت جاهلیت ست

۳۵

و در صحیح است آیا بخوانند بجاهلیت میخوانید و حال آنکه من در میان شما ام گفته است ابو العالیه
هر آنکه بیرون شود از دعوی اسلام ... قرآن از سنت یا شهر یا مذهب یا طریقه پس آن
از سنت جاهلیت است بلکه بیرون ... کرد مهاجری ... گفت مهاجری از
مهاجرین ... انصاری از انصار ... آیا میخوانید بخواندن جاهلیت
و حال آنکه من در میان شما ام ...
و در حدیث داخل شدن در اسلام ... و گذاشتن ... قول خدای تعالی
کسانیکه ایمان آوردند داخل شوید در اسلام ... آیا ندیدی ...
میگویند آنکه ایشان ایمان آوردند بانچه فرود فرستاده شده بسوی تو و بانچه فرو
فرستاده شده پیش از تو گفته است ابن عباس سفید شود رویهای اهل سنت واتفاق
و سیاه شود رویهای اهل بدعت و اختلاف و روایت است از عبد الله بن عمر رض گفت او
فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم ... بنی اسرائیل مانند برابر
پیزار با پیزار تا آنکه اگر باشد در ایشان کسیکه می آید با در خود آشکارا باشد در امت من کسیکه
اینکار کند و هر آینه بنی اسرائیل متفرق شدند بهفتاد و دو گروه و متفرق خواهد شد امت من بر
هفتاد و سه گروه همه ایشان در آتش باشند مگر یک گروه گفتند کدام است آنگروه ای پیغمبر
خدا فرمود آنچه من بر آنم و اصحاب من ای تعجب در این حدیث را از روی پند اگر موافق
شود از دلها زندگانی روایت کرده است این حدیث را ترمذی و روایت کرده است این
حدیث را نیز از حدیث معاویه احمد و ابو داود و در نسخت هر آینه شان این است که شتاب است
که بیرون خواهد شد در امت من قومی که سرایت کند در ایشان این بدع چنانچه سرایت
میکند گزیدن سگ دیوانه بصاحب خود لیس باقی نمیماند از وی رگی و نه بندی مگر داخل
میشود در آن و پیش گذشته است قول رسول الله صلی الله علیه وسلم یابنده در اسلام طریقه جاهلیت
را **باب** در بیان آنچه آمده است که بدعت سخت تر است از گناهان کبیره از جهت قول خدا

وفیه انه سیخرج من امتی اقوام تتجاری بهم تلک الاهواء کما یتجاری الکلب بصاحبه لا یبقی منه عرق ولا مفصل الا دخله

عزوجل هر آینه خدا نمی بخشد آنکه شریک مقرر کرده شود باوی ومی بخشد چیزیرا که سوای آنست مر کسی را که میخواهد و قول عزوجل و کیست ظالم تر از کسیکه بندد بر خدا دروغ تا گمراه کند مردمانرا بغیر دانش وقول او تعالی تا که بردارند گناهان خود را تمام و از گناهان کسانیکه گمراه کرد ایشانرا بغیر دانش خبردار باشید بد است آنچه برمیدارند و در صحیح است آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم ذکر کرد در حق خوارج هر کجا یابید ایشانرا پس بکشید ایشانرا و در صحیح است آنکه وی صلی الله علیه وسلم منع کرده است از کشتن امیران ظالم تا گمراه شدن ایشان و روایت است از جریر آمد مردی خیرات کرد بخیراتی بازپی در پی صدقه کرد مسلمانان پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه طریقه نهاد در اسلام طریقهٔ خوب پس او راست ثواب آن و ثواب کسیکه عمل کرد بآن پس از وی تا آنکه کم کنند از ثوابهای ایشان چیزیرا و کسیکه طریقه نهاد در اسلام طریقهٔ جاهلیت پس بر وی است گناه آن و گناه کسیکه عمل کرد بر آن نه آنکه ناقص کند او از گناهان ایشان چیزیرا روایت کرده است این حدیث را مسلم و مر مسلم راست از روایت ابو هریره و لفظ آن اینکه کسیکه خواند بهدایت باز فرمود و کسیکه خواند بگمراهی باب

در بیان آنکه بند کرده است خدا توبه را بر صاحب بدعت این مرویست از حدیث انس رضی الله عنه و از مراسیل حسن و ذکر کرده است ابن وضاح از ایوب گفت او بود نزدیک ما مردی که می دید در رای پس گذشت آنرا پس آمدم نزد محمد بن سیرین پس گفتم آیا خبر دارے آنکه فلان گذشت رائی خود را گفت نظر کن بچه چیز رجوع کرده است هر آینه آخر حدیث سخت تر است بر ایشان از اول حدیث خارج شوند از اسلام باز نخواهند گشت بآن و سوال کرده شد احمد بن حنبل از معنی این حدیث پس گفت توفیق داده نمیشود او توبه را باب

در بیان قول خدا تعالی ای اهل کتاب چرا مکابره میکنید در ابراهیم تا قول خدا و نبود و از مشرکین و قول او تعالی و کیست که بگردد از ملت ابراهیم مگر کسیکه نشناخته است نفس خود را والبته برگزیدیم او را در دنیا و هر آینه او در آخرت از نیکوکاران است و درین باب است

خوارج و پیش گذشت و در صحیح است آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود آل ابی فلان نیستند دوستان من جز این نیست دوستان من پرهیزگارانند و در صحیح است همچنین از انس آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم ذکر کرده شد او را آنکه بعض صحابه گفت اما من پس نمیخورم گوشت را و گفت دیگری اما من پس قیام شب میکنم و خواب نمیکنم و گفت دیگری اما من پس نکاح نمیکنم با زنان و گفت دیگری اما من پس روزه میگیرم و افطار نمیکنم پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم لکن من قیام شب میکنم و خواب میکنم و روزه میگیرم و افطار میکنم و زنان میگیرم و میخورم گوشت را و کسیکه نفرت کرد از سنت من پس نیست از من پس تامل کن وقتیکه بعض صحابه اراده انقطاع کردند مر عبادت را فرموده شد در حق او این کلام سخت و مسمی کرد فعل او را نفرت از سنت پس چیست گمان تو بغیر این از بدعات و چیست گمان تو بغیر صحابه رضی الله عنهم

باب در بیان قول خدای تعالی پس برابر کن روی خود را برای دین مائل از همه ادیان باطله لازم گیرید دین خدا را آن دین که پیدا کرده است مردمان را بر آن بدل نکنید دین خدا را ولکن اکثر مردمان نمیدانند و قول او تعالی وصیت کرد بآن ابراهیم پسران خود را و یعقوب ای پسران من هر آئینه خدا برگزیده است شما را دین پس نمیرید مگر آنکه شما مسلمان باشید و قول او تعالی باز وحی فرستادیم بتو آنکه پیروی کن ملت ابراهیم حنیف را و نبود از مشرکان **و** روایتست از ابن مسعود رضی الله عنه آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود هر آئینه هر نبی را دوستان اند از پیغامبران و هر آئینه دوست من از ایشان پدر من است ابراهیم و خلیل پروردگار من باز خواند هر آئینه نزدیکترین مردمان بابراهیم هر آئینه کسانند که پیروی او کردند و این نبی است و کسانند که ایمان آوردند و خدا دوست مومنان است روایت کرده است این حدیث را ترمذی **و** روایتست از ابو هریره رضی الله عنه که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه و سلم هر آئینه خدا نمی بیند بصورتهای شما و نه بمالهای شما ولکن می بیند بدلهای شما و عملهای شما **و** در صحیحین است از ابن مسعود رضی الله عنه که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه و سلم من

۳۸

باب قول الله تعالى فاقم وجهك للدين حنيفا فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون وقوله تعالى ووصى بها ابراهيم بنيه ويعقوب يا بني ان الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن الا وانتم مسلمون وقوله تعالى ثم اوحينا اليك ان اتبع ملة ابراهيم حنيفا وما كان من المشركين وعن ابن مسعود ان رسول الله صلعم قال ان لكل نبي ولاة من النبيين وان وليي ابي وخليل ربي ثم قرأ ان اولى الناس بابراهيم للذين اتبعوه وهذا النبي والذين آمنوا والله ولي المؤمنين رواه الترمذي وعن ابي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله لا ينظر الى صوركم واموالكم ولكن ينظر الى قلوبكم واعمالكم ولهما عن ابن مسعود قال قال رسول الله

پیش خانه شما ام بر حوض و هر آینه بر داشته شود بمن مردمانی از امت من تا آنکه قصد کنم
که بدهیم ایشانرا در پرده شوند از طرف من پس گویم ای پروردگار من اصحاب من اند پس
گفته شود هر آینه تو نمیدانی چه پیدا کردند پس از تو و مر صحیحین راست از ابی هریره رضی آنکه
رسول خدا صلعم فرمود دوست میدارم آنکه ما ببینیم برادران خود را گفتند اصحاب آیا
نیستیم ما برادران تو ای رسول خدا فرمود شما یاران ما اید و برادران ما آنانند که نیامده
اند هنوز گفتند پس چگونه شناسی کسی را که نیامده است هنوز از امت خود فرمود خبر دهید
مرا اگر مردی باشد او را اسپان سفید پیشانی دپای در میان اسپان سیاه نهایت
سیاه آیا نخواهد شناخت اسپان خود را گفتند آری پس هر آینه ایشان بیایند سفید
پیشانی و سفید دست سفید پای از اثر وضو و من پیش خانه ایشانم بر حوض خبردار
البته منع کرده شود مردان در روز قیامت از حوض من چنانچه منع کرده میشود
شتر گم شده آواز دهم ایشانرا خبردار بیایید پس گفته شود هر آینه ایشان بدل کردند
دین را پس از تو پس گویم باد ایشانرا لعنت و مر بخاری راست در آمنیان من ایستاده
بودم ناگاه گروهی بود تا آنکه شناختم ایشانرا بیرون رفت مردی در میان من و
ایشان پس گفت بیایید پس گفتم بکجا گفت بسوی آتش قسم بخدا گفتم چیست
حال ایشان فرمود هر آینه ایشان مرتد شدند پس از تو بر پشتهای خود گردنده بر پاشنها
باز ناگاه گروهی بود پس ... کردند مانند آن فرمود پس نمی بینم او را خلاص شود از ایشان
مگر مانند گم شدگان شتران و مر صحیحین راست در حدیث ابن عباس پس گویم چنانچه
گفته است بنده صالح و بودم من بر ایشان گواه تا وقتیکه بودم در ایشان پس چون
قبض کردی مرا بودی تو نگهبان و تو بر همه چیز گواهی و مر صحیحین راست از ابن
عباس رضی مرفوعا نیست هیچ زائیده که زائیده میشود مگر بر اسلام پس مادر و پدر او یهودی
میگردانند او را یا نصرانی یا مجوسی چنانچه میزاید چارپا چارپای درست اندام

آیتن باید و آن هیچ گوش بریده تا که شوید شما...... گوش میبرید او را باز خواند

ابوهریره لازم گیرید دین خدا را آنکه پیدا کرده است مردمان ایران روایت کرده است

انحدیث در صحیحین تخریج روایت از حذیفه رض گفت بودند مردمان که می پرسیدند

رسول خدا را علیه السلام از خیر و من می پرسیدم او را از شر از ترس آنکه بیاید مرا پس گفتم ای

رسول خدا هر آینه ما بودیم در جاهلیت و شر پس آورد ما را خدا این خیر پس آیا هست بعد

ازین خیر هیچ شر فرمود آری پس گفتم و آیا هست پس بعد ازین شر خیر

و در آن دود است گفتم و چیست دود وی فرمود قومی باشند که عمل کنند به غیر سنت

من و بروند بغیر طریقه من نیک و بد بینی از ایشان گفتم آیا هست پس از آن خیر شر

فرمود بلی فتنه باشد سخت و خوانندگانند بر در دوزخ هر که اجابت کرد ایشان را

انداخت او را در دوزخ گفتم ای رسول خدا بیان کن حال ایشان را ما را فرمود

قومی ست از گروه ما و سخن گویند بزبانهای ما گفتم ای رسول خدا چه حکم است مرا اگر

یافتم ایشان را فرمود لازم گیر جماعت مسلمانان را و امام ایشان را گفتم پس اگر نباشد ایشان را

جماعتی و نه امامی فرمود پس کناره شو ازین گروهها همه آن را اگرچه

تا آنکه بیاید بتو مرگ و تو بر این حال باشی روایت کرده است این حدیث را در صحیحین

و زیاده کرده است مسلم باز چه چیز است فرمود باز بیرون شود دجال با او نهری باشد

و دوزخ پس کسیکه افتاد در دوزخ او واجب شد اجر او گفتم باز چه چیز است فرمود باز

قیام قیامت ست گفته است ابوالعالیه بیاموزید اسلام را پس چون آموختید آنرا

پس نفرت نکنید از آن و لازم گیرید راه برابر را پس هر آینه آن اسلام است و مگردید

از راه بطرف چپ و نه بطرف راست و لازم گیرید سنت نبی خود را و دور کنید ازین

خواهشها تا آخر بعید کلام او فکر کن در کلام ابوالعالیه... که این است چه قدر بزرگ است

او و عالم ترین زمانه خود است آن زمانه که میترسانید در آن از آن خواهشها کسیکه

پیروی آن کرد پس تحقیق نفرت کرد از اسلام و در تفسیر اسلام بسنت و ترسیدن بر اعلام
تابعین و علما ایشان از بیرون شدن از سنت و کتاب واضح شود ترا معنی قول او
تعالی و هنگیکه گفت او را پروردگار او منقاد شو و قول او تعالی و وصیت کرد بآن ابراهیم
پسران خود را و یعقوب هم ای پسران هر آئینه خدا برگزیده است برای شما دین را پس نمیرید
مگر مسلمان و قول او تعالی و کیست که نفرت کند از ملت ابراهیم مگر کسیکه نشناخت نفس خود را و
مانند این اصول کلان آنکه آن اصل اصول اند و مردمان از آن در غفلت اند و بشناختن
آن واضح شود معنی احادیث در این باب و امثال آن و اما آن آدمی که میخواند آن احادیث
را و مانند آن و حال آنکه او آرام کننده باشد که آن نمیرسد باو و می پندارد و آنرا در قومے
که بودند پس ایمن شدند از مکر خدا پس ایمن نمیشود از مکر خدا مگر گروه زیان کاران و روایت
ست از ابن مسعود گفت خط کشید ما را رسول خدا صلی الله خطی باز فرمود این ست دین خدا باز خط
کشید خطها از طرف راست او و از طرف چپ و باز فرمود اینست راه ها بر هر راه از این شیطان
ست که میخواند بطرف آن راه و خواند و هر آئینه این راه من ست برابر پس تابعداری او کنید و
پیروی نکنید راهها را پس پراگنده کند شما را از راه خدا روایت کرده است این حدیث را
احمد و نسائی باب در بیان آنچه آمده است در غربت اسلام و فضیلت غربا و قول خدای تعالی
پس چرا نشدند از آن قرنها که پیش از شما بودند اهل خرد که منع کنند از فساد در زمین الا اندکی
از آن جماعت که خلاص ساختیم ایشان را از میان ایشان تا آخر آیه و روایت از ابو هریره مرفوعا
پیدا شده است اسلام غریب و از زود است که بگردد غریب چنانچه پیدا شده بود پس خوشی ست
غربا را روایت کرده است این حدیث را مسلم و روایت کرده است این حدیث را احمد از حدیث
ابن مسعود و در این حدیث ست که گفت غربا فرمود کشیده شدگان از قبیلها و آنکه اصلاح
میکنند و قتیکه فساد کنند مردمان و مر ترمذی راست از روایت کثیر بن عبد الله از پدر
خود از جد او خوشی ست غربا را آنکه اصلاح میدهند چیزی را که فاسد کردند مردمان از سنت

سن و روایت ست از ابو امامه که گفت او سوال کردم ابو ثعلبه را چه میگوئید درین آیهای کسانیکه
ایمان آورده اند لازم گیرید نفسهای خود را ضرر نمیرساند شما را کسیکه گمراه شده است وقتیکه راه یافته
شما گفت وآگاه باش قسم بخدا البته تحقیق سوال کردم ازین آیت عالم را سوال کردم رسول
خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود بلکه امر کنید به نیکی و منع کنید از بدی تا وقتیکه ببینید بخل اطاعت کرده
شده را و خواهش پیروی کرده شده را و دنیای برگزیده شده را و خوشی هر صاحب رای را
برای خود پس لازم گیرید نفس خود را و بگذارید عوام را پس هر آئینه پس از شما روزها اند صبر
اندران روزها مانند در مشت گرفتن انگشت مر عامل را در آن روزها ثواب پنجاه آدم است
که عمل کننده مانند عمل شما گفتیم پنجاه آدم از ما یا از ایشان فرمود بلکه از شما روایت کرده است
اینحدیث را ابوداود و ترمذی و روایت کرده است ابن وضاح مثل اینحدیث را از روایت
ابن عمر و لفظ آن اینکه هر آئینه پس از شما روزها اند صبر کننده را در آن، در آنها چنگ زننده بدین
خود باشند آنچه شما اید بر آن امروز مر او را ست ثواب پنجاه شخص از شما بار گفت خبر کرد ما را
محمد ابن سعید خبر داد ما را اسد که گفت سفیان بن عیینه از اسلم بصری از سعید برادر حسن مرفوع
میکرد اینحدیث را که فرمود رسول خدا هر آئینه شما امروز بر حجتی است از پروردگار خود امر میکنید
به نیکی و منع میکنید از بدی و جهاد میکنید در راه خدا و ظاهر نشده است در شما مستی
جهل و مستی حب عیش و شتاب است که بگردید ازین حالت پس تمسک کننده آنروز به کتاب و سنت
مر او راست ثواب پنجاه گفته شد از ایشان فرمود بلکه از شما و ابن وضاح است از معافر
که گفت او گفت رسول خدا صلعم خوشی است غریبان را آن غریبان که چنگ میزنند بکتاب وقتیکه
ترک کرده شود و عمل میکنند بسنت وقتیکه فرو نشانده شود و باب در بیان ترسانیدن از
بدعات و روایت ست از عرباض بن ساریه گفت او وعظ کرد ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم وعظ
تمام گفتیم ما گویا که این وعظ وداع کننده است پس وصیت کن ما را فرمود او وصیت میکنم
شما را بتقوی خدا عزوجل و بشنیدن و پیروی کردن و اگرچه امیر شود بر شما غلام حبشی و هر آئینه شما

کسیکه ماند از شما پس نزدیک است که ببیند اختلاف بسیار پس لازم گیرید سنت مرا و سنت خلفاء راه
یابندگان هدایت شده گانرا بدندان آسیا گزید آنرا و پرهیز کنید از کارهای نو پیدا پس هر آینه
هر بدعت گمراهی ست گفته است ترمذی حدیثی ست حسن صحیح و روایت است از حذیفه رض گفت
او هر عبادتی که عبادت نکرده است آنرا اصحاب محمد پس نکنید آن عبادت را پس هر آینه اول
نمانده است مر آخرین جای گفتن پس بترسید از خدای گروه قاریان و بگیرید راه آنانکه پیش از
شما بودند روایت کرده است این حدیث را ابو داود و گفته است دارمی خبر داد ما را حکم بن
مبارک خبر داد ما را عمرو بن یحیی گفت او شنیدم از پدر خود که روایت میکرد از پدر خود
گفت او بودیم ما می نشستیم بر در دروازه ابن مسعود پیش از نماز صبح پس چون بیرون می آمد
رفتیم با وی تا مسجد پس آمد پیش ما ابو موسی اشعری پس گفت آیا بیرون آمده است ابو عبد
الرحمن گفتیم نه پس نشست با ما پس چون بیرون آمد وی گفت ابو موسی ای ابا عبد الرحمن
هر آینه من دیدم در این وقت در مسجد کاری را که بد دیدم آنرا ... و حمد خدا راست مگر
خیر گفت پس چیست آن پس گفت اگر زنده ماندی پس زود است که ببینی آنرا گفت دیدم
در مسجد حلقه های نشسته انتظار نماز میکردند در هر حلقه مردی بود و در دست ایشان
ایشان سنگریزه ها بود پس میگفت تکبیر گوئید صد بار پس تکبیر میگفتند صد بار پس میگفت تسبیح
گوئید صد بار پس تسبیح میگفتند صد بار پس میگفت لا اله الا الله گوئید صد بار پس لا اله الا
الله میگفتند صد بار گفت ابن مسعود پس چه گفتی ایشانرا گفت ابو موسی نگفتم ایشانرا چیزی
انتظار رای تو میکردم گفت او پس چرا امر نکردی ایشانرا آنکه بشمارند گناهان خود را و
ضامن میشدی که ضایع نشود از نیکیهای ایشان چیزی باز گذشت تا آنکه آمد حلقه
ایشان پس گفت چیست این گفتند او را سنگریزه است میشماریم به آن تکبیر و تسبیح را
فرمود پس بشمارید گناهان شمارا پس من ضامنم که ضایع نکنند از حسنات شما چیزی را
افسوس است شمارا ای امت محمد چه قدر شتاب است هلاکت شما اینست اصحاب پیغمبر شما

۴۳

+ یا ابا عبد الرحمن

پس ایستاد بر ایشان

بسیار روایت ست جامه های او که کهنه شده است و آوندهای ایشان ست که شکسته شده
است قسم بآن ذات که نفس من بدست اوست شما بر طریقه هستید که سوای طریقه محمدست
و کشایندگان دروازه گمراهی هستید گفتند قسم بخدا ای ابا عبد الرحمن اراده نکرده ایم مگر
خیر گفت بسیار اراده کنندگان خیراند که نرسیده اند بآن هر آئینه رسول خدا صلی الله علیه وسلم حدیث فرموده
است ما را که هر آئینه قومهای بود که میخوانند قرآن را نمیگذرد از گلوهای ایشان قسم بخدا
نمیدانم شاید که اکثر ایشان از شما باشند گفته است عمرو بن سلمه دیدیم عامه ایشان را که بنیزها
میزدند ما را در روز نهروان با خوارج این حدیث شریف را اخراج کرده است دارمی

بسم الله الرحمن الرحیم

کتاب در بیان گناهان کبیره و قول خدای تعالی اگر پرهیز کنید از کبائر منهیات نابود سازیم از
شما صغائر شما را تا آخر آیه و قول خدای تعالی کسانیکه احتراز میکنند از کبائر و بیحیائی مگر صغائر
تا آخر آیه روایت کرده است ابن جریر از ابن عباس رض که گفت کبائر هر گناهی است که تمام
کرده است آنرا خدای تعالی به آتش یا لعنت یا غضب یا عذاب و ابن جریر راست از ابن عباس که
گفت و آن کبائر تا هفتصد است قریب از آن تا هفت است مگر آنکه نیست کبیره با استغفار
و نیست صغیره با همیشگی و عبد الرزاق راست گفت ابن عباس آن تا هفتاد است قریب از
آن تا هفت است باب در بیان بزرگترین کبائر در صحیحین است از ابو بکره گفت او
فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم آیا خبر ندهیم شما را به بزرگترین کبائر گفتیم آری ای پیغمبر خدا فرمود شریک
مقرر کردن با خداست و رنج دادن مادر و پدر راست و بود تکیه کننده پس نشست پس
فرمود خبردار و گفتن دروغ است خبردار باشید و گواهی دروغ است پس همیشه بود
که مکرر میکرد این سخن را تا وقتیکه گفتیم کاشکی خاموش شود او باب بهای کبائر دل
روایت است از ابو هریره که گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آئینه خدای نمی بیند بصورتها

دلهای شما و لکن می بیند بدلهای و عملهای شما روایت کرده است این را مسلم و روایت از
نعمان بن بشیر مرفوعاً خبردار باشید و هر آئینه در بدن قطعه گوشت است چون نیک شود نیک شود
بدن همه و چون خراب شود خراب شود بدن همه خبردار باشید و آن دل است باب بیان کبر
است و قول خدا تعالی هر آئینه خدا دوست نمیدارد هر متکبر خودپسند را و فرموده است خدا تعالی
پس البته بد است جای کبر کنندگان روایت است از ابن مسعود که گفت فرموده است رسول
خدا صلی الله علیه وسلم داخل نخواهد شد در بهشت کسیکه در دل او باشد بقدر ریگ ذره از کبر پس گفت مردی
رسول خدا صلی الله علیه وسلم را هر آئینه آدمی دوست میدارد که باشد جامه او خوب و پیزار او خوب فرمود هر آئینه
خدا شایسته است دوست میدارد شایستگی را کبر رد کردن حق است و حقیر دانستن مردمان روایت
کرده است این را مسلم و مر بخاری راست از حارثه بن وهب آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود آیا خبر
ندهم شما را باهل دوزخ هر سرکشی خودپسندی متکبری است عتل سخت گوی سخت دل و جواظ
گفته شده است متکبر فربه است و گفته شده است آنست که شکم کلان است و بطر حق رد حق است
و غمط بیان نموده غمط الناس حقیر دانستن ایشان است و مر احمد راست و تصحیح آن کرده است
ابن حبان از روایت ابو سعید که مرفوع میکرد آنرا کسیکه تواضع کند برای خدا یک زینه بلند کند
او را خدا بسبب آن یک زینه تا آنکه بگرداند او را در بالاتر علیین و کسیکه تکبر کند بر خدا یک زینه
زیر کند او را خدا بسبب آن یک زینه تا آنکه بگرداند او را در زیرترین زیران و طبرانی راست
از ابن عمر مرفوع میکرد آنرا بپرهیز کنید از کبر پس هر آئینه کبر می باشد در مرد و بر وی شمله
می باشد و راویان این حدیث ثقه اند باب بیان عجب است و قول خدا تعالی و کسانیکه ایشان
از عذاب پروردگار خود ترسندگانند روایت کرده شده است از ابن مسعود آنکه وی گفت
هلاکت در دو چیز است در نا امیدی و خودپسندی روایت است از ابوبکره رض آنکه مردی ذکر
شد نزدیک رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس ثنای خوب گفت برای وی مردی پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم وای
است ترا بریدی گردن برادر خود را میفرمود این را چند بار باز فرمود اگر باشد یکی از شما

۴۵

وصف کنند خواه نخواه پس گویا ایشان میدارم اد را چنین و چنان اگر میدید او را چنین حساب کننده او خداست و پاک کرده شود بر خدا کسی روایت کرده است این حدیث را بخاری و مسلم و امام احمد رحمه الله و جید از حارث بن معاویه آمد او گفت مر عمر را هر آینه ایشان گفت و شنود میکنند با من بر و عظ گفت میترسم از آنکه وعظ کنی پس بلند شوی بر ایشان در نفس خود باز وعظ کنی پس بلند شوی تا آنکه در خیال آورده شود ترا آنکه تو بالای ایشان مانند پرویا پس بر کند خدا عز و جل زیر قدمهای ایشان در روز قیامت بقدر آن امام بیهقی روایت کرده از انس مرفوعاً که اگر گناه نکنید البته میترسم بر شما از چیزیکه آن سخت تر است از آن خود پسندی باب بیان نمود اری و شنوانیدن و قول خدا تعالی پس کسیکه امید میدارد ملاقات پروردگار خود را پس عمل کند عمل نیک و شریک نکند در عبادت پروردگار خود کسی را روایت است از جندب بن عبد الله که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بشنواند رسوا کند او را خدا و کسیکه می نماید بنماید او را خدا روایت کرده است این را بخاری و مسلم در صحیحین گفته شده است معنای حدیث اینکه کسیکه بشنواند رسوا کند او را خدا در روز قیامت و معنی من یرائی کسیکه ظاهر کند عمل صالح مردمان را تا که بزرگ شمرده شود و نزدیک ایشان برای الله گفته شده است معنیش آنکه ظاهر کند خدا نیت او را به مردمان و در صحیحین روایت است از ابن عمر که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه قبولیت اعمال بر نیت است و هر شخصی است آنچه نیت کرده است او مسلم روایت است از ابو هریره مرفوعاً هر آینه اول مردمان که حکم کرده شود بر ایشان در روز قیامت سه شخص است مردی است که شهید کرده شد در راه خدا پس آورده شود او پس با او نماید او را نعمتهای خود پس بشناسد آنرا گوید خدا پس چه عمل کردی در آن گوید جنگ کردم در راه تو تا آنکه شهید شدم گوید دروغ گفتی و لکن تو جنگ کردی تا که گفته شود دلیر است پس تحقیق گفته شد باز امر کرده شد به او پس کشیده شود بر روی خود تا آنکه انداخته شود در آتش و مردی است که آموخت علم را و آموخت آنرا به دیگران و خواند قرآن را پس آورده شود او

۴۶

پس یاد دهد او را نعمتهای خود پس بشناسد آنرا گوید پس چه عمل کردی در آن گوید آموختم
در راه تو علم را و آموختم آنرا بدیگران و خواندم در راه تو قرآن را گوید دروغ گفتی ولکن آموختی
علم را تا که گفته شود عالم است و خواندی قرآن را تا که گفته شود که او قاری است پس تحقیق
گفته شد پس امر کرده شود باو پس کشیده شود بر روی خود تا آنکه انداخته شود در آتش و مردی
ست که وسعت کرده باشد بروی و داده باشد او را از اقسام مال پس آورده شود او
پس یاد دهد او را نعمتها خود پس بشناسد آنرا گوید پس چه عمل کردی گوید نگذاشتیم هیچ راه که دو
داشتی که خرج کرده شود در آن مگر خرج کردم در آن برای تو گوید دروغ گفتی ولکن تو کردی
که گفته شود وی سخی است پس تحقیق گفته شد پس کشیده شود بر روی خود تا آنکه انداخته شود در
آتش روایت کرد ترمذی این را و در این حدیث است که معاویه چون شنید این حدیث را گریه کرد و باز گفت
قول و تعالی را کسیکه باشد میخواهد زندگانی دنیا را و زینت آنرا تا آخر آیه باب در بیان خوشی
و قول خدا هر آینه بود او در اهل خود خوش شده و قول خدا هر آینه ما بودیم در اهل خود ترسندگان
تا آخر آیه و قول خدا پس چون فراموش کردند چیزی را که پند داده شدند بآن تا آخر آیه و روایت
است از ابو محمد عبد الله بن عمرو بن العاص آنکه رسول خدا صلی الله فرمود مومن نیست یکی از شما تا آنکه
شود خواهش او تابع چیزیکه آوردم بآن و قول خدا پس اگر نزاع کنید در چیزی پس رد کنید
حکم آنرا بخدا و رسول باب در بیان عداوت و دشمنی

باب در بیان بیحیائی و قول خدا تعالی هر آینه کسانیکه دوست میدارند آنکه مشهور شود
بیحیائی در مومنان تا آخر آیه و قول خدا وقتیکه خیرخواهی خدا و رسول وکنند باب در بیان
دوستی با دشمنان خدا و قول او تعالی نخواهی یافت قومی را که ایمان دارند بخدا و روز آخر
که دوستی کنند باکسی که خلاف کرده است با خدا و رسول او و اگرچه باشند پدران ایشان
یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشاوندان ایشان مومنان که با کافران دوستی
ندارند نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و قوت داده است ایشانرا بروحی از جانب

و قول خدا تعالی بگو اگر باشند پدران شما و پسران شما و برادران شما و زنان شما تا قول او
تعالی و خدا راه نمی نماید گروه ظالمانرا و قول او تعالی و میل نکنید بطرف ظالمان تا آخر آیه گفته است ابو
راضی نشوید بعملهای ایشان و روایت کرده است ابن عباس که میل نکنید با ایشان میل تمام در محبت و
نرمی گفتار و دوستی و روایتیست از ابن مسعود آنکه رسول خدا صلعم فرمود که مرد با شخصی است که دو
ست میدارد او را روایت کرده است این در صحیحین باب بیان سختی دل و قول او تعالی پس بسبب
شکستن ایشان عهد خود را لعنت کردیم بر ایشان و ساختیم دلهای ایشانرا سخت و قول او تعالی
خدا فرستاده است بهترین سخن کتاب هم رنگ تا آخر آیه و قول او تعالی آیا وقت نرسیده است مسلمانانرا
که نیایش کند دل ایشان وقت یاد کردن خدا تا آخر آیه روایت است از ابن عمر مرفوعا رحم
کنید رحم کرده شوید و عفو کنید بخشش کرده شود و شما را سخت عذابست مر اقماع قول را و ویل
است مر آن همیشگی کنندگانرا که همیشگی میکنند بر آنچه کردند و ایشان میدانند روایت کرده است
این حدیث را احمد و مر ترمذی راست از ابن عباس مرفوعا بسیار نکنید سخن پس هر آئینه بسیاری
سخن بغیر ذکر سختی است دلها را و هر آئینه دورترین مردمان از خدا دل سخت است و مر
صحیحین راست از جریر مرفوعا کسیکه رحم نمیکند بر مردمان رحم نمیکند بر او خدا باب بیان
ضعف دل و قول او تعالی و بر بستیم بر دلهای ایشان تا آخر آیه و قول او تعالی آیا گمان کردند مردمان
آنکه گذاشته شوند بر آنکه میگویند ایمان آوردیم و ایشان آزمایده نشده اند و هر آئینه آزمائیدیم
کسانی را که پیش از ایشان بودند تا آخر آیه و قول او تعالی گفتند ای موسی هر آئینه در آن جا
قومی سخت زور آورند و قول او تعالی و از مردمان کسی است که میگوید ایمان آوردیم بخدا پس چون ایذا
داده شود در راه خدا تا آخر آیه و مر صحیحین راست از ابن عمر مرفوعا مسلمان کسیست که سلامت
باشند مسلمانان از زبان او و دست او و مهاجر کسیست که گذاشت چیزیرا که منع کرده است خدا
از آن بابهای کبائر زبان باب در بیان ترسانیدن از شر زبان و قول خدا تعالی
و بندگان رحمن کسانند که میروند بر زمین متواضع و وقتیکه گفتگو کنند با ایشان بیخردان

٨٩

گویند سخن سلامت است از گناه و قول او تعالی و چون بشنوند بیهوده را اعراض کنند از آن و قول او
تعالی نگوید هیچ مگر نزدیک او نگهبان است تیار روایت است از ابو هریره مرفوعًا کسیکه ایمان
می آرد بخدا و روز آخرت پس گوید سخن خیر یا خاموش شود روایت کرده است این را صحیحین و هم
صحیحین را است از سهل بن سعد مرفوعًا کسیکه ضامن شود مارا از چیزیکه درمیان دهان او است
و درمیان دو پای او است ضامن بهشت شوم من او را و روایت است از سفیان بن عبد الله
که گفت او گفتم ای رسول خدا چه چیز است که بسیار بیشتر می ترسی بر من از آن چیز پس گرفت زبان خود
باز فرمود این گفته است ترمذی حسن صحیح است و هم ترمذی راست و تصحیح آن کرده است
از معاذ که گفتم ای رسول خدا..... و هر آئینه ما گرفتار خواهیم شد بآنچه سخن میزنیم بآن فرمود گم
کند ترا مادر تو و نمی اندازد مردمان را در آتش بر روی های ایشان یا بر بینی های ایشان مگر درو کرده
زبانهای ایشان و هم ترمذی راست از ابو سعید مرفوعًا وقتیکه صبح کنند پسر آدم پس هر آئینه اندامها
همه آن عاجزی میکنند پیش زبان میگویند بترس از خدا در حق ما پس هر آئینه ما قائم بتو ایم و تو
بما پس اگر راست شدی راست شویم و اگر کج شدی کج شویم قول او تکفر یعنی تذلل و عاجزی
میکند و در روایت از ابو هریره مرفوعًا هر آئینه بنده البته سخن میکند بیک سخن فکر نمیکند در
آن می افتد بسبب آن در دوزخ دورتر از آنچه درمیان مشرق و مغرب است روایت
کرده است این را صحیحین و هم ترمذی راست و تصحیح آن کرده است از بلال بن الحارث مرفوعًا
که هر آئینه مرد البته سخن میکند بیک سخن از رضامندی خدا گمان نمیکند که رسیده باشد بجائیکه رسیده
است آن نوشته میکند او را خدا بسبب آن رضامندی خود تا روزی که ملاقات او کند و هر آئینه
مرد سخن میکند بیک سخن از غضب خدا تعالی گمان نمیکند که رسیده باشد بجای که رسیده باشد
آن نوشته میکند او را خدای تعالی بسبب آن غضب خود تا روزی که ملاقات او کند و مسلم راست
از جندب بن عبد الله مرفوعًا آنکه مردی گفت قسم بخدا بخشش نخواهد کرد خدا فلان را پس گفت
خدا عز و جل کیست آنکه قسم میکند بر من که آمرزش نخواهم کرد فلان را پس بتحقیق بخشیدم او را

وضبط کردم عمل نو باب در بیان آنچه آمده است در بسیاری سخن و قول خدای تعالی و هر آئینه بر شما نگهبانانند تا آخر آیه روایت ست از مغیره مرفوعاً هر آئینه خدا حرام کرده ست بر شما ایذا دادن مادران و زنده در گور کردن دختران و منع و خواهش و مکروه ساخته ست شما را قیل و قال و بسیاری سوال و ضایع کردن مال روایت کرده ست این حدیث را صحیحین و روایت از جابر مرفوعاً هر آئینه از دوست ترین شما بمن و نزدیک ترین شما بمن از روی مجلس در روز قیامت نیکوترین شماست از روی اخلاق و هر آئینه بدترین شما بمن و دورترین شما از من در روز قیامت بسیار سخن کنندگان بی باکی کنان و سخن کشایندگان دهان بسخن ان جز گفته ست این را ترمذی

باب در ذم بی باکی در کلام و تکلف در فصاحت و قول خدای تعالی و چون ببینی ایشان را بشگفت می آرد ترا ابدان ایشان تا آخر آیه روایت ست از حکم مرفوعاً هر آئینه خدا بد میداند بلیغ را از مردمان آنکه میگرداند زبان را چنانچه میگرداند گاو زبان خود را گفته ست این را ترمذی و روایت از ابوهریره مرفوعاً کسیکه آموخت انواع کلام را تا آنکه بدان دلهای مردان و زنان قبول نکند خدا از وی در روز قیامت فرض و نه نفل روایت کرده ست این حدیث را ابوداود و روایت احمد ست از معاویه که لعن کرده ست رسول خدا صلی الله علیه و سلم کسانیکه پاره میکنند سخن را مانند پاره کردن شعر

باب در ذم سختی مجادله و قول خدای تعالی و او سخت ترین ستیزندگان ست روایت ست از عائشه رضی مرفوعاً که هر آئینه ناپسندترین مردمان بخدا آن سخت ستیزه کننده ست و مر ترمذی راست از ابن عباس مرفوعاً ... گناه آنکه همیشه ستیزه کننده باشی باب در ذم کسیکه غیبت میکند از مردمان ... زبان و قول خدای تعالی ای مومنان ... غیبت نکند ... از عائشه رضی آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم ... هر آئینه ... مردمان نزد خدا از روی مرتبه در روز قیامت کسی ست که واگذاشته باشد او را ... از بدی او ...

باب در ذم بی شرمی و بی باکی در سخن و قول خدای تعالی و کسانیکه گواهی دروغ ...

و چون بگذرد بر بیهوده بگذرد بروش بزرگان و روایت ست از ابن مسعود مرفوعاً
نیست مومن عیب کننده و نه لعنت گوینده و نه بیحیا و نه بی شرم حسن گفته است و مر ترمذی
راست و تصحیح آن کرده است از ابو الدرداء مرفوعاً نیست هیچ چیز گران تر در ترازوی مومن
در روز قیامت از نیکی خلق و هر آینه خدا دشمن میدارد آن بی شرم بیحیا را که سخن میکند بیحیائی
و مر مسلم راست از عائشه رض مرفوعاً هر آینه نرمی نباشد در هیچ چیز مگر زینت میکند آنرا و کشیده
نمیشود از هیچ چیز مگر معیوب میکند آنرا و مر ترمذی راست از ابن مسعود رض مرفوعاً آیا خبر ندهم
شما را بکسیکه حرام کرده میشود بر دوزخ و بکسیکه حرام کرده میشود بر روی دوزخ حرام کرده
میشود بر هر نزدیک آسان نرم سهل و مر مسلم راست از جریر مرفوعاً که کسیکه محروم شد
از نرمی محروم شد از همه خیر آن **باب** در بیان آنچه آمده است در دروغ و قول خدایتعالی
جز این نیست که می بندد دروغ کسانیکه ایمان نمی آرند بآیتهای خدا و آنان ایشانند دروغ
گویان و قول خدایتعالی ویل است هر دروغگوی گناه گار را روایت ست از ابن
مسعود رض مرفوعاً هر آینه راستی راه می نماید به نیکی و هر آینه نیکی راه می نماید به بهشت
و هر آینه آدمی راست میگوید و قصد میکند راستی را تا آنکه نوشته کرده میشود نزدیک خدا
نهایت راستگوی و هر آینه دروغ راه می نماید به بدکاری و بدکاری راه می نماید
بدوزخ و هر آینه آدمی دروغ میگوید و قصد دروغ میکند تا آنکه نوشته کرده میشود
نزدیک خدا نهایت دروغگوی روایت کرده است این را صحیحین و در موطاست همیشه
می باشد آدمی که دروغ میگوید پس خال کرده شود در دل او خال سیاه تا آنکه سیاه شود
دل او پس نوشته کرده میشود نزدیک خدا از دروغ گویان و در موطاست از صفوان
بن سلیم که گفتیم ای پیغمبر خدا آیا می باشد مومن بد دل فرمود آری گفته آیا میباشد مومن
بخیل فرمود آری گفته شد آیا می باشد مومن بسیار دروغ فرمود نه و مر ترمذی راست
از ابن عمر که وقتیکه دروغ گوید بنده دور میشود از وی فرشته یکمیل از بوی بد آنچه

۵۱

۵۲

آمده است در عهد شکنی و قول او تعالی پس خدا تعالی عاقبت حال ایشان ساخت نفاق

در دل ایشان را روایت است از ابوهریره رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود نشانه منافق سه

است چون سخن کند دروغ گوید و چون وعده کند مخالفت کند و چون امانت داده شود

خیانت کند روایت کرده است این را صحیحین و در صحیحین است از ابن عمر رض مرفوعا که چهار

چیز است کسیکه باشد در آن چهار چیز در وی است منافق خالص و کسیکه باشد در وی خصلتی

از آن هست در وی خصلتی از نفاق تا وقتیکه بگذارد آنرا آنکه امانت داده شود خیانت کند

و وقتیکه سخن کند دروغ گوید و وقتیکه وعده کند غدر کند و چون مخاصمه کند دشنام

دهد باب در بیان آنچه آمده است در گفتند و قول خدا تعالی چون فرا میگرفتید آنرا

بزبانهای خویش و میگفتید بدهانهای خویش چیزیرا که نبود شما را بآن علم تا آخر آیه و قول

خدا تعالی ای کسانیکه ایمان آوردند اگر آمد شما بدکاری بخبری پس تفحص کنید تا آخر آیه روایت

است از ابن مسعود رض و حذیفه مرفوعا بد سواری مرد است گفتند روایت کرده است این

را ابوداود باسناد صحیح و در مسلم است از ابوهریره مرفوعا بس است آدمی را گناه آنکه

سخن گوید بهر چه شنود باب در بیان آنچه آمده است در دروغ و مزاح و مانند آن و

قول خدا تعالی گفتند آیا میگیری ما را مسخره تا آخر آیه روایت است از ام کلثوم دختر

عقبه مرفوعا که نیست دروغگوی کسیکه اصلاح میکند در میان مردمان پس میگوید خیر را

میرساند خیر را روایت کرده است این را صحیحین و در مسلم است نشنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و سلم

که رخصت میداد در چیزی از آنچه میگویند مردمان که آن دروغ است مگر در سه جای در

در جنگ و در صلح کردن در میان مردمان و سخن مرد زن خود را و سخن زن شوهر خود را

و در اسیت گشت از عبد الله بن عمر که گفت احد عشر ما در مین به ۔۔۔ پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

در خانه نا گفته بود پس گفت مادرم بگیر یعنی بیا میدهم تو را پس گفت ...

و سلم هر آینه تو اگر نمیدادی او را البته نوشته کرده میشد بر تو دروغی روایت کرده

ابو داود و احمد راست از ابو هریره مرفوعا هر کسیکه ... از اسما بنت یزید گفتیم ای رسول الله

دروغ است و مر احمد راست ...

راکه خواهش آن دارد و خواهشش ندارم شمرده میشود آن دروغ فرمود هر آینه دروغ

نوشته میشود تا آنکه دروغگی دروغ و مر ترمذی راست و حسن گفته است از بهز بن

حکیم از پدر خود از جد او مرفوعا ویل است کسی را که سخن کند تا بخنداند آن قوم را

پس دروغ گوید ویل است او را و ویل است او را باب در مذمت چاپلوسی و وصف انسان

بآنچه نباشد در او و قول خدایتعالی و پرهیز کنید از گفتن دروغ روایت کرده است امام احمد

از ابو داود و از شعبه از قیس بن مسلم شنیده بود و از طارق بن شهاب که روایت میکرد از

عبد الله گفت و هر آینه آدمی بیرون میرود از خانه خود و با وی دین او باشد پس ملاقات

میکند با شخصی که مر او را بطرف او حاجتی باشد پس گوید او را هر آینه تو چنین و چنانی ثنا

میگوید بر او شاید که ادا کند وی را حاجت او و چیزی را پس غضب میشود خدا بر وی پس میگردد

و نباشد از دین او چیزی باب در بیان آنچه آمده است در نهی از بودن انسان وصف

کننده و قول خدایتعالی آیا ندیدی کسانیکه وصف خود میکنند و مر مسلم راست از مقداد

آنکه شخصی شروع کرد که وصف عثمان میکرد پس فرو نشست مقداد پس شروع کرد مقداد که

پاشید در روی او سنگریزه پس گفت او را عثمان چیست ترا گفت هر آینه پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود

وقتیکه ببینید وصف کنندگان را پس بپاشید در روی ایشان خاک را و در مسند است از

معاویه مرفوعا که بترسید از مدح باهم کردن پس هر آینه وی ذبح است باب در بیان

آنچه دروغ و سوگند برکت را و روایت است از حکیم بن حزام مرفوعا که دو بیع کنندگان

بخیار اند تا وقتیکه جدائی نکرده باشند پس اگر راست گفتند و بیان کردند برکت داده شوند

و اگر دروغ گفتند و کتمان کردند عیب را محو کرده شود برکت بیع ایشان باب

در بیان کسیکه گوید خواب دیدم و نه دیده باشد چیزی را و مر بخاری راست از ابن عباس رض

۵۳

۵ یعنی بایع و مشتری اختیار دارند در اقاله تا وقتیکه باهم جدائی کنند از مجلس بیع ۱۲

صرف غالب کسیکه از خود و ساز دخوابی و نه دیده باشد آنرا مکلف شود و آنکه گره دهد درمیان وجو
و هرگز نخواهد کرد **باب** در بیان مرض دل و مردن آن و قول خدا تعالی اگر منتهی نشوند منافقان
تا آخر و آورده **روایت** است از ابوهریره گفت او فرموده است رسول خدا صلی الله علیه و سلم مؤمن چون گناه
کند گناهی را شود خال سیاه در دل وی پس اگر توبه کرد و گسسته شود و را و طلب رضامندی خدا کرد
و صیقل شود دل او و اگر زیاده کرد گناه را زیاده شود او را آن سیاهی تا آنکه غالب شود بر دل
وی پس این آن زنگ است که فرموده است خدا و آن نی بلکه زنگ بسته است بر دلهای
ایشان چیزیکه میکردند روایت کرده است این حدیث را ترمذی و گفته حسن صحیح است و گفته است
اعمش نمایید ما را مجاهد دست خود و گفت بودند اصحاب ما میدیدند دل را مانند این یعنی دست
پس چون گناه کند بنده گناهی را بند کرده شود از وی و بند کرد انگشت کوچک را این چنین پس
چون گناه کند بند کرده شود و بند کرد انگشت دیگر را تا آنکه بند کرد همه انگشتان را فرمود باز مهر
نهاده شود بر آن مهری و بودند اصحاب میدیدند که این همان است زنگ روایت کرده است این
ابن جریر از وکیع مانند آن و روایت است از مجاهد که گفت او زنگ آسان تر است از مهر و مهر
آسان تر است از قفل کردن و روایت است از ابوسعید که گفت او فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم دلها
چهار است یکی دل صاف است در وی مانند چراغ باشد که میدرخشد و یک دل است پرده غا
بسته شده بر پرده وی و یکدل نگونسار و یکدل دو رخه است پس هرچه دل صاف است پس دل
مؤمن است پس چراغ او در دل وی نور اوست و هرچه دل پرده دار است پس دل کافر است و
هرچه دل نگونسار است پس دل منافق خالص است که شناخت حق را باز انکار کرد و هرچه
دو رخه است پس دلیست که در آن ایمان باشد و نفاق و مثال ایمان در آن مانند سبزه
است زیاده میکند آنرا آب خوب و مثال نفاق در آن مانند زخمی است زیاده میکند او را زرد
آب و خون پس هر یک از دو آب که غالب شود بر دیگر غلبه کند بر وی **باب** در بیان ضمانت
گناه روایت کرده شده است از عبدالله گفت او اگر [illegible]

از عبد الله بن مسعود ... ست که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ نبی که فرستاده
است او را خدای تعالی در امتی پیش از من مگر بود او را از امت او دوستان خالص و یاران که
عمل میکردند بسنت او و اقتدا میکردند بامر او باز هر آیینه قصه این ست که میمانند پس از ایشان
خلف میگویند آنچه نمیکردند و میکردند آنچه امر نمیشدند پس کسیکه جهاد کرد با ایشان بدست خود
پس وی مومن ست و کسیکه جهاد کرد با ایشان بزبان خود پس او مومن ست و کسیکه جهاد کند
با ایشان بدل خود پس او مومن ست و نیست وراء آن مقدار دانه سپندان از ایمان روایت کرد مسلم آن را
از ام سلمه مرفوعا هر آیینه شان هست شتابنده ست که ... بر شما سرداران پس نیک می بینید
از ایشان پس کسیکه انکار کرد بر بدی ایشان پس بتحقیق پاک شد و کسیکه بد دانست پس بتحقیق
سلامت ماند و لکن کسیکه راضی شد و متابعت کرد یعنی کسیکه مکروه دانست بدل خود و انکار
کرد بدل خود و در روایت غیر از صحیحین پس از لفظ و تابع پس این گروه ایشانند که
شد گمان مصنف و این را ... باب در بیان آرزوی گناه و حرص بر آن روایت کرده
صحیحین از ابو بکره آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون ملاقات کنند دو مسلمان با شمشیرهای خود
پس کشنده و کشته شده در دوزخ اند گفته شد این کشنده است پس چه حال است کشته شده را
فرمود هر آیینه او بود حریص بر کشتن صاحب خود روایت ... از ابی کبشه انماری مرفوعا
مثال این امت مثل چهار مرد ست یکی مردیست که داده باشد او را خدا مال و علم پس او
... در مال خود بعلم خود و دیگر مردی ست که داده باشد او را خدا علم و نداده او را
مال پس ... بوجه ... آنچه فلان ... میکرد ...
پس هر دو در ثواب برابر اند و دیگر مردی ست که داده باشد او را خدا مال و نداده او را
علم ... تصرف میکند در مال خود ... آنچه ...
مردی ست که نداده باشد او را خدا مال و نه علم ... اگر بودی مرا مال ... میکردم
در آن مانند فلان ... پس هر دو در گناه برابر اند روایت کرده است ترمذی باب

در بیان شک و قول خدا تعالی جز این نیست مومنان آنانند که ایمان آوردند بخدا و رسول او
باز شک نکردند تا آخر آیه و قول خدا تعالی و کسانیکه ایمان می آرند بآنچه فرو فرستاده شده است
پیش از تو و بآخرت ایشان باور میکنند این گروه ایشانند بر راه راست از پروردگار ایشان و
آنگروه ایشانند رستگاران و قول خدا تعالی و چون گفته شود هر آینه وعده خدا راست است
تا قول خدا نیستیم یقین کنندگان و بود دعا میگفت در مجلس خود
این را خدا و حاکم حایل است هلاک شدند بشک آرندگان و گفت ابن مسعود رض از یقین است
آنکه خوش نکنی کسی را بغضب خدا و مذمت نکنی کسی را بر آنچه نداده است ترا خدا و ملامت نکنی
کسی را بر آنچه نداده است ترا خدا هر آینه خدا بعلم خود و عدل خود گردانیده است راحت و خوشی را
در یقین و گردانیده است غم و اندوه را در شک و غضب و هر آینه رزق خدا حاصل نمیکند آنرا حرص
حارص و رد نمیکند آنرا ناخواستن بد خواهنده و گفت عمر در روز حدیبیه پس عمل کردم برای
این کارها و در صحیح مسلم است چشید ذائقه ایمان کسیکه راضی شد بخدا از روی ربوبیت و باسلام
دین و بمحمد از روی نبی روایت کرده است این مسلم از ابن عباس تا آخر قصه باب در
ذم غضب و قول خدا تعالی و کسیکه ایمان آورد بخدا هدایت کند دل او را گفته است علقمه
مرد است که برسد او را مصیبت پس بداند که آن از نزد خداست پس راضی شود و گردن نهد
روایت است از انس که گفت فرموده است رسول خدا هر آینه خدا
گروهی را مبتلا میسازد پس کسیکه راضی شد پس او راست خوشنودی و کسیکه ناخوش شد پس او راست
غضب روایت کرده است این را ترمذی و حسن گفته است او را باب در بیان صبر
و بی آرامی و قول او تعالی پس نازل کرد خدا آرامی خود را بر پیغمبر خود و بر مومنان تا آخر آیه
و قول خدا تعالی پس قسم بپروردگار تو مومن نمیشوند تا وقتیکه حاکم گیرند ترا در آنچه
واقع شود در میان ایشان و قول او تعالی آگاه باش بذکر خدا آرام گیرند دلها و در صحیحین است
از ابو حمزه که گفت او رسول خدا

۵۹

پهلوان کسی ست که مالک نفس خود باشد نزدیک غضب و مر بخاری راست آنکه شخصی گفت برسول خدا صلی الله علیه وسلم وصیت کن مرا فرمود غضب مکن پس بار بار سوال کرد شخص فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم غضب مکن و روایت ست از ابو ذر رض مرفوعا که تحقیق رستگار شد کسیکه خالص کرد دل خود را برای ایمان و گردانید زبان خود را سلامت و زبان خود راست و نفس خود آرام و خوی خود را برابر و گردانید گوش خود را شنونده و چشم را بیننده پس هر چه گوش پس قمع است و اما چشم پس قرار دهنده است چیزیرا که یاد میگیرد دل و تحقیق رستگار شد کسیکه گردانید دل خود را نگهبان **باب** در بیان جهالت و قول خدای تعالی و هر آیینه پیدا کردیم جهنم را بسیاری از جن و انس مر ایشانرا دلهاست که نمی فهمند بآن تا آخر آیه و روایت ست از معاویه آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه اراده کند خدا بهتری او زیرک میکند او را در دین و در حدیث برا است آنکه شک کننده هاست که میگوید وقتیکه سوال کنند ازو دو فرشته او آه نمیدانم شنیده بودم از مردمان که می گفتند چیزیرا پس گفتم آنرا **باب** در بیان بیحیایی و قول خدای تعالی پنهان میکنند از مردمان و پنهان نمیکنند از خدا تا آخر آیه روایت ست از ابو مسعود بدری رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم جمله آنچه یافته است مردمان از کلام پیغمبری پیشین چون شرم نمیکنی پس بکن آنچه خواهی روایت کرده است این را بخاری **باب** در ذم حرص مال و عزت روایت ست از کعب رض مرفوعا که نیست دو گرگ گرسنه که گذاشته شود در خطیره گوسپند بسیار خراب کننده تر از حرص آدمی بر مال و عزت دین او را صحیح گفته است این را ترمذی **باب** در ذم بی صبری و بیدلی و قول خدای تعالی هر آیینه انسان پیدا کرده شده است ناشکیبا تا قول او تعالی مگر نماز گزاران روایت ست از ابو هریره رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود بدترین آنچه در مرد است بخل سخت است و بیدلی سخت روایت کرده است این حدیث را ابو داود و سند او سبزه و مر مسلم راست از جابر مرفوعا که بترسید از بخل پس و

٥٧

هلاک کرد کسانی را که پیش از شما بودند باعث گردانید ایشانرا بر آنکه ریختند خون ایشانرا و حلال کردند محارم ایشانرا **باب** در ذم بخل و قول خدای تعالی کسانیکه بخل میکنند و امر میکنند مردمانرا به بخل و قول او تعالی و در مالهای ایشان حصه مقرریست مر سائل و سوال را روایت است از جابر گفت فرموده است رسول خدا صلی الله علیه و سلم کیست سردار شما ای بنی سلمه گفتیم جد بن قیس با وجود آنکه نسبت بخل میکنیم با و فرمود رسول الله و کدام بیماری سخت ترست از بخل بلکه سردار شما عمرو بن الجموح است روایت کرده است این را بخاری در ادب مفرد **باب** در سزای بخل درین باب است حدیث نگاه مکن پس نگاه کرده شود بر تو بسته مکن پس بسته کرده شود بر تو چنانچه در حدیث دیگر است بپاش پاشیده شود بر تو یعنی فراخی کن فراخی کرده شود ترا و نگاه مکن پس نگاه کرده شود بر تو و قول رسول خدا بار خدایا بده بخیل را هلاکت **باب** در حقیر دانستن نعمت و سپاس ناشناختن بخششهای خدا

باب در ذم دشمنی کردن با صالحان و قول او تعالی و کسانیکه آمدند پس از ایشان می گویند ای پروردگار ما بیامرز ما را و برادران ما را آنانکه پیش گذشتند از ما بایمان الآیه و روایت از ابو هریره مرفوعا میگوید خدای تعالی کسیکه دشمنی کرد با دوست من پس تحقیق بیرون آمد برای جنگ من یعنی مبارزه آنکه بیرون شود در جنگ و درینجا معنیش آنکه کسیکه دشمنی کرد با دوست خدا پس بیرون شود بجنگ خدا با جنگ روایت کرده است این را صحیحین **باب** در ذم کینه و قول خدای تعالی آیا حسد میکنند با مردمان بر آنچه داده است ایشانرا خدا از فضل خود روایت است از انس مرفوعا که مومن نمیشود یکی از شما تا آنکه دوست دارد برادر خود را آنچه دوست میدارد نفس خود را روایت است از ابو هریره رض مرفوعا بترسید از حسد پس بدرستیکه حسد میخورد نیکیها را چنانچه میخورد آتش هیمه را یا فرمود گیاه را روایت کرده است این را

باب در ذم بدگمانی بر مسلمان و قول خدای تعالی پرهیز کنید از گمانهای بسیار هر آینه بعضی
گمان گناه است روایت ست از ابو هریره رض مرفوعاً پرهیز کنید از گمان هر آینه
گمان دروغ ترین سخن ست باب در بیان آنچه آمده است در دروغ گفتن بر خدا
و رسول او و قول او تعالی و در روز قیامت بینی کسانی را که دروغ بستند بر خدا روی
های ایشان سیاه باشد تا آخر آیه و در صحیح ست از انس آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود هر آینه
دروغ بر من نیست مانند دروغ بر یکی کسیکه دروغ بست بر من بقصد پس باید که تیار
کند جای خود را در دوزخ و در مسلم ست از سمره بن جندب رض مرفوعاً کسیکه حدیث
بیان کند از من حدیثی که میداند که آن دروغ ست پس او یکی از دو دروغگو ست
باب در بیان آنچه آمده است در گفتن بر خدا بغیر علم و قول خدای تعالی جز این نیست حرام
کرده است پروردگار من بیحیائی را تا آخر آیه گفته است ابو موسی رض کسیکه آموخته است او را
خدا علم پس تعلیم آن کند و نترسد او از آنکه گوید و نباشد او را علم بآن پس شود از تکلف
کنندگان و بیرون شود از دین و در صحیح ست از ابن عمر رض و خدا نمیکشد علم را کشیدن
که بکشد آنرا از مردمان ولکن قبض میکند علم را بموت عالمان تا آنکه نماند عالم بگیرند
مردمان پیشوایان جاهلان را پس سوال کرده شوند ایشان پس فتوی دهند بغیر علم پس
گمراه شوند و گمراه کنند مردمانرا باب در بیان آنچه آمده است در گواهی دروغ و قول
خدای تعالی و پرهیز کنید از گفتن دروغ روایت ست از ابن عمر رض هر آینه مرغان البته
میزنند بازوهای خود را و می اندازند آنچه در حوصل ایشان ست از ترس روز قیامت
و هر آینه گواه دروغ دور نمیشود هر دو قدم او تا آنکه بگیرد جای خود را از آتش و
در صحیحین ست از حدیث ابو بکره خبردار باشید و گفتن دروغ ست خبردار باشید و گواهی
دروغ ست پس همیشه بود که تکرار میکرد این را باب در بیان آنچه آمده است در
قسم دروغ روایت ست از ابن مسعود رض مرفوعاً کسیکه قسم خورد بر مال شخصی مسلمان

۵۹

عن ابن مسعود مرفوعاً من حلف على مال امرئ مسلم
ما جاء في اليمين الغموس

بناحق ملاقات کند با خدا و او بر وی خشمناک باشد باز خواند بر یا رسول خدا آیه تصدیق آن

کسانیکه میخرند بعهده خدا و قسمهای خویش بهای اندک را تا آخر آیه روایت کرده است

این را صحیحین و مسلم راست از ابو امامه مرفوعا کسیکه بگیرد مال شخص مسلمان را بقسم

خود پس تحقیق واجب کرد خدا او را آتش و حرام کرد بر وی بهشت پس گفت مردی

اگرچه چیزی اندک باشد ای رسول خدا فرمود اگرچه یک شاخ باشد از مسواک باب در

بیان تهمت بر زنان پاک و در صحیحین راست از ابوهریره مرفوعا پرهیز کنید از هفت

هلاک کننده گفتند چیست آن فرمود شریک مقرر نمودن با خدا و جادو و کشتن

آن نفس که حرام کرده است او را خدا مگر بحق و خوردن ربا و خوردن مال یتیم و شکست

خوردن در روز جنگ و تهمت کردن بر زنان پاک بیخبر مومن باب در بیان آنچه

آمده است در دو رویه و قول خدا تعالی و چون ملاقات کنند با مومنان گویند ایمان

آوردیم و قول او تعالی مترددانند و در صحیحین است از ابوهریره مرفوعا خواهید

یافت بدترین مردمان نزدیک خدا دو رویه آنکه می آید این گروه را بیک رو و دیگر را

است از انس مرفوعا کسیکه باشد دو زبانه گرداند او را خدا در روز قیامت دو زبانه

از آتش باب در بیان آنچه آمده است در چغلی و قول او تعالی عیب جوینده رونده

بچغلی روایت است از حذیفه رض مرفوعا که داخل نخواهد شد به بهشت چغلی گو و

در صحیحین است دو قبر هر آئینه این دو و البته عذاب کرده میشوند و عذاب کرده نمیشوند در

امری هر آئینه این کلان است و در مسلم است از ابن مسعود مرفوعا خبردار باشید آیا خبر دهم

شما را چیست سخت حرام آن چغلی دشمنی انداز نده است در میان مردمان باب

بیان آنچه آمده است در بهتان و قول او تعالی و کسانیکه تهمت می بندند بر مردان

مومن و زنان مومن تا آخر آیه روایت است از ابن عمر مرفوعا کسیکه گوید در مومن آنچه

نباشد در وی جای دهد او را خدا در ردغة الخبال تا آنکه پاک شود از آنچه گفته است

کرده‌ام است این حدیث را ابوداود و بسند صحیح و مسلم راست از ابوهریره مرفوعاً آیا میدانید
چیست غیبت گفتند خدا و رسول داناتر است فرمود یاد کردن تست برادر خود را
بآنچه بکروه میدارد گفته شد آیا پس می‌بینی اگر باشد در برادر من آنچه میگویم فرمود اگر
باشد در برادر تو آنچه میگوئی پس تحقیق غیبت او کردی و اگر نباشد در وی آنچه
میگوئی پس تحقیق بهتان کردی بر وی **باب** در بیان آنچه آمده است در وبال لعنت
گفتن روایت است از ابوالدرداء رض مرفوعاً هر آینه بنده چون لعنت گوید بر چیزی
برخیزد لعنت او بآسمان پس بند کرده شود دروازهای آسمان نزد آن باز فرود می
آید بزمین پس میرود بطرف راست و چپ خود پس چون نیابد جای داخل شدن بگردد
بطرف کسیکه لعنت کرده شده است پس اگر بود اهل آن لعنت میرسد او را و اگر نه باز
گردد بسوی گوینده آن روایت کرده است این را ابوداود و غیر او از حدیث ابن
عباس و راویان آن ثقات اند لکن معلول است بارسال و مسلم راست از آنکه زنی
لعنت گفت بر ماده شتر خود پس فرمود رسول خدا صلعم نرود با ما ماده شتری که بر وی
لعنت است و مسلم راست از عمران مانند آن **باب** در بیان آنچه آمده است در
ظاهر کردن پوشیده روایت است از ابوسعید رض مرفوعاً هر آینه از بدترین مردمان از
روی مرتبه نزد یکتعالی روز قیامت آنکس است که میرسد بزن و میرسد زن باو
باز ظاهر میکند یکی از هر دو ایشان پوشیده را از خود را و در روایتی است هر آینه این از
کلان ترین امانت است روایت کرده است این را مسلم و در روایت از جابر رض مرفوعاً وقتی
که سخن گوید مرد سخنی باز بیند پس آن امانت است حسن گفته است این را ترمذی و مر
احمد راست از ابوالدرداء رض مرفوعاً کسیکه شنید از مردی سخنی که دوست نمیدارد یاد کردن
آن از وی پس آن امانت است اگرچه طلب پوشیدگی نکرده باشد از وی **باب** در بیان
آنچه آمده است در لعنت گفتن مسلمان روایت است از ثابت بن ضحاک رض مرفوعاً

گفتن بر مسلمان مانند کشتن اوست روایت کرده است این را صحیحین و مر بخاری راست
از ابو هریره رض آنکه ایشان زدند مردی را که شراب نوشیده بود پس چون باز گشت
گفت بعضی قوم رسوا کند ترا خدا فرمود رسول الله صلی الله علیه و سلم مگوئید این را معاونت مدهید بر وی
شیطان را باب در بیان زیادت ذم آن در مردگان روایت است از
عائشه رض مرفوعا که دشنام مدهید مردگان را پس هر آئینه ایشان به تحقیق رسیدند بآنچه
پیش فرستادند روایت کرده است این را بخاری باب در بیان گفتن ای دشمن
خدا یا ای فاسق یا ای کافر و مانند آن روایت است از ابوذر مرفوعا نسبت نمی
کند مردی مردی را بفسق یا بکفر مگر بگردد بر وی اگر نبود صاحبش چنان روایت کرده
است این را بخاری و روایت است از سمره مرفوعا لعنت مکنید بلعنت خداوند و بغضب
خداوند و بدوزخ صحیح گفته است این را ترمذی و مر صحیحین راست از ابوذر مرفوعا نیست
کسیکه نسبت کند مردی را بکفر یا گفت ای دشمن خدا و نباشد چنان مگر بگردد بر وی باب
در بیان آنچه آمده است در لعن گفتن شخص پدر و مادر خود را روایت است از ابن عمر رض
مرفوعا از کلان تر کلان گناهان است آنکه لعنت گوید کسی مادر و پدر خود را گفته شد
ای پیغمبر خدا چگونه لعنت گوید مرد پدر و مادر خود را فرمود او دشنام میدهد پدر مردی را
پس دشنام میدهد او پدر او را و دشنام میدهد مادر او را پس دشنام میدهد او مادر او را روایت
این حدیث را صحیحین باب در نهی از خواندن جاهلیت و چون گفت مهاجری ای مهاجرین
و گفت انصاری ای انصار فرمود رسول خدا صلی الله علیه آیا میخوانید بخواندن جاهلیت و حال
آنکه من در میان شما ام و غضب کرد ازین سخن بغضب سخت باب در بیان نهی از
شفاعت در حدها و قول خدا تعالی و نگیرد شما را در دین خدا مهربانی و مر صحیحین راست
در حدیث مخزومیه آیا شفاعت میکنی در حدی از حدهای خدا و در موطاست از زبیر رض
که رسید حد بپادشاه را پس لعنت کند خدا بر شفاعت کننده و قبول کننده شفاعت

و روایت از ابن عمر مرفوعا کسیکه مانع شد شفاعت او حدی را از حدود خدا تعالی
پس تحقیق مقابله کرد با خدا در امر او **باب** دربیان کسیکه مددگار شود در جنگ باطل و
قول خدا تعالی و باهم مدد دهید بر نیکی و پرهیزگاری و باهم معاونت مدهید بر گناه و ستم
تا آخر آیه و قول خدا تعالی کسیکه شفاعت کند شفاعت نیک باشد او را حصه ثواب از
آن تا آخر آیه **روایت** ست از ابن عمر مرفوعا کسیکه مانع شد شفاعت او حدی را
از حدهای خدا پس تحقیق مقابله کرد با خدا در امر او و کسیکه جنگ کند در باطل و حال آنکه
میداند که آن باطل ست همیشه باشد در غضب خدا تا آنکه بیرون کند خود را از آن و
کسیکه گفت در مسلمان آنچه نباشد در وی بند کرده شود در زرد آب تا آنکه پاک شود از
آنچه گفته است گفت ابن عمر گفته شد ای رسول خدا چیست ردغة الخبال فرمود زرد
آب دوزخیان ست **و** در روایتیست کسیکه مدد کرد در جنگ باطل پس تحقیق گشت
بغضبی از طرف خدا روایت کرده است این حدیث را ابو داود و بسند صحیح **باب** دربیان
آنکه کسیکه حاضر شود کاری را پس باید که سخن کند به نیکی یا خاموش شود **روایت**
از ابو هریره مرفوعا کسیکه ایمان می آرد بخدا و روز آخرت پس چون حاضر شود کاری را
پس سخن کند به نیکی یا خاموش شود روایت کرده است این حدیث را مسلم **باب** در
بیان آنچه ترس کرده شود از سخن کردن در فتنها **روایت** ست از ابن عمر مرفوعا زود
ست که شود فتنه که هلاک کند تمام عرب را کشتگان آن در آتش اند ورا از زبانی در طعن
ایشان سخت تر ست از زدن شمشیر روایت کرده است این حدیث را ابو داود و در روایت
از ابو هریره مرفوعا زود ست که شود فتنه کر گنگ نابینا زبان درازی در آن مانند
زدن شمشیر ست **و** مر ابن ماجه راست از ابن عمر مرفوعا که پرهیز کنید از فتنه پس هر آئینه
زبان در آن مانند زدن شمشیر ست **باب** دربیان گفتن هلاک شدند مردمان
روایت ست از ابو هریره مرفوعا چون گوید مرد هلاک شدند مردمان پس او

٦٣

باب در بیان فخر و قول خیر ترین مردمان ست روایت کرده ست حدیث را مسلم

خدای تعالی فرمود من بهتر مردم و در روایت ست از عیاض بن حمار مرفوعا هر آیینه خدا

وحی کرده است بمن آنکه تواضع کنید تا آنکه فخر نکند یکی بر دیگرے و ستم نکند یکی بر دیگرے

روایت کرده است این را مسلم و در مسلم است از ابو مالک اشعری مرفوعا چار چیز

ست در امت من از کار جاهلیت که نخواهند گذاشت آنرا فخر کردن به احساب و طعن

کردن در نسبها و طلب کردن باران بستارها و نوحه کردن بر مرده و فرمود نوحه کننده چون

توبه نکند پیش از مرگ خود برانگیخته میشود در روز قیامت و بر او قمیص باشد از قطران

و زره باشد از خارش و در ترمذی است و تحسین آن کرده است البته منع شوند قومها

که فخر میکنند به پدران خود آنانکه مردند هر آیینه ایشان انگشت دوزخ اند یا البته شوند

بر خدا ذلیل تر از قانغوزک هر آیینه خدا دور کرده است از شما کبر جاهلیت را و فخر آن

به پدران جز این نیست انسان مومن پرهیزگار است یا بدکار بدبخت است مردمان پسران

آدم اند و آدم پیدا کرده شده است از خاک حدیث بتشدید یا بکسر آن کبر و فخر را گویند

باب در ذم طعن کردن در نسبها روایت است از ابو هریره مرفوعا دو خصلت

اند در مردمان که آن دو با ایشان کفر اند طعن کردن در نسب و نوحه کردن بر مرده

باب در بیان کسیکه دعوی نسب کند که نباشد آن نسب او را و در صحیحین است از

از ابو سعید مرفوعا کسیکه دعوی کند بغیر پدر خود و او میداند آنکه وی پدر ش نیست

پس بهشت بر وی حرام ست و در صحیحین است از ابو هریره مرفوعا رغبت نکنید از

پدران خود پس کسیکه رغبت کرد از پدر خود پس آن کفر ست پس بر وی ست لعنت خدا و

فرشتگان و مردمان همه قبول نمیکند خدا از وی در روز قیامت نفل و نه فرض باب در

بیان کسیکه بیزار شد از نسب خود در روایت است از عمرو بن شعیب از پدر خود از جده

او مرفوعا کسیکه بیزار شد از نسب خود اگرچه باریک باشد و دعوی کرد نسبی را که نشناخته

۶۴

۶۵

یا ان پس تحقیق کافر شد و مر طبرانی راست یعنی این از حدیث ابو بکر الصدیق رض
و مر ابو داود و ابن حبان راست از ابو هریره رض مرفوعاً هر زنیکه داخل کرد در قومی چیزی
را که نباشد از ایشان پس نیست در چیزی از دین خدا و هرگز داخل نخواهد کرد او را خدا
در بهشت و هر مردیکه انکار ولد خود کرد و او می بیند او را یعنی که ولد اوست نگردد
پرده شود خدا از و و رسوا کند او را پیش روی خلائق از پیشینیان و پسینیان باب در
بیان کسیکه دعوی کند چیزی را که نباشد آنچیز وی را و در بیان کسیکه چون جنگ کند فحش
گوید در ین باب است حدیث ابن عمر و روایت است از ابن مسعود رض و عمر کسیکه گفت که وی عالم
است پس او جاهل است و مر صحیحین راست از ابو ذر رض مرفوعاً نیست هیچ مردی که دعوی کند
بغیر پدر خود و او میشناسد وی را که پدر وی نیست مگر کافر شود و کسیکه دعوی کند چیزی را که
نباشد آنچیز او را پس نیست از ما و بگیرد جای خود را از آتش و کسیکه نسبت کرد مردی را بکفر
یا گوید ای دشمن خدا و نباشد او چنان مگر برگردد بروی باب در بیان دعوی کردن علم از
روی فخر روایت است از عمر رض مرفوعاً ظاهر ماند اسلام تا آنکه آمد و رفت کنند سوداگران
در دریا و تا آنکه مشغول مانند اسپان در راه خدا باز ظاهر شوند قومها که میخوانند قرآن را
گویند کیست زیاده قاری از ما کیست عالم تر از ما کیست بزرگ تر از ما باز فرمود آیا هست
در ایشان خیر گفتند خدا و رسول ص داناتر است فرمود این گروه از شما ست ای این امت پس
این کسان ایشانند آتش انگیز دوزخ روایت کرده است آنحدیث را بزار باسناد لا باس به و مر
طبرانی راست معنی گفته است ترمذی اسناد این حدیث حسن است باب در بیان انکار نعمت
در صحیح است از ابن عباس رض مرفوعاً داخل شدم در دوزخ پس دیدم اکثر باشنده آن زنان گفته
شد کافر میشوند بخدا فرمود نه ناشکری نیکی میکنند و ناشکری شوهران میکنند اگر نیکی کنی بلکه
بیکی از ایشان همیشه باز بیند از تو چیزی را گوید ندیدم از تو نیکی گاهی و روایت است از ابو هریره رض
مرفوعاً شکر نخواهد کرد خدای را کسیکه شکر مردمان نمیکند صحیح گفته است این را ترمذی و گفته حسن غریب است

و روایتست از جابر مرفوعا کسیکه داده شود چیزی پس بدل آن دهد اگر یافت پس اگر نیابد پس ثنا
گوید بر دهنده آن پس هر آئینه ثنا شکر ست پس اگر ثنا نگفت بر دهنده پس تحقیق شکر او نکرد و اگر پوشیده
کرد آنرا پس تحقیق ناشکری او کرد باب در بیان آنچه آمده هست در اهل طاعت تمسخر کردن به
ناتوانی ایشان روایتست از ابن مسعود رض گفت چون نازل شد آیت خیرات بودیم
می بردیم بر پشتهای خود پس آمد شخصی پس خیرات کرد چیزی پس گفتند ریاکار است و آمد مرد
پس خیرات کرد یکصاع پس گفت هر آئینه خدا بی پرواست از صاع این پس نازل شد کسانیکه
عیب میکنند خیرات کنندگان تا آخر آیه باب در تمسخر کردن و قول خدایتعالی هر آئینه گناهکاران
بودند که بر مومنان میخندیدند تا آخر آیه و قول خدایتعالی ای مومنان تمسخر نکنند قومی از قومی تا
آخر آیه روایتست از حسن گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم هر آئینه تمسخر کنندگان کشاده
شود واسطه ایشان دروازه پایان در بهشت پس گفته شود یکی را از ایشان بیا پس بیاید بغم و
اندوه پس چون بیاید نزدیک او بند کرده شود نزد او دروازه پس همیشه باشد چنین تا آنکه
یکی از ایشان کشاده کرده شود مر او را دروازه از دروازهای بهشت پس گفته شود او را بیا
پس نمی آید بآن از ناامیدی روایت کرده است این را بیهقی و مر بیهقی و ابن ابی حاتم و غیر آن
راست مرفوعا از ابن عمر رض کسیکه آمد عیب گوی غیبت کننده راست نشانی او آنکه داغ نهد او را
خدایتعالی بر بینی از هر طرف باب در ترسانیدن مسلمان و اظهار سیری نمودن بآنچه داده
نشده هست و مر صحیحین راست از اسما آنکه زنی گفت ای رسول خدا هر آئینه مرا انباغی ست آیا
هست بر من گناه آنکه اظهار سیری کنم از شوهر خود بآنچه نداده باشد مرا پس فرمود اظهار کننده
سیری بآنچه داده نشده باشد مانند پوشنده دو جامه دروغ ست باب در بیان کردن
گناه و مر صحیحین راست از ابو هریره مرفوعا امت من عفو کرده شود مگر ظاهر کنندگان و
هر آئینه از بیباکی ست آنکه عمل کند مرد در شب پس صباح کند و حال آنکه پوشیده باشد
او را خدا و گوید ای فلان کردم دوش چنین و چنان و حال آنکه پوشیده بود بر وی پروردگار او و صباح کند که بردارد پرده خدا را از وی ست باب در بیان آنچه آمده است در

۶۶

دشنام دادن بزنا روایت است از ابو هریره مرفوعا کسیکه نسبت کرد غلام خود را بزنا حد زده شود وی بر وجه در روز قیامت اگر باشد چنان باب در نهی از نام نهادن فاسق را سردار

روایت است از بریده رض مرفوعا مگوئید منافق را سردار پس هر آئینه وی اگر باشد سردار شما پس تحقیق بغضب آورید پروردگار خود را روایت کرده است این حدیث را ابو داود بسند صحیح باب در نهی از

قسم خوردن بامانت روایت است از بریده رض مرفوعا کسیکه قسم خورد بامانت پس نیست از ما روایت کرده است این را ابو داود بسند صحیح باب در نهی از قسم خوردن بملت غیر اسلام روایت

است از ابو زید گفت و فرمود رسول خدا صلی الله علیه کسیکه قسم خورد بملت غیر اسلام دروغ گوینده پس او هست مانند آنچه گفته است روایت کرده است این را صحیحین و روایت است از بریده رض

کسیکه قسم خورد پس گفت من بیزارم از اسلام پس اگر باشد دروغ گو پس او هست مانند آنچه گفته و اگر باشد راست گو پس هرگز رجوع نخواهد کرد باسلام بسلامت روایت کرده است

حدیث را ابو داود باب در بیان آنچه آمده است در غیبت قول الله تعالی و لا یغتب بعض شما بعضی را تا آخر آیه روایت است از ابو بکره آنکه رسول الله خطبه خواند

در روز نحر کدام ماه است این پس خاموش شدیم تا آنکه گمان کردیم که رسول الله نام خواهد نهاد آنرا بغیر نام وی پس فرمود آیا نیست ... پس فرمود کدام شهر است این

پس خاموش شدیم تا آنکه گمان کردیم آنکه رسول الله نام نهد آنرا بغیر نام آن ...

آیا نیست شهر حرام پس گفتیم آری ... فرمود کدام روز است این پس خاموش شدیم تا

آنکه گمان کردیم آنکه وی نام نهد آنرا بغیر آن پس فرمود ...

پس فرمود هر آئینه خونهای شما ...

روز شما که این است در ماه شما ...

با پروردگار خود پس سوال کند شما را از اعمال ...

بزنند بعض شما گردن بعضی را ...

بعض ازآنانکه برسد او را حدیث آنکه باشد خوب یاد دارنده از بعض آنانکه شنیده ست از وی

باز فرمود خبر دار آیا رسانیدیم گفتیم آری فرمود بار خدایا گواه شو روایت کرده ست این

را صحیحین و در صحیحین است از ابن عمر رض مرفوعا مسلمان کسی ست که سلامت مانند مسلمانان از زبان

او و دست او و مهاجر کسی ست که هجرت کند از انچه منع کرده ست خدا از آن و در روایت

ست از ابوهریرة رض مرفوعا کسیکه خورد گوشت برادر خود را در دنیا نزدیک کرده شود

آن برادر او را در روز قیامت پس گفته شود او را بخور او را مرده چنانچه میخوردی او را

زنده و ترش رو شود و فریاد زند روایت کرده ست این را ابویعلی و در ابن حبان ست در

قصه ماعز آنکه مردی گفت مر دیگری را ببین باینکه پرده کرد خدا بر وی پس نگذاشت نفس خود

را تا آنکه سنگسار کرده شد مانند سنگسار کردن سگ پس فرمود مر هر دو را رسول الله صلی الله علیه وسلم

بخورید از تن مردار این خر چنانچه خوردید آبروی این مرد را این جز این نیست گفتید سخت تر از

خوردن مردار و در صحیحین است از ابن عباس آنکه نبی صلی الله علیه وسلم گذشت بر دو قبر پس فرمود هرآینه

این دو عذاب داده میشوند و عذاب داده نمیشوند در کاری که اجتناب از آن سخت بود اما

یکی ازیشان پس بود که پاکی نمیکرد از بول و اما دیگر پس بود میرفت بچغلی و روایت کرده ست

بخاری در ادب مفرد مانند آن از روایت جابر و در روایتست که یکی ازیشان پس بود غیبت

مردمان میکرد و در ترمذی ست از عائشة رض آنکه وی گفت بس ست ترا از صفیه چنین و

چنان مقصود میداشت کوتاه قد پس گفت البته بتحقیق گفتی سخنی اگر آمیخته شود به آب دریا

البته متغیر میکرد آنرا باب در گمراه کردن نابینا از راه روایت ست آنکه نبی صلی الله علیه وسلم

لعنت کرد بر کسیکه گمراه کرد نابینا را از راه و در ابوداود و در ست از معاذ رض مرفوعا کسیکه

نگاه کرد مومن را از ضرر منافق بفرستد خدا او را فرشته که نگاهدارد او را در روز قیامت

از آتش دوزخ و کسیکه رسانید مومن را بشر میخواهد عیب او بند کند او را خدا بر پل دوزخ تا

آنکه پاک شود از انچه گفته است باب در مشهور کردن عیوب و قول خدا تعالی هرآینه کسانیکه

دو دستها بید شکند آنکه مشهور شو به بیحیائی و کسانیکه ایمان آوردند تا آخر آیه باب در رشوه
و قول خدا تعالی و نه خرید بدل آیتها بهای اندک را تا آخر آیه و روایتست از ابن عمر رض مرفوعا لعنت
گفته است رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر رشوت دهنده و رشوت خورنده صحیح گفته است این را ترمذی و
مر احمد راست از ثوبان رض مرفوعا که لعنت فرموده است رسول خدا صلعم بر رشوت دهنده و رشوه
خورنده باب در پیشکشهای امیران آیا خیانت است روایت است از ابو حمید ساعدی
گفت عامل گردانید رسول خدا صلعم مردی را بر جمع زکوة پس چون آمد گفت این برای شماست
و این تحفه داده شده است مرا پس فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم چه حال است آن مرد را که عامل میگردانیم
او را بر کاری از آنچه والی گردانیده است ما را خدا بر آن پس گوید این شمار است و این هدیه داده
شده است بمن پس چرا نمی نشیند یکی از شما در خانه پدر خود یا خانه مادر خود پس ببیند آیا
تحفه داده میشود او را یا نه قسم بآن ذات که نفس من در دست اوست نمیگیرد یکی از شما
چیزی را بغیر حق آن مگر ملاقات کند با خدا که می بردارد آنرا در روز قیامت اگر باشد شتر
مر او را آواز باشد یا گاو مر او را آواز باشد یا گوسپند که آواز کند باز بالا کرد هر دو دست
خود را تا آنکه دیدیم سفیدی بغلهای مبارک او باز فرمود بار خدایا تحقیق رسانیدم فرمود
این را سه بار باب در بیان پیشکش گرفتن بر شفاعت روایت است از ابو امامه رض
مرفوعا کسیکه شفاعت کرد برادر خود را پس تحفه داده شد او را بر آن تحفه پس قبول کرد
آنرا پس تحقیق آمد بدروازه از دروازه های ربا روایت کرده است این را ابو داود و
روایت کرده است ابراهیم حربی از ابن مسعود رض گفت رشوت آنست که ادا کند کسی حاجت
کسی را پس تحفه فرستد وی با وی پس قبول کند آنرا و مر ابراهیم راست از مسروق از ابن مسعود رض
کسیکه رد کرد از مسلمان مشکلی پس بدل آن داد او را بر آن اندک یا بسیار پس آن
رشوت است گفتم ای ابا عبد الرحمن نبودیم که ببینیم سحت را مگر رشوت در حکم فرمود
کفرست و کسیکه حکم نکند بآنچه فرستاده است خدا پس آن گروه ایشانند کافران باب در

٧٩

خیانت و قول خدای تعالی و نیست هیچ نبی را آنکه خیانت کند و کسیکه خیانت کرد بیارد خیانت
خود را در روز قیامت تا آخر آیه روایتست از ابوهریره مرفوعا گفت او چون فتح
خیبر کرد خدای تعالی روان شدیم بوادی و با رسول الله صلعم غلامی بود گفته میشد او را مدعم کس
چو فرود آمدیم در وادی زده شد او به تیری پس مردم گفتیم مبارک باد او را شهادت
ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود نه چنین ست قسم بآن ذاتیکه نفس من در دست او ست هر آینه
شالکی شعله میزند بر روی آتش شده که گرفته بود آنرا از غنایم در روز خیبر که نرسیده بود
آنرا قسمت پس ترسیدم مردمان پس آمد مردی بیک تسمه یا دو تسمه از آتش ست روایت
کرده است این را صحیحین باب در جهاد بغیر سرواران و قول خدای تعالی ای کسانیکه ایمان
آوردند فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و صاحبان حکم را از شما تا آخر آیه و قول
خدای تعالی پس بترسید از خدا قدر طاقت خود روایتست از معاذ بن جبل مرفوعا که غزا
دو است پس کسیکه طلب کند بآن رضامندی خدا و فرمانبرداری امام کرد و خرج کرد مال
خوب و آسانی کند با شریک پس هر آینه خواب او و بیداری او ثواب است همه آن و کسیکه
غزا کرد از روی فخر و نموداری و نافرمانی امام و فساد کرد در زمین پس هر آینه وی نمی
گردد به برابری روایت کرده است این را مالک و ابوداود و در روایتست از ابن عمر مرفوعا
که شنیده شود حکم امیر و تابعداری او کرده شود در آنچه دوست دارد و ناپسند دارد پس
چون حکم کند بگناه پس نیست شنیدن و نه فرمانبرداری کردن روایت کرده است این را صحیحین
باب در بیرون شدن از جماعت مسلمانان و قول خدای تعالی و کسیکه نافرمانی رسول کند
بعد از واضح شدن هدایت او را تا آخر آیه و قول خدای تعالی و چنگ زنید برسن خدا همه
و تفرق مکنید روایتست از ابن عباس مرفوعا کسیکه ناخوش دارد از امیر چیزی را
پس باید که صبر کند پس هر آینه شان اینست کسیکه بیرون رفت از پادشاه مرد میرد مرگ
جاهلیت روایت کرده است این را صحیحین و در مسلم روایتست از حذیفه مرفوعا باشد پس از من

من پادشاهان که نروند بر راه من و نه عمل کنند بر سنت من و در ایشان مردانی باشند
دلهای ایشان دلهای شیطانان است در صورت انسان گفتم چگونه کنم ای رسول خدا اگر یابم
آن را فرمود بشنو و فرمانبرداری امیر کن و اگر چه بزند پشت ترا و بگیرد مال ترا و فرمانبرداری
کن و در مسلم است از عرفجه اشجعی مرفوعا کسیکه آید بشما و حال آنکه کار شما متفق بر یک
شخصی است میخواهد که بشکناند عصای شما را و پراگنده کند جماعت شما را پس بکشید او را

باب در بیان آنچه آمده است در رفتن و قول خدای تعالی و بترسید از فتنه که نمیرسد ستمگاران
را از شما خاص و قول خدای تعالی او است قادر بر آنکه بفرستد بر شما عذابی را تا آخر آیه روایت
است از ابن عمر گفت و بودیم در سفر پس آواز داد رسول خدا صلعم نماز جمع کننده است پس
جمع شدیم پس فرمود هر آینه شان نیست هیچ نبی پیش از من مگر بود حق بر وی و دلالت کند
امت خود را بر بهتر آنچه میداند ایشان را و بترساند ایشان را از شر آنچه میداند ایشان را و هر آینه
امت من این گردانیده است خدا عافیت ور اول آن و زود است که برسد آخر این را
بلاهای و کارها که ناخوش دارید آن را و بیاید فتنها بعضی در پس بعضی پس گوید مومن این
هلاکت من است باز بر داشته شود و باز بیاید فتنه پس گوید این است پس کسیکه دوست دارد
آنکه داخل شود به بهشت و دور شود از آتش پس بیاید او را مرگ او و او مومن باشد
بخدا و بروز آخرت و دوست میدارد مردمانرا آنچه دوست دارد نفس خود را و کسیکه بیعت
کند با امامی و بدهد او را میوه دل خود پس وفا کند به بیعت خود روایت کرده است این را
مسلم و در روایت از ابو هریره مرفوعا شتاب کنید بعملها پیش از آمدن فتن مانند قطعه های
شب تاریک بامداد کند آدمی مومن و شب کند کافر و شب کند مومن و صبح کند کافر
بفروشد دین خود را بمتاعی از دنیا و در مسلم است از معقل بن یسار مرفوعا که عبادت
در جنگ مانند هجرت است بمن و در صحیحین است از حذیفه آنکه عمر گفت کدام یک از شما یاد
میدارد قول رسول خدا صلعم در فتنه پس گفتم منم پس فرمود بیار هر آینه تو بر وی دلیر

پس گفتم شنیدم از وی که میگفت که فتنهٔ مرد در اهل او و مال او و اولاد او و همسایه او
دور میکند آنرا نماز و روزه و صدقه و امر به نیکی و نهی از بدی پس گفت اراده نمیدارم این
را جز این نیست اراده دارم آنکه موج میزند مانند موج دریا پس گفتم نیست ترا با آن تعلق
ای امیر مومنان درمیان تو و درمیان آن دروازه ایست بند کرده شده پس گفت آیا
کشاده کرده شود دروازه یا شکسته شود گفتم بلکه شکسته شود فرمود این لائق تر آنست
که بند کرده نشود پس گفتم حذیفه را آیا بود عمر که میدانست که کیست دروازه گفت چنانچه
میدانست آنکه پس روز شب است هر آئینه من حدیث گفتم او را حدیثی که نبود غلطیها پس
ترسیدیم سوال کنیم ازو که کیست دروازه پس گفتیم مسروق را که سوال کن تو از وی
پس سوال کرد از وی پس گفت عمر بود و مسلم روایت کرد ابوبکره مرفوعا آنکه زود است که
شود فتنها نشسته در آن بهتر است از استاده و استاده در آن بهتر است از رونده و
رونده در آن بهتر است از کوشش کننده بطرف آن خبردار وقتیکه فرود آید آن فتنه یا
واقع شود پس کسیکه باشد او را اشتران پس پیوسته شود بشتران خود و کسیکه باشد او را
گوسپند پس پیوسته شود بگوسپندان خود و کسیکه باشد او را زمین پس پیوسته شود و را
بزمین پس گفت او را مردی ای رسولخدا صلی الله علیه وسلم خبر ده مرا از حال کسیکه نباشد او را اشتران
و نه گوسپندان و نه زمین گفت قصد کند بشمشیر خود پس بزند آنرا بسنگ باز رهائی طلبد
اگر طاقت رهائی داشته باشد گفت بارخدایا تحقیق رسانیدم گفت این را سه بار پس
گفت مردی ای رسولخدا آیا می بینی اگر جبر کرده شدم تا آنکه برده شوم بیکی از دو صف
پس بزند مرا مردی بشمشیر خود یا بیاید تیری پس بکشد مرا گفت بگردد بگناه تو و بگناه خود
پس شود از اهل دوزخ و مر ابن ماجه راست از سعد که گفت او ای رسولخدا آیا می
بینی اگر داخل شد بر من در خانه من و کشاد طرف من دو دست خود را تا آنکه بکشد مرا
گفت باش مانند بهتر از دو پسر آدم و خواند قول خدای تعالی اگر دراز کنی بطرف من

دست خود را تا کشتی مرا بیتم من دراز کننده دو دست خود بطرف تو تا بکشم ترا تا آخر آیه باب در بزرگی کشتن آن نفس که حرام کرده است آنرا خدا مگر بحق روایت است از سالم بن عبد الله بن عمر گفت ای اهل عراق سوال نمیکنیم از شما از کم چه سوال میکنم شما را بچیزی بزرگ شنیدم از پدر خود که میگفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود فتنه خواهد آمد ازین طرف و اشارت کرد بدست خود بطرف مشرق از آن طرف بخیزد شاخ شیطان و شما در آن وقت بزند بعض شما گردنهای بعضی را و جز این نیست که کشت موسی آنکس را که کشت از کسان فرعون بخطا پس فرمود خدا تعالی و کشتی نفسی را پس را کردیم ترا و آزمایدیم ترا آزمائیدن روایت کرده است این را مسلم و در صحیحین است از مقداد که گفتم ای رسول خدا ام خبر ده مرا اگر ملاقات کردم مردی را از کفار پس جنگ کردیم باهم پس زد یکی از دو دست من به شمشیر پس بیداد آن را باز پناه گرفت از من بدرختی پس گفت گردن نهادم مر خدا را آیا بکشم او را فرمود مکش او را پس اگر کشتی او را پس هر آینه وی بمرتبه تست پیش از کشتن تو او را و تو بمرتبه اوئی پیش از گفتن وی آن کلمه را که گفته است آنرا و در صحیحین است از اسامه گفت او فرستاد ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم بحرقه که قومی است از جهینه پس تاراج کردیم قوم را بر آبهای ایشان و پیوست شدم من و مردی از انصار مردی را از ایشان پس چون پوشانیدیم او را فرمود نیست لائق عبادت غیر خدا پس بند شد از وی انصاری پس زدم او را به نیزه خود پس کشتم او را پس چون آمدیم رسید این ماجرا برسول خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود مرا ای اسامه آیا کشتی او را پس از آن که گفت نیست لائق عبادت غیر خدا گفتم ای رسول خدا جز این نیست بود ... پناه گیرنده پس فرمود آیا کشتی او را پس از آن که گفت نیست لائق عبادت غیر خدا پس همیشه بود که مکرر میکرد این سخن را تا آنکه آرزو کردم آنکه

بودم اسلام می‌آوردم پیش از این روز و در روایتی ست فرمود آیا شگافتی دل
او را ق م مسلم راست گفت ای رسول خدا آمرزش طلب کن مرا فرمود چه خواهی کرد
به لا اله الا الله در روز قیامت ق م بخاری راست از ابن عمر مرفوعا همیشه باشد
بنده در فراخی از دین خود تا آنکه نرسیده است خون حرام را باب در بسیار
کردن لشکر در فتنه‌ها روایت است از ابوهریره رض آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم
فرمود کسیکه برداشت بر ما اسباب کارزار نیست از ما روایت کرده است این حدیث
را مسلم ق م بخاری راست از محمد بن عبد الرحمن بن الاسود که گفت مقرر کرده شد
بر اهل مدینه لشکری پس نوشته کرده شدم در آن پس ملاقات کردم با عکرمه پس خبر دادم
او را پس منع کرد مرا به سخت منع و گفت خبر داده است مرا ابن عباس آنکه مردانی
از مسلمانان بودند با مشرکان بسیار میکردند جماعت مشرکان را می‌آمد تیر پس میرسید یکی
را از ایشان پس میکشت او را یا میزد او را پس میکشت پس نازل کرد خدای تعالی این آیه
کسانیکه قبض روح ایشان کردند فرشته‌ها در آن حال که ستم کنندگان بودند بر جانهای خود تا
آخر آیه و قول رسول الله ولکن مستحق عذاب کسی است که راضی شد و تابعداری کرد باب
در بیان آزار دادن والدین و قول خدای تعالی شکر کن مرا و مادر و پدر خود را الی طرف من
است بازگشت روایت است از ابن عمر که آمد مردی به رسول خدا صلی الله پس گفت ای رسول
خدا بیعت میکنم با تو بر هجرت و جهاد میخواهم ثواب از خدای تعالی فرمود آری فرمود پس بازگرد
بمادر و پدر خود پس خوب کن خدمت ایشان را روایت کرده است این را صحیحین و لفظ حدیث
مسلم راست و در روایت است از معاویه بن جاهمه آنکه جاهمه آمد به نبی صلی الله پس گفت ای رسول خدا اراده
دارم آنکه غزا کنم و تحقیق آمدم مشورت میخواهم از تو فرمود پس آیا هست ترا مادر گفت آری
فرمود پس لازم گیر خدمت او را پس هر آئینه بهشت نزدیک دو پای اوست روایت کرده
است این را احمد و نسائی و در روایت است از ابوهریره آنکه مردی گفت ای رسول خدا کیست

٧٩

لائق ترین مردمان بنیکی کردن من فرمود مادر تو ست گفت باز کیست فرمود مادر
تو گفت باز کیست فرمود مادر تو گفت باز کیست فرمود پدر تو روایت کرده است
این را صحیحین و در بخاری است از ابن عمر مرفوعا که گناهان بزرگ شریک مقرر کردن
با خداست و آزار دادن والدین است و کشتن نفس است و قسم دروغ است باب
در بیان قطع صله و قول خدای تعالی و گمراه نمیشود بآن مگر فاسقان که میشکنند عهد
خدا را تا آخر آیه و در صحیحین است از جبیر بن مطعم که داخل نخواهد به بهشت قطع کننده رحم
و در صحیحین است از ابو هریره رض مرفوعا هر آینه خدا پیدا کرد خلق را تا آنکه فارغ شد از
ایشان خواست رحم پس فرمود این مقام پناه گیرنده است بتو از قطع رحم گفت آری
آیا خوش نمیشوی بآنکه وصل کنم با کسیکه بپیوست میکند ترا و قطع کنم با کسیکه قطع کند ترا
گفت آری فرمود پس این است پس فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم بخوانید اگر خواهید
پس ای ضعیف ایمان اگر متولی امور مردمان شوید البته نزدیک آید از آنکه تباه کاری
کنید در زمین و قطع قبیله داری کنید تا آخر آیه **باب** در اذی رسانیدن همسایه و
قول خدای تعالی و نیکی کنید بهمسایه صاحب قرابت و همسایه دور تا آخر آیه روایت
است از ابو شریح مرفوعا کسیکه ایمان می آرد بخدا و روز آخرت پس بگوید خیری را یا
خاموش شود روایت کرده است این را مسلم و در صحیحین است از ابو هریره مرفوعا قسم
بخدا ایمان نمی آرد قسم بخدا ایمان نمی آرد گفته شد ای رسول خدا کدام کس فرمود کسیکه
در امن نباشد همسایه او از فسادهای وی و در روایتی است داخل نخواهد شد به بهشت
کسیکه در امن نباشد همسایه او از شرهای او بوائق فسادها و شرها را گویند و در ترمذی است
و حسن گفته است او را از ابن عمر مرفوعا بهترین یاران نزدیک خدا بهترین ایشان است
مر همسایه خود را و در مسند و صحیح حاکم است از عمر مرفوعا هر اهل میدانی که صباح کند
در ایشان مرد گرسنه پس بتحقیق بیزار شد از ایشان امان خدای بابرکت و بلند و در

صحیح حاکم ستاز ابن عباس رض مرفوعا نیست مومن آنکه سیر شود وی و همسایه وی گرسنه باشد و در روایتی ست مومن نیست کسیکه شب گذارد و همسایه او گرسنه باشد باب در سبک شمردن اهل فضل روایتست از ابن عمر رض مرفوعا نیست از ما کسیکه رحم نمیکند بر خورد ما و نمی شناسد بزرگی کلان ما صحیح گفته است این را ترمذی و مر ابوداود راست از ابو موسی مرفوعا که از عزت دادن بخداست عزت دادن بصاحب موی سفید مسلمان و حافظ قرآن نه تجاوز کننده از حد و نه دور شونده از عمل آن نیست از امت من کسیکه عزت کلان سال ما نکند و رحم نکند بر خورد ما و نشناسد عالم ما را و حق او باب در نا خوش کردن شوهر و قول خدا تعالی پس زنان نیکوکار فرمان بردارنده نگاهدارنده در غیبت شوهر بنگاهداشت خدا تا آخر آیه روایت ستاز ابو هریره رض مرفوعا قسم بآن ذات که نفس من در دست اوست نیست هیچ مردی که میخواند زن خود را بفراش خود پس انکار کند او بر وی مگر لعنت گوید بر وی فرشتها تا آنکه بامداد کند روایت کرده است این را صحیحین و در روایت ستاز ابو هریره رض مرفوعا اگر می بودم که امر میکردم کسی را که سجده کند کسی را البته امر میکردم زن را که سجده کند شوهر را باب در ایذای رسانیدن به نیکان و قول خدا تعالی کسانیکه ایذا میرسانند مومنان و مومنات را بغیر آنچه کردند تا آخر آیه روایت ست از ابو هریره رض آنکه ابو سفیان آمد به سلمان و صهیب و بلال در چند کس پس گفتند نگرفت شمشیر های خدا از گردن دشمن خدا جای گرفتن خود پس گفت ابوبکر آیا میگوئید این مر شیخ قریش و سردار ایشان را پس آمد برسول الله صلی الله علیه وسلم پس خبر داد او را پس فرمود ای ابوبکر شاید که تو خشم کرده باشی بر ایشان اگر خشم کرده باشی بر ایشان البته تحقیق خشم کردی بر پروردگار خود پس فرمود ابوبکر ای برادران من شاید که من خشم کردم بر شما گفتند نه آمرزش کند ترا خدا تعالی ای برادرمن و مر مسلم راست و حسن گفته است او را ابوبکر کسیکه تحقیر سلطان کند ذلیل کند او را خدا باب در آنچه آمده است در امانت

وخیانت وتفسیر امانت وقول خدای تعالی هر آیینه خدای تعالی امر میکند شمارا آنکه ادا کنید امانت
هارا باهل آن وقول خدای تعالی هر آیینه ما پیش کردیم امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها روایت
کرده است بیهقی از ابن مسعود که گفت او کشتن در راه خدا دور میکند گناهان را همه آن
مگر امانت وقرض آورده شود بنده در روز قیامت واگرچه کشته شده باشد در راه
خدا پس گفته شود او را ادا کن امانت خود را پس گوید ای پروردگار من چگونه دهم و تحقیق
رفته است دنیا پس گفته شود ببرید او را بهاویه پس ببرد او را بآن ومتصور شود امانت
وی مانند شکل آن در روزیکه افتاده بود ببوی پس قصد کند در پی وی تا آنکه بیابد آن
را پس بردارد آنرا بر شانه خود تا آنکه گمان کند که او بیرون شونده است بلغزد از
شانه وی پس فرو رود در پی آن همیشه همیشگان فرمود او نماز امانت است و وضو امانت
است وسنجید امانت است وپیمانه کردن امانت است وشمرد چیزها را وسخت ترین آن
امانات است پس آمدم ببرا پس گفتم آیا نمی بینی باآنچه میگوید ابن مسعود گفت چنین و
چنان گفت راست گفته است آیا نشنیده که خدای تعالی میگوید هر آیینه خدا امر میکند شمارا
آنکه ادا کنید امانات را باهل آن گفته است زید بن اسلم آن غسل است از جنابت و روزه
آنچه پوشیده است از احکام باب سرداریها از امانت است روایت است از
ابو هریره رض آنکه یک اعرابی سوال کرد از رسول الله صلی الله علیه وسلم کی باشد قیامت
فرمود وقتیکه ضائع کرده شود امانت پس منتظر قیامت باشید گفت وچگونه است ضائع
شدن آن فرمود وقتیکه سپرده شود کار بغیر اهل آن پس انتظاری قیامت کنید
روایت کرده است این را بخاری باب در نهی از طلب سرداری روایت است
از عبد الرحمن بن سمره مرفوعا که سوال مکن امارت را پس هر آیینه تو اگر داده شدی
سرداری بغیر سوال کردن مدد داده شوی بر آن واگر داده شدی آن از سوال
سپرده شوی بآن ووقتیکه قسم خوری بر چیزی پس ببینی غیر آن بهتر از آن

٧٨

پس بیا بآنچیزیکه آن بهترست و کفارت ده از قسم خود روایت کرده است این را صحیح

و مسلم روایت ست از ابو ذر گفتم ای رسول خدا آیا عامل نمیکنی مرا پس زد و بشانه مرا بدست خود

باز فرمود ای ابو ذر بدرستیکه من می بینم ترا ناتوان و هر آینه سرداری در روز قیامت رسوائی

و پشیمانی ست مگر کسیکه گرفت آنرا بحق آن و ادا کرد آنرا که بر ویست در آن **باب**

در آنچه آمده است در خیانت کردن حق رعیت **روایت** ست از معقل بن یسار

هیچ سرداری که سردار شود رعیتی را از مسلمانان پس بمیرد و بدخواه ایشان باشد مگر

حرام کند خدا بر وی بهشت را روایت کرده است این را صحیحین و در روایتی از وی

که گفت او شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود نیست هیچ بنده که طلب

نگاهبانی کند خدا او را رعیتی را پس در نگیرد ایشانرا بخیرخواهی مگر نیابد بوی بهشت را

روایت کرده است این را صحیحین **باب** در شفقت بر رعیت و قول خدا تعالی و زیر

کن بازوی خود را برای مومنان و قول خدا تعالی پس بسبب مهربانی خدا نرم شدی

ایشانرا تا آخر آیه **و** مسلم روایت ست از عائشه رض مرفوعا کسیکه سردار شد از کار امت من

چیزی را پس سختی کرد بر ایشان پس سختی کن بروی و کسیکه سردار شد از کار امت من

چیزی را پس مهربانی کرد بر ایشان پس مهربانی کن بروی **باب** در پرده شدن از

رعیت **روایت** ست از ابو مریم ازدی آنکه وی گفت معاویه را شنیدم از

رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود کسیکه سرداری داد او را خدا در چیزی از کارهای

مسلمانان پس پرده کرد از حاجت ایشان و ضرورت ایشان و احتیاج ایشان مگر

پرده کند خدا از حاجت و ضرورت و احتیاج او در روز قیامت پس مقرر کرد معاویه

مردی را بر کارهای مردمان روایت کرده است این را ابو داود و ترمذی **و** مر

ابو داود راست از عمرو بن مره جهنی صحیح گفته است این را حاکم **باب** در دوستی

کردن در سرداری **روایت** کرده است احمد و حاکم و صحیح گفته است او را از یزید بن ابی

سفیان آنکه ابوبکر گفت او را ای یزید هر آینه ترا قرابت هست شاید که تو اختیار کنی ایشان

را بسرداری و این بسیار ترست که میترسم بر تو پس از آنکه فرموده است رسول خدا صلی الله

علیه وسلم کسیکه والی شد از کارهای مسلمانان چیزی را پس سردار ساخت کسی را از روی دوستی

پس بروی است لعنت خدا قبول نمیکند خدا از وی فرض و نه نفل تا آنکه داخل کند او را در

جهنم ق مر حاکم روایت و تصحیح آن کرده است از ابن عباس رض مرفوعا کسیکه عامل گرداند

کسی را بر گروهی و در ایشان کسی باشد دوست تر بخدا از وی پس بتحقیق خیانت کرد

خدا و رسول او و مومنان را باب در ستم و ظلم و خوف سرداری روایت کرده

حاکم و صحیح گفته است او را که نیست هیچکس که باشد هر چیزی از کارهای این امت پس انصاف

نکند مگر سرنگون کند او را خدا تعالی در دوزخ ق روایت است از معاذ مرفوعا بترسید از بد

دعای مظلوم پس هر آینه آن نیست در میان وی و در میان خدا پرده ق مر مسلم روایت

از عدی بن عمیره مرفوعا کسیکه عامل گردانیم ما او را بر کاری پس پوشانید از ما سوزنی

پس آنچه بالای آنست هست خیانت بیاورد آنرا در روز قیامت وای است سرداران

را وای است کلانتر ها را وای است امینان را البته آرزو کنند قومهای در روز

قیامت آنکه گیسوهای ایشان می بود آویزان شده به پروین می آویختند در میان آسمان

و زمین و نمی بودند که حاکم میشدند بر چیزی باب در سرداری کسیکه خوب عدل

تواند روایت است از ابوذر مرفوعا ای ابوذر هر آینه من می بینم ترا ناتوان و

هر آینه من دوست میدارم ترا آنچه دوست میدارم جان خود را امیر مشو بر دو کس و

والی مال یتیم مشو روایت کرده است این را مسلم ق مر ابوداود روایت از بریده مرفوعا

که قاضیان سه اند یک در بهشت است و دو در دوزخ پس آنچه در بهشت است

پس مردیست که شناخت حق را پس حکم کرد بآن و مردیست که شناخت حق را و بجور

کرد در حکم پس او در دوزخ است و مردیست که حکم کرد مردمان را بجهل پس وی

در دوزخ ست و مسلم روایت کرد از ابو هریره کسیکه فتوی داده شد و فتوی بغیر علم گناه آن بر کسیکه فتوی داده ست او را **باب** در امانت در فروختن و خریدن و پیمانه و ترازو و قول خدا تعالی پس ادا کند کسیکه امین شمرده شده ست امانت وی را روایت ست از حذیفه گفت او سخن فرمود مارا رسول خدا صلی الله علیه وسلم دو سخن یکی را از آن دو دیدم و من منتظر دیگرم سخن فرمود مارا آنکه امانت فرود آمد در میان قعر دلهای مردمان باز فرود آمد قرآن پس عالم شدند از قرآن و عالم شدند از سنت باز سخن فرمود مارا از برداشتن امانت پس فرمود خواب کند آدمی یکبار خواب کردن پس برداشته شود امانت از دل او پس بگردد آن مانند اثر وکت باز خواب کند یکبار خواب کردن پس بگردد اثر آن مانند آبله مانند اخگری که غلطاندی آنرا بر پای خود پس بر آمد پس بینی آنرا بالا آمده و نباشد در آن چیزی باز گرفت سنگریزه را پس غلطانید آنرا بر پای خود پس صبح کنند مردمان که خرید و فروخت کنند پس نزدیک نباشد یکی از ایشان که ادا کند امانت را تا آنکه گفته شود هر آینه در بنی فلان مردی ست امین تا آنکه گفته شود مرد را که چه قوی ست و چه هوشیار ست و نباشد در دل او مانند یک دانه از ایمان و البته آمده ست بر من زمانه و باک نمیداشتم با هر یکی از شما که خرید و فروخت کنم پس اگر مسلمان میبود میگفتم البته رد خواهد کرد آن امانت را بر من دین وی و اگر می بود جهودی یا نصرانی میگفتم البته رد خواهد کرد آنرا بر من عامل وی و اما امروز نیستم من که معامله کنم با شما مگر با فلان و فلان جذر اصل را گوید و وکت اثر اندک را گوید و مجل آماس از کار و مسلم روایت کرد در حدیث شفاعت و فرستاده شود امانت و رحم پس ایستاده شوند هر دو طرف صراط راست و چپ **باب** در قول رسول الله صلی الله علیه وسلم همه شما شبان ست و همه شما سوال کرده شوند از رعیت خود و قول خدا تعالی ای مومنان نگاه کنید جانهای خود را

فی النار وکذلک عن ابی هریرة من افتی فتیا بغیر علم کان اثم ذلک علی الذی افتاه باب الامانة فی البیع والکیل والوزن وقول الله تعالی فلیؤد الذی اؤتمن امانته عن حذیفة قال حدثنا رسول الله صلی الله علیه وسلم حدیثین رأیت احدهما وانا انتظر الآخر حدثنا ان الامانة نزلت فی جذر قلوب الرجال ثم نزل القرآن فعلموا من القرآن وعلموا من السنة ثم حدثنا عن رفع الامانة فقال ینام الرجل النومة فتقبض الامانة من قلبه فیظل اثرها مثل اثر الوکت ثم ینام النومة فتقبض فیبقی اثرها مثل المجل کجمر دحرجته علی رجلک فنفط فتراه منتبرا ولیس فیه شیء ثم اخذ حصاة فدحرجه علی رجله فیصبح الناس یتبایعون فلا یکاد احدهم یؤدی الامانة حتی یقال ان فی بنی فلان رجلا امینا حتی یقال للرجل ما اعقله وما اجلده وما اظرفه وما فی قلبه مثقال حبة من خردل من ایمان ولقد اتی علی زمان وما ابالی ایکم بایعت لئن کان مسلما لیردنه علی دینه وان کان نصرانیا او یهودیا لیردنه علی ساعیه واما الیوم فما کنت ابایع منکم الا فلانا وفلانا

80

وفی حدیث الشفاعة وترسل الامانة والرحم فتقومان جنبتی الصراط یمینا وشمالا باب قول رسول الله صلی الله علیه وسلم کلکم راع وکلکم مسؤل عن رعیته وقول الله تعالی یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم

رسول الله صلی الله علیه وسلم

کسان خود را از آتش تا آخر آیه روایت ست از ابن عمر که گفت او فرمود رسولخدا
صلی الله علیه وسلم همه شما شبانید و همه شما سوال کرده شوند از رعیت خود پس پادشاه
آنکه بر مردمان ست شبان ست و وی سوال کرده شود از رعیت خود و مرد بر کسان
خانه خود شبان ست و او سوال کرده شود از رعیت خود و زن شبان ست بر خانه
شوهر خود و اولاد و او سوال کرده از ایشان و پسر شبان ست بر مال پدر خود و او سوال
کرده شود از رعیت خود و غلام مرد شبان ست بر مال آقای خود و او سوال کرده
شود از آن پس همه شما شبان ست و همه شما سوال کرده شوند از رعیت خود
متفق علیه ست **باب** در نرمی کردن با غلام **روایت** ست از ابن مسعود آنکه وی
زد بنده خود را پس فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم هر آئینه خدا توانا ترست بر تو از
توانای تو بر این غلام پس گفتم وی آزاد ست برای رضای خدا پس فرمود خبردار
اگر نمیکردی البته میسوخت ترا آتش یا میرسید ترا آتش **باب** در چهارپایان
روایت ست از ابن عباس آنکه رسولخدا صلی الله علیه وسلم گذشت بر خری تحقیق
داغ نهاده شده بود در روی او پس فرمود لعنت کند خدا کسی را که داغ نهاده
است بر وی و در روایتی ست منع کرد رسول الله از زدن در روی روایت کرد
است این را مسلم و در صحیحین ست از ابو هریره مرفوعا داخل شد زنی در آتش بسبب
گربه که بند کرده بود آنرا پس نه طعام میداد او را و نه میگذاشت او را که بخورد از
حشرات زمین تا آنکه مرد و در مسلم ست از ابن عمر مرفوعا بس ست آدمی را گناه آنکه
بند کند از مال خود قوت وی و در ابو داود ست آنکه ضائع کند چیزیرا که قوت
وی ست و در صحیحین ست از حسن آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود صاحب
آن شتر را که علف نمیداد او را خبردار هر آئینه وی البته مخاصمه کند با تو در روز قیامت
باب در گریختن غلام **روایت** ست از جریر مرفوعا هر بنده که گریخت

پس تحقیق بری شد از وی ذمه خدا روایت کرده است این را مسلم **باب** در ستم بر حر
فرموده است خدای تعالی سه شخص است که من جنگ کننده هستم با ایشان در روز قیامت
مردی است که داد عهد بنام من باز غدر کرد و مردی است که فروخت آزاد را پس
خورد قیمت آنرا و مردی است که مزدور گرفت مزدوری را پس تمام میخواهد از و
عمل و نمیدهد او را مزدوری او روایت کرده است این را بخاری **باب** در سوال
کردن زن طلاق را روایت کرده است ترمذی و حسن گفته است او را و ابن حبان
در صحیح خود از ثوبان مرفوعا هر زنیکه سوال کرد از شوهر خود طلاق را از غیر ضرورت پس
حرام است بر وی بوی جنت **باب** در بیان آنچه آمده است در دیوث **روایت** است
از ابن عمر مرفوعا سه شخص اند که داخل نشوند به بهشت آزار دهنده مادر و پدر و دیوث و
زنان مشابهت کنندگان با مردان روایت کرده است این را طبرانی دیوث کسی است که
باک ندارد با آنکس که داخل شود بر زن او و رجله آن زن است که مشابهت با مردان میکند
باب در ظلم بر زن روایت کرده است طبرانی از راویان ثقه آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم
فرمود هر مردی که به نکاح گرفت زنی را بر کم از مهر یا بسیار نباشد در دل او آنکه ادا
کند او را حق وی ملاقات کند خدا را او زناکننده باشد **باب** در اشارت کردن
بسلاح برای بازی **روایت** است از ابو هریره که گفت او اشارت نکند یکی از شما بسلاح
برادر خود پس هر آئینه وی نمیداند شاید که شیطان بکشد آنرا از دست او پس بیفتد در حفره
از آتش **و** مسلم راست کسیکه اشارت کند به برادر خود با آهنی پس هر آئینه فرشتگان
لعنت میگویند او را تا آنکه باز گرداند آنرا و اگرچه باشد برادر او از پدر او و مادر او
و ترمذی راست نهی کرده است رسول خدا صلی الله علیه وسلم آنکه با هم دهند شمشیر برهنه و
روایت است از ابو بکره آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم گذشت بر یک قومی که با هم میدادند
شمشیر برهنه پس فرمود لعنت کند خدا بر کسیکه بکند این را آیا نهی نکرده بودم از این

و وقتیکه بکشد یکی از شما شمشیر خود را پس بهبیند آنرا پس اراده کند آنکه بدهد آن را

به برادر خود پس در میان اندازد آنرا باز بدهد آن را **باب** در ننگ روایت است

از جندب بن مسعود مرفوعا پس اول کسیکه بدو میدهد قوم خود را بر ناحق پس وی مانند آن

شتر ست که بیفتد در چاه پس وی بیرون میشود و بجنبانیدن دم خود **باب** در کسیکه

جای دهد بدعتی را روایت است از علی رض گفت او حدیث فرمود ما را رسول خدا صلی الله علیه

و سلم بچهار سخن لعنت کند خدا بر کسیکه ذبح کند برای غیر خدا لعنت کند خدا بر کسیکه لعنت

گوید بر مادر و پدر خود و لعنت کند خدا بر کسیکه جای دهد بدعتی را لعنت کند خدا بر کسیکه

تغییر داد نشانهای زمین را روایت کرده است این را مسلم **کتاب** در ستم او قول خدا

هر آینه کسانیکه میخورند مالهای یتیمان بستم تا آخر آیه **باب** در غصب زمین روایت است

از سعد بن زید مرفوعا کسیکه گرفت بقدر یک بلشت از زمین بجبر پس هر آینه وی طوق

کرده شود آن زمین در روز قیامت از هفت زمین **باب** در ستمها در ادای ان

روایت است از ابن عمر مرفوعا سه شخص اند قبول نمیکند خدا از ایشان نماز کسیکه امامت

کند قومی را و ایشان وی را مکروه دانندگان باشند و مردی ست که بیاید بنماز و باز دو

و بار آنکه بیاید بنماز پس از فوت وقت آن و مردی ست که غلام گرداند آزاد را روایت

کرده است این را ابوداود و طبرانی بسند تر روایت است از ابوامامه مرفوعا کسیکه بزند

پوست پشت مسلمان بناحق ملاقات کند با خدا و او بروی خشمناک باشد **باب** در ستم

در مالها و در صحیح ست و تاراج نمیکند تاراج کردن که بالا میکنند در آن مردمان چشمهای

خود را وقتیکه تاراج میکند آنرا و حال آنکه او مومن باشد **باب** در رسوا کردن مظلوم

روایت است از سهل بن حنیف مرفوعا کسیکه ذلیل کرده شود نزدیک وی مسلمانی پس مدد ندهد

او را و قادر باشد آنکه مدد دهد او را ذلیل کند او را خدا عز و جل برو بروی مخلوقات روز

قیامت روایت کرده است این حدیث را احمد و مر ابوداود ورست از جابر مرفوعا که نیست

هیچ آدمی که شکست عزت آدمی مسلمان در جائیکه شکسته شود در آن نشود و کم میشود در

دیگر رسول او را خدا و رسول او را جایی که دوست میدارد در آن مدد خود و نیست هیچ آدمی که
دهد آدمی مسلمان را در جایی که کم میشود در آن آبروی وی و شکسته میشود در وی عزت وی مگر عزت دهد او را
خدا در جایی که دوست میدارد در آن مدد خود را باب در برادری اسلام و حقوق مسلمان بر
مسلمان و قول خدای تعالی هر آینه مومنان برادرانند پس صلح کنید در میان دو برادر آن تا آخر
آیه و قول خدای تعالی تواضع کنندگان بر مومنان زبردست بر کافران و در صحیح است
اگر میبودم که میگرفتم از اهل زمین دوستی را البته میگرفتم ابوبکر را دوست لیکن برادری اسلام
بهتر است و در روایتی است از ابو موسی مرفوعا که مومن مر مومن را مانند عمارت است محکم میکند
بعض وی بعضی را روایت کرده است این را بخاری و در صحیحین است از نعمان بن بشیر مرفوعا
که می بینی مسلمانان را در دوستی ایشان با هم و مهربانی ایشان با هم و شفقت ایشان با هم مانند بدن که چون رنجور شود
عضوی از وی همه اندام او را بیداری و تب و در روایتی است از ابو هریره مرفوعا
که حسد نکنید با هم و ... نکنید بر خریدن با هم و دشمنی نکنید با هم و بیع نکند بعض شما بر
بیع بعضی و باشید بندگان خدا برادران مسلمان برادر مسلمان است حقیر نداند او را و ستم
نکند ... پرهیزگاری اینجاست و اشارت میکرد بسینه خود سه بار بس است مر آدمی را
از بدی آنکه حقیر داند برادر مسلمان خود را هر چیز مسلمان بر مسلمان حرام است خون وی و مال وی و
آبروی وی روایت کرده است این حدیث را مسلم و در صحیحین است از ابن عمر مرفوعا که مسلمان
برادر مسلمان است ستم نکند بر وی ... هر کسیکه باشد در کار برادر خود باشد خدا در
کار او و هر که بردارد از مسلمانی غمی را از غمهای دنیا بردارد خدا از وی غمی از غمهای آخرت و هر که
عیب پوشی مسلمانی کند بپوشد خدا عیبهای او در روز قیامت مر بخاری و مسلم راست از انس
مرفوعا که مومن نمیشود یکی از شما تا آنکه دوست دارد برای برادر خود آنچه دوست میدارد برای نفس خود
و در صحیحین است از انس مرفوعا که مدد کن برادر خود را ظالم باشد یا مظلوم گفتم ای رسول خدا مدد
میکنم او را در حالیکه مظلوم باشد پس چگونه مدد کنم او را در حالیکه ظالم باشد فرمود باز دارید او را از ستم ...